

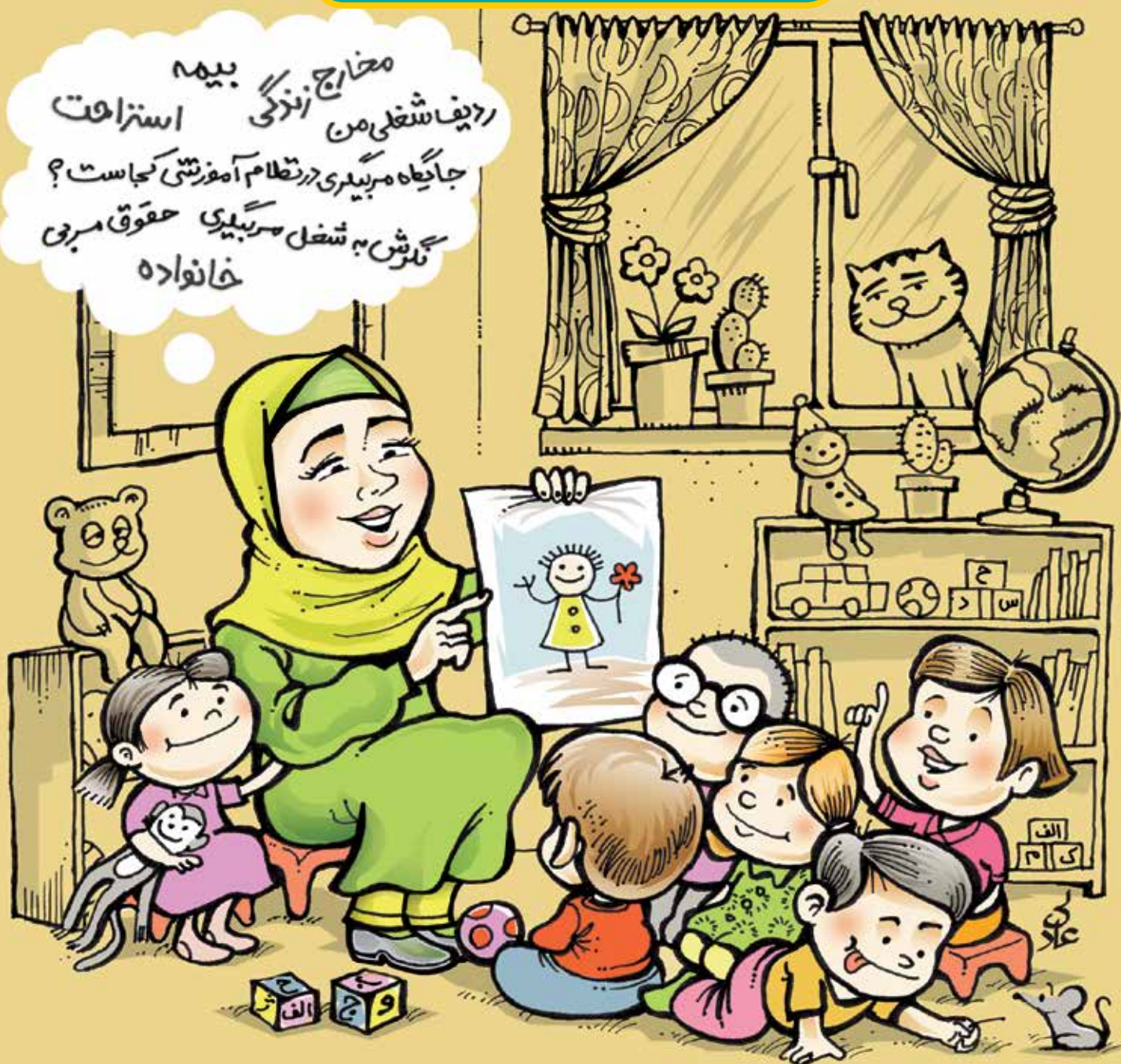
دستگاه

رشد آموزش



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
مركز نشریات و فناوری آموزشی

افصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی | برای مربیان پیش دبستانی، والدین، مدرسان و دانشجویان
| دوره نهم | شماره ۲ | زمستان ۱۳۹۶ | ۶۴ صفحه | ۱۶۵۰۰ ریال | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۷
www.roshtdamag.ir



• تهواریکی چیست؟ • زنگ پیش دبستانی شما با چه چکشی به صدا درمی آید؟
• بخشی درباره کودک آزاری و کودکان مغفول • آموزش صلح در دوران کودکی

تأثیر فناوری بر کودکان

این روزها دیگر در مهمانی‌ها خبری از بازی دسته‌جمعی بچه‌ها نیست. هر بچه با یک گوشی یا تبلت جزیره جداگانه‌ای دارد. بچه‌ها از چه سنی می‌توانند گوشی هوشمند بگیرند و چقدر از آن می‌توانند استفاده کنند؟ این سؤال خیلی از پدر و مادرهاست.

توانایی یادگیری از بین می‌رود

گوشی‌های هوشمند به دلیل آسان کردن کارها و راه‌های جست‌وجو، توانایی یادگیری را از کودکان می‌گیرد.

افسردگی و چاقی می‌آورد

استفاده بیش از حد از گوشی همراه و نشستن بیش از حد در تنهایی، می‌تواند بر سلامتی کودک شما تأثیر ناخوشایندی بگذارد.

کودک با خلاقیت خدا حافظی می‌کند

کارشناسان معتقدند وقتی کودکان به بازی‌ها و برنامه‌های گوشی هوشمند عادت کنند، حساسیت چشم و واکنش مغزشان کم می‌شود.

وقتی روابط تغییر می‌کند

کودکی که در حال رشد است، بدون گفت‌وگو و تعامل با خانواده، در فضای آنلاین به دور از خانواده رشد می‌کند.

خواب را از چشم‌هایشان می‌گیرد

نمایشگر کوچک گوشی‌های هوشمند و تبلت‌ها در خواب کودکان تأثیر دارد. کم‌خوابی روی هوش و خلاقیت و شادابی کودک تأثیر می‌گذارد.

وقتی پای مغز به میان می‌آید

استفاده زیاد و مدام از گوشی هوشمند منجر به آسیب دیدن یکی از بخش‌های مهم مغز می‌شود.

امنیت حرف اول را می‌زند

باید واضح و روشن به او توضیح بدهید که گوشی در عین حال که می‌تواند برای او بسیار مفید باشد، می‌تواند به همان اندازه خطرناک باشد و باید همه چیز را با پدر و مادرش در میان بگذارد.

این آمار نگران‌کننده است

بیش از دوسوم نوجوانان گوشی و ۳۷ درصد آن‌ها تبلت دارند.





رشد آموزش

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی | برای مربیان مراکز پیش دبستانی، والدین، دانشجویان و کارشناسان آموزشی | دوره نهم | شماره ۲ | زمستان ۱۳۹۶ | ۶۴ صفحه

بسم الله الرحمن الرحیم

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
شرکت افست

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: دکتر فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:

مرتضی طاهری
فریده عصاره

مرتضی مجدفر
مسعود تهرانی فرجاد

سید غلامرضا فلسفی
مدیر داخلی: الهام الیکایی

ویراستار: افسانه حجتی طباطبائی
طراح گرافیک: ایمان اوجیان

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۷۵۸۵
تلفن: ۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۲۱ - (داخلی ۳۷۴)

نمابر: ۸۸۴۹۰۳۱۶ - ۲۱
وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام نگار: pishdabestani@roshdmag.ir
صندوق پستی امور مشترکین:

۱۵۸۷۵ / ۳۳۱
تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

پیامک: ۳۰۰۸۹۹۵۰۷
roshdmag :
شمارگان: ۷۰۰۰ نسخه

یادداشت سردبیر / سکوت از رضایت نیست، دلم اهل شکایت نیست! / ۲

آموزشی / تهواریکی چیست؟ / دکتر فرخنده مفیدی / ۴

آموزشی / سوگند مربی دلسوز / مسعود تهرانی فرجاد / ۶

نقد و نظر / فردا دیر است! / مرتضی طاهری / ۸

درنگ / زنگ پیش دبستانی شما با چه چکشی به صدا درمی آید؟ / مرتضی مجدفر / ۱۰

آموزشی / نظارت فناوریانه، شرط لازم برای حفظ حریم خصوصی کودک / سید غلامرضا فلسفی / ۱۲

آموزشی / مشارکت کودکان در قرن بیست و یکم / دکتر مرجان کیان / ۱۵

آموزشی / کودک و محیط زیست / مهدی مروجی / ۱۸

آموزشی / درسی که از کودک آموختیم! / فریده عصاره / ۲۱

آموزشی / مبانی، اصول و روش های تربیت در دوره پیش از دبستان / زهره اولیائی / ۲۴

آموزشی / بحثی درباره کودک آزاری و کودکان مغفول / دکتر مرجان گودرزی / ۳۰

آموزشی / پیش دبستان بستری مناسب برای آموزش سواد زیست محیطی / زینب شریفی / ۳۳

آموزشی / آموزش صلح در دوران کودکی / ترجمه دکتر نیره شاه محمدی / ۳۶

پژوهشی / شناسایی صلاحیت های حرفه ای / مینا نجفی، محمد قهرمانی، محبوبه عارفی، محمد ابوالقاسمی / ۴۰

خبر / نشست آموزشی / ۴۷

آموزشی / الگوی آموزش صلح در برنامه درسی آموزش پیش دبستان / فریبرز محمدی فارسانی / ۴۸

آموزشی / طبیعت و کودک / احسان میرزایی / ۵۲

آموزشی / کنجکاوی کودکان / غلامحسین ظفری / ۵۴

خبر / طرح رویش / ۵۷

آموزشی / مقاله و مقاله نویسی / افسانه حجتی طباطبائی / ۵۸

اطلاع رسانی / قاب جدید مجله شما / ایمان اوجیان / ۶۱

معرفی کتاب / ۶۲

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

• مقاله هایی را که برای درج در مجله می فرستید، باید با آموزش پیش دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. • مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. • مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا ماشین شود (مقاله ها می توانند با نرم افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). • نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. • محل قرار گرفتن جدول ها، نمودار ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. • مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. • آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رای و نظر مسئولان رشد آموزش پیش دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. • مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی شود، معذور است.



سکوت‌م از رضایت نیست دل‌م اهل شکایت نیست!

سلام به کودک‌دوستان

بسیار اندیشه کردم که در این سرمقاله چه بنویسم.

از آنچه در مراکز آموزشی کودکان گذشته است و می‌گذرد و خانواده‌ها بگویم یا از کودکان در مهدهای کودک و کودکستان‌ها و برخورد با آن‌ها بنویسم.

از مادران پردغدغه و پرسؤال بگویم یا از برنامه‌های کودکان در مراکز پیش‌دبستانی و روزگاری که بر آنان می‌گذرد، بنویسم؟

از مربیان بی‌انگیزه و مشکلات مالی و حقوق‌های کم آن‌ها بگویم که گفته‌های بسیار دارند و از جایگاه خود، ناراضی‌اند یا از آموزش‌های اولیه در نظام آموزشی و سند تحول و چشم‌انداز آن بنویسم؟

از فضاهای آموزشی کودکان و استاندارد نبودن بعضی وسایل و تجهیزات، کمبودها و نارسایی‌ها بگویم یا از برنامه‌ها و کاربرد دیدگاه‌های نو در فضاهای بی‌مایه که به قولی، بی‌مایه فطیر است؟

از مدیران و شایستگی‌های آنان و نحوه انتخاب درست آن‌ها در مراکز آموزشی پیش‌دبستان و مهدهای کودک و مراقبت بگویم یا از عدم احساس مسئولیت‌های شغلی آنان در این دوره و نبود پاسخ‌گوی مناسب در کار با خانواده‌ها و آموزش آنان بنویسم؟

از محتوای آموزشی، کتاب‌های غیراستاندارد، پرشمار و نامناسب بگویم که دست‌اندرکاران را در کار با کودکان و پاسخ‌گویی به خانواده‌ها گیج و گم کرده‌اند، یا از تأخیرهای غیراصولی در انتشار محتوایی در خور و شایسته کودکان ایرانی بنویسم؟



از شهریه مراکز پیش دبستانی که قرار بوده است در تعیین آن، محرومیت زدایی اصل باشد بگویم یا از چگونگی کار با کودکان و هزینه‌های مصرفی بنویسم؟

از مهدهای خاص و به ظاهر موجه و کتب پررونق و فراوانی نوشته‌هاشان بگویم یا از لزوم انس با قرآن و اصل برقراری مهربانی و مودت با اندیشه‌های اسلامی در ذهن کودکان در دوران اولیه کودکی بنویسم؟

از مهدهای خودساخته، خودنگر و پیشرو و حتی زودتر از موعد تفکر مربیان و کمبود آمادگی آنان بگویم که البته جاذب خانواده‌ها هستند و به اصطلاح برای گیشه کار می‌کنند یا از عدم تنوع و کهنگی شیوه‌های آموزشی و نبود خلاقیت و نوآوری در بعضی دیگر از مهدهای فعلی بنویسم؟

از روستا مهدها و مراکز چندپایه بگویم یا به سادگی از نیازهای به حق آنان بنویسم؟

از کودکان کار، کودکان خسته و وامانده خیابانی بگویم یا از قانون منع کار کودکان در سنین قبل از بلوغ بنویسم؟

از کودکان جنگ، کودکان وحشت‌زده یمنی، سوری، میانماری و... بگویم که آثار جبران‌ناپذیر آسیب‌های جنگ‌هایی غیرعادلانه را به دوش می‌کشند یا از آموزش صلح و آرامش و حق برخورداری کودکان از صلح، صفا و صمیمت و مهربانی و اینکه دنیا را باید زیبا ببینند، سخن برانم؟

از بی‌ارتباطی دنیای صنعت و دانشگاه و فارغ‌التحصیلان آن‌ها در رشته آموزش و پرورش پیش از دبستان با سازمان آموزش و پرورش و مراکز پیش دبستانی و عدم جذب کارشناسان و کارشناسان ارشد شایسته این رشته بگویم یا از چگونگی پذیرش محصولات پرزحمت و پرهزینه دانشگاه‌ها در موقعیت‌های نامناسب بنویسم؟ بدین سبب که گویی کارها به دست کاردان سپرده نمی‌شود.

از شمارگان کم مجله رشد آموزش پیش دبستانی، که بارها مطرح شده است و نرسیدن آن به دست نیازمندان در تهران و سایر استان‌ها بگویم یا از طرح دیجیتالی کردن مجلات بنویسم و از امید به اینکه این محتوا به زودی در دسترس علاقه‌مندان، حتی در روستاها و روستامهدها قرار گیرد؟

از ... بگویم یا **از** ... بنویسم.

در پایان، نتیجه گرفتم که نه از این بگویم، نه از آن بنویسم؛ زیرا زیبایی اندیشه در سکوت است و در خلوت بسیار تأمل می‌توان کرد. در نهایت، نیکی در این است که از همکاران مهربان و تلاشگر در دفتر مجله و خدمتگزاران به نشریه وزین رشد آموزش پیش دبستانی صمیمانه سپاسگزاری کنم. قدردان زحمات نویسندگان مقاله‌های خوب و مخاطبان گرامی نیز هستم و به همین بسنده می‌کنم که خداوندمنان، علم‌آموزی و راهاندازی مسیرها را بیشتر و بهتر می‌پسندد.

سردبیر



تهواریکی^۱ در حقیقت یک برنامه درسی است که به ویژه برای آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی در نیوزیلند^۲ ترتیب داده شده است. این برنامه متشکل از اهداف یا مهارت‌هایی است که پرورش کاران برای آموزش کودکان در دوران پیش‌دبستان باید به کار گیرند، وزارت آموزش و پرورش کشور زلاندنو (نیوزیلند) در سال ۱۹۹۶ آن را منتشر کرده است. **تهواریکی** در بسیاری از زمینه‌ها کودک و خانواده را مشارکت می‌دهد و به گونه‌ای است که باعث می‌شود بسیاری از چیزهایی را که یک کودک می‌تواند در خانه تجربه کند، در ارتباط با والدین، خانواده و جامعه نیز تجربه می‌کند؛ مانند داشتن حس مالکیت قوی، رفاه و بهزیستی، اشتراک مساعی، برقراری ارتباط با دیگران و کاوش از طریق بازی و فعالیت‌های خانوادگی. این برنامه بر آن است که فعالیت‌های فوق ممکن است در مراکز پیش‌دبستانی که در آن‌ها فقط کودک با فرد بزرگ‌تر ارتباط برقرار می‌کند، چندان شکل نگیرد؛ در حالی که در گروه‌های بزرگ و در جامعه، سریع‌تر و بهتر شکل می‌گیرد.

تهواریکی این گونه ارزش‌ها را با برقراری اصول و اهداف E.C.E^۳ یا آموزش‌های دوران اولیه کودکی و تدارک راهنمایی برای آموزش رویکردها و ارزشیابی مناسب مقدور می‌سازد. در برنامه تهواریکی، چهار اصل گسترده و مجموعه‌ای از رشته‌ها و مسیرها برای تحقق اهداف مرتبط وجود دارد. در زیر، به‌طور خلاصه به اصول و مسیرهای تحقق اهداف مرتبط با آن‌ها اشاره می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تهواریکی، کودک، خانواده، آموزش، رشد

اصول:

۱. اصل قدرتمندسازی Empowerment

این برنامه درسی کودک را برای یادگیری و رشد و تحول قدرتمند می‌سازد.

۲. تحول کل‌گرا Holistic Development

این برنامه درسی راه کامل و کل‌نگری را برای رشد و یادگیری کودکان انعکاس می‌دهد.



۴. ارتباط و گفت‌وگو

زبان‌ها و نمادهای فرهنگ‌های مختلف حفظ و حمایت می‌شود و نیز ارتقا می‌یابند.

هدف‌ها:

کودکان محیطی را تجربه می‌کنند که در آن مهارت‌های غیرکلامی و کلامی با مقاصد گوناگون و به دلایل مختلف پرورش داده می‌شوند. کودکان داستان‌ها و نمادهای فرهنگ خود و دیگران را تجربه می‌کنند و راه‌های مختلف را برای بیان خود و خلاقیت خویش می‌شناسند.

۵. کاوش فعال

کودک از طریق کاوش فعال در محیط یاد می‌گیرد.

هدف‌ها:

کودکان محیطی را تجربه می‌کنند که در آن بازی به‌عنوان یک یادگیری معنی‌دار ارزشمند است و اهمیت بازی‌های طبیعی شناخته می‌شود. در چنین محیطی کودکان اعتمادبه‌نفس و کنترل بدنی خوبی کسب می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

1. Te Whāriki
2. New Zealand
3. E.C.E
4. Communication
5. Exploration

برای اندیشیدن

از مربیان، کارشناسان و دانشجویان عزیز می‌خواهیم نقاط قوت و ضعف این برنامه جهانی را مطرح کنند و شباهت و تفاوت‌های این برنامه را با برنامه‌های شناخته شده در ایران و جهان بیان کنند. در انتظار دیدگاه‌های کلیه عزیزان هستیم.

۳. خانواده و جامعه Family and Community

دنیای وسیع خانواده و جامعه، بخش اصلی برنامه درسی پیش‌دبستانی است.

۴. برقراری ارتباط Relationship

کودکان از طریق روابط دوجانبه و پاسخگو و مسئولانه، با افراد، مکان‌ها و اشیاء یاد می‌گیرند، در حقیقت، موقعیت‌های یادگیری با همکاری والدین ایجاد می‌شوند. انتظار این است که کودکان در این سال‌ها برنامه درسی را تجربه کنند که سال‌های بعدی زندگی آن‌ها را ارتقا بخشد.

این اصول مبنایی برای تصمیم‌گیری برای زمینه‌های مختلف تربیتی و پرورشی در برنامه درسی است. این قواعد و اصول در ۵ سطح یا رشته، مسیر تحقق هدف‌ها را آشکار می‌سازد و کودکان را از نظر توانایی‌های مورد نیازشان برای کسب شایستگی و اعتمادبه‌نفس ارتقا می‌بخشد.

سطوح مورد نیاز و هدف‌های مرتبط

۱. رفاه و بهزیستی

بهداشت و رفاه کودک در این مسیر تقویت می‌شود و مورد حمایت قرار می‌گیرد.

هدف‌ها:

کودکان محیطی را تجربه می‌کنند که در آن بهداشت و رفاه برای آنان تأمین، و رفاه اجتماعی‌شان تقویت می‌شود و آن‌ها از خطرات، آسیب‌ها و آزارها حفظ می‌شوند.

۲. احساس تعلق

کودکان و خانواده‌هایشان حق تعلق و خواسته شدن را تجربه می‌کنند.

هدف‌ها:

کودکان و خانواده‌هایشان محیطی را تجربه می‌کنند که در آن ارتباط با خانواده و دنیای وسیع‌تر مورد تأیید است و گسترش داده می‌شود. کودکان در این فضا می‌دانند که دارای جایگاهی خاص‌اند، برای کارهای روزمره احساس راحتی دارند و عادات و حوادث معمول، محدودیت‌ها و مرزها و ممنوعیت‌های رفتاری قابل قبول را می‌دانند.

۳. اشتراک مساعی و همکاری

در این مسیر، عدالت آموزشی مطرح می‌شود، فرصت‌هایی برای یادگیری برابر و منصفانه وجود دارد و سهم هر کودک نیز ارزشمند است.

هدف‌ها:

کودکان با محیطی روبه‌رو می‌شوند که در آن می‌توانند فرصت‌های برابر برای یادگیری را بدون تعصبات جنسیتی، توانایی‌ها، سن، قومیت و یا پیشینه تجربه کنند. آن‌ها به‌عنوان انسان‌هایی ارزشمند مورد تأییدند و برای یادگیری با دیگران و در کنار آن‌ها ترغیب و تشویق می‌شوند.



در اغلب موارد، این حدیث را این‌گونه برداشت می‌کنیم که تا می‌توانیم به کودکانمان آموزش دهیم تا این فرصت و ویژگی طلایی یعنی، ماندگار شدن اطلاعات در سنین کودکی را از دست ندهیم. حال آنکه به موازات نقش بستن آموزش‌های صحیح و ماندگار شدن آن‌ها در ذهن کودک، باید مراقب آسیب‌ها (آموزش‌های غلط) و توصیه‌های برنامه و فعالیت‌های آموزشی اشتباه هم بود؛ زیرا وقتی به سخن مذکور و حکیمانه حضرت علی(ع) با دقت توجه می‌کنیم، درمی‌یابیم که آموزش‌های دوران کودکی لزوماً و فقط مطالب صحیح و مطلوب نیستند بلکه آموزش‌های غلط نیز می‌توانند ماندگار شوند.

خشت اول گر نهد معمار کج،

تا ثریا می‌رود دیوار، کج

این نگرش دقیق به مراقبت در مسائل دینی،

سوگند مربی دلسوز

یافته‌های نزدیک به سه دهه فعالیت در عرصه آموزشی و پرورشی و پیش‌دبستانی به‌ویژه در زمینه بسیار مهم تربیت‌مربی می‌تواند محل اتکایی برای پرداختن به این پرسش اساسی باشد که چگونه می‌توانیم در کودکانمان نسبت به فعالیت‌های آموزشی تربیتی نگرش و باور صحیح ایجاد کنیم.

لازم است مربی به چه نگرشی نسبت به کودک برسد که نتیجه آن علاقه‌مندی کودک نسبت به فعالیت‌های آموزشی و تربیتی باشد؟ پاسخ به این سؤال‌ها ابعاد گوناگونی دارد اما نوشتار پیش رو به یکی از جنبه‌های مهم آن مبنی بر نقش و نگرش مربی توجه کرده است. انگیزه‌های دیگر برای نوشتن این مقاله فصل زمستان است. در این فصل سال، فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مربیان دلسوز به نیمه راه و نزدیک به پایان می‌رسد. به همین منظور، ضروری است برنامه‌ها و فعالیت‌هایمان به جمع‌بندی و خروجی مطلوبی برسد؛ به‌ویژه برای فعالیت‌هایی که به جنبه‌های تربیتی مربوط می‌شوند. به راستی، پاسخ ما مربیان به پرسش‌های فوق چه خواهد بود؟

کلیدواژه‌ها: کودک پیش‌دبستان، موفقیت، ماندگاری آموخته‌ها، نقش و نگرش مربی

در نظام ما و نهادهای گوناگون اجتماعی، آموزشی، پزشکی و... وقتی افراد به مدارج بالا و موقعیت‌های مهم و حساس تشخیص و تصمیم‌گیری یا قضاوت می‌رسند، باید خود را متعهد به تحقق اهداف و باورها بدانند تا بر این مبنا جهت‌گیری‌ها، اقدامات و تصمیمات ایشان قابل ارزیابی باشد. مثلاً وکلای مجلس، قضات و یا جامعه پزشکان باید خود را مکلف به رعایت مرامنامه‌هایی بدانند که به‌واسطه تحقق آن‌ها می‌توان فعالیت‌های آنان را کنترل و ارزیابی نمود. معمولاً این مرامنامه‌ها با عناوین میثاق یا سوگند تعهد مطرح می‌شوند.

به نظر شما، سوگند مربیان آن هم در دوره پیش‌دبستانی چیست؟ شاید این جمله معروف و حدیث نورانی امیر کلام، امام علی(ع) را یادشیده باشیم که:

الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّفْسِ فِي الْحَبَرِ؛

آموزش‌های دوران کودکی مانند نقش روی سنگ ماندگارند.



با توجه به تأثیرپذیری و ماندگاری آموخته‌های کودک پیش‌دبستان، لازم است مربی در محیط نگرشی، در تعامل با کودک به چه باوری برسد؟ چه دغدغه‌ای باید داشته باشد و بالاخره چه نگرش و باوری باید نسبت به کودکان پیش‌دبستانی خود داشته باشد؟ بدیهی است پیش از آموزش و مهارت، این نگرش‌ها هستند که در تصورات فراگیرنده تأثیر می‌گذارند. از این جهت، نگرش مربی به کودکان نقش بسزایی در تصورات کودکان وی خواهد داشت. اگر نگرش و باور مربی این باشد که همه کودکان تحت آموزش وی باید احساس خوب و خوشایندی از یادگیری و تعامل با او داشته باشند، موفقیت و لذت بردن در فرایند تعلیم و تربیت را حق کودکان می‌داند و خود را به تحقق این سوگند ملزم می‌کند که:

«در برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره پیش‌دبستان، به‌ویژه فعالیت‌های دینی و قرآنی، همه کودکان من حق دارند طعم شیرین موفقیت را بچشند».

منبع

راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی پیش‌دبستان مصوب شورای عالی آموزشی و پرورشی، ۱۳۹۱.

تربیتی و قرآنی بسیار عمیق و قابل تأمل است و اشاره بدان دارد که ممکن است تصورات غلط از آموزش‌های ریاضی، علوم و... به کودک آن قدر لطمه نزنند که آموزش‌های نادرست در عرصه‌های دینی و قرآنی لطمه می‌زنند. برای پیشگیری از چنین آسیب جدی و ماندگاری، راهکارهای گوناگونی قابل طرح است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نقش و نگرش مربی است. در مقوله نقش مربی می‌توان به حساسیت‌ها و قدرت‌های حرفه‌ای مربی و توانایی علمی، و قابلیت ارتباط مؤثر و سازنده او با کودک و به‌ویژه نقش الگویی مربی از یک سو و نگرش او از سوی دیگر، توجه نمود.



فردا دیر است!

در شماره ۳۳ مجله مطلبی با عنوان بالا، به قلم دو نفر از همکاران درج گردید و در آن به موضوعاتی از جمله اهمیت برنامه‌های تربیتی در تکوین شخصیت کودکان و تأکید بر پرورش رفتارهای تربیتی در کودکان به جای انتقال صرف اطلاعات و دانستنی‌های متداول به آنان پرداخته شد. در نظر است به یاری حق تعالی، از این شماره موضوعاتی از این دست با همین عنوان مورد واکاوی قرار گیرند. از مربیان ارجمند، والدین عزیز و کارشناسان و استادان فرهیخته و علاقه‌مند، انتظار داریم ما را در این زمینه، نقد و یاری نمایند.

در ادامه بحث مقدماتی، با عنوان «فردا دیر است!» در شماره قبلی مجله ضمن آنکه باور داریم در حال حاضر، همین آموزه‌ها و فعالیت‌های ساده نیز با موضوع انتقال دانستنی‌های ابتدایی به کودکان با هدف تربیت ماندگار و تکوین مبانی شخصیتی در آنان صورت می‌پذیرد، در این یادداشت، به یکی از ابعاد مهم فطری در کودکان که روحیه و گرایش «خیرخواهی» است، می‌پردازیم. با نگاهی به موضوع کلی یاد شده، مواردی جزئی‌تر از ذهن انسان می‌گذرد:

- نوع دوستی و مهربانی با دیگران
- دستگیری از نیازمندان و محرومان
- فداکاری و ترجیح دادن دیگران بر خود
- دلسوزی نسبت به مظلومان و ستم‌دیدگان
- حساس بودن به مسائل و مشکلات اجتماعی

در حال حاضر، برای وصول به اهداف اخلاقی فردی و اجتماعی با سازوکارهایی مضامینی ملموس و قابل درک برای کودکان و انتخاب و با تشکیل شبکه مفهومی و دسته‌بندی و استخراج موضوعات فرعی، فعالیت‌های مرتبط با اهداف مورد نظر طراحی می‌گردند که از جمله آن‌ها استفاده از قالب‌های شعر و قصه، نقاشی و کاردستی، بازی و نمایش خلاق، بحث و گفت‌وگو، آزمایش و مشاهده است. درخصوص موضوع این نوشته (تربیت و تقویت روحیه و گرایش فطری و اخلاقی در کودکان پیش دبستانی) بهترین قالب و فعالیتی که می‌تواند در کودکان آثاری ماندگار داشته باشد، ایفای نقش در نمایش خلاق است.

در ادامه، به دو صحنه نمایشی که با موضوع مورد بحث مرتبط است، می‌پردازیم که نقش‌آفرینی کودکان در آن‌ها به بیداری و شکوفایی فطرت پاک آنان کمک شایانی می‌کند. این نمایش‌ها با هدایت مربیان توسط خود بچه‌ها اجرا می‌گردد.



صحنه اول، تعدادی از

کودکان در یک صف نمایشی، منتظر رسیدن اتوبوس برای سوار شدن و رفتن به مقصد هستند (برای نشان دادن وسیله نقلیه می توان از کارتن های بزرگ و امثال آن استفاده کرد). در این حین، کودکی با آرایش یک پیرمرد یا پیرزن قدخمیده و عصا به دست و یا بیماری با عصا، از راه می رسد و در انتهای صف می ایستد. به محض ورود آن شخص، همه بچه های حاضر در صف به وی اصرار می کنند که به ابتدای صف بیاید و اول از همه سوار اتوبوس شود. آن شخص نمی پذیرد ولی دو نفر از بچه دست او را می گیرند و به آرامی و همراه با احترام و ادب او را به اول صف هدایت می کنند.

در همین هنگام، صدای اذان ظهر از پخش صوت داخل کلاس بلند می شود؛ در حالی که به عبارت «حَی عَلَی خیرالعمل» می رسد. آن گاه مربی، کودکان را به بحث و گفت و گو هدایت می کند. او ضمن توضیح دادن درباره معنای خیرالعمل و شتاب برای انجام آن، نخست به ادای نماز (به عنوان یکی از مصادیق این عبارت) و سپس به همه کارهای خوب از جمله احترام به بزرگ ترها - کمک به نیازمندان و دستگیری از دیگران به عنوان عبادت اشاره می کند و به کمک بچه ها بحث را به نتایج غیرمستقیم نمایش می رساند.

صحنه دوم، مشابه صحنه اول است؛ با این تفاوت که بچه ها روی صندلی هایی مثل صندلی های اتوبوس یا مینی بوس نشسته اند و بیمار یا پیرمرد یا پیرزنی عصا در دست وارد می شود. و اصرار و تعارف بچه ها برای نشستن وی به جای آنان و همزمان پخش اذان در ماشین با تمرکز بر عبارت زیبای حی علی خیرالعمل (بشتاب به سوی بهترین کارها) و بحث و گفت و گوی کودکان با یکدیگر با هدایت مربی و...



زنگ پیش‌دبستانی شما با چه چکشی به صدا در می‌آید؟

تصحیح تفکرات رایج درباره تحقق سند تحول بنیادین و سایر اسناد تحولی

در چند سال اخیر که سند تحول بنیادین، برنامه درس ملی، رهنما تربیت در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران و در مورد واحدهای آموزشی پیش‌دبستانی، برنامه درسی دوره پیش از دبستان به تصویب ارگان‌های ذی‌ربط در آموزش و پرورش، مانند شورای عالی آموزش و پرورش یا سایر نهادها مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی، رسیده است، همه جا سخن از چگونگی محقق ساختن و اجرای این اسناد تحولی است. طبیعی است که این اسناد، به دلیل فرادستی بودن، ماهیتی کلان دارند و کمتر وارد جزئیات می‌شوند. به غیر از این ویژگی، به دلیل تخصصی بودن ادبیات به کار رفته در این اسناد، طبیعی است که فهم دست‌اندرکاران اجرایی و اعضای خط مقدم جبهه تعلیم و تربیت یعنی مدیران، معاونان، معلمان، مربیان و کادر مدارس و واحدهای آموزشی، از آن‌ها یکسان نخواهد بود و تفاوت برداشت یا حتی سوء برداشتهایی نیز ایجاد خواهد شد. با وجود این، درخواست مدیران میانی و ارشد آموزش و پرورش و بعضاً مدیران سیاسی کشور از مدارس این است که این اسناد تحولی، به مرور به اجرا گذاشته شوند. درواقع، درخواست این است که نبض مدارس ما با نکته‌های مندرج در اسناد تحولی به جریان و سیلان درآید و چکشی که زنگ واحدهای آموزشی را به صدا درمی‌آورد، از جنس اسناد تحولی باشد.

ولی آیا چنین است؟ خیر یا بهتر است بگوییم اغلب خیر. چون اسناد به زبان مدرسه‌ای و قابل فهم عامه دست‌اندرکار واحدهای آموزشی ترجمه نشده، همه چیز در ظاهر باقی مانده است، ولی به ظاهر، گزارش‌های خوبی به ادارات آموزش و پرورش منطقه‌ای، استانی و از این طریق به وزارتخانه می‌رسد.

واقعیت چیست؟

واقعیت این است که طراحان و نویسندگان اسناد تحولی کار خود را می‌کنند (و البته قسمت اعظم آن را پیش از این انجام داده‌اند) و متولیان شاغل در واحدهای آموزشی کار خودشان را برای مثال، وقتی گزارشی از تحقق اجرای سند تحول بنیادین،

برنامه درسی ملی یا برنامه درسی دوره پیش از دبستان خواسته می‌شود، واحد پیش‌دبستانی ما، هر کاری که کرده، و صدا البته گزارش‌های مستندسازی شده‌اش موجود است، بیرون می‌کشد و از میان جمع، فردی که واردتر و با ادبیات اسناد تحولی از جمله برنامه درسی دوره پیش از دبستان آشناتر است، کارهای انجام شده را مثلاً با اهداف ذکر شده در برنامه درسی دوره مقایسه و اعلام می‌کند که **ایها الناس!** ما توانسته‌ایم این بند و فلان راهبرد و بهمان راهکار از سند تحول یا فلان اهداف از برنامه درسی پیش از دبستان را عملیاتی کنیم.

اگرچه این تصویر غالب و واقعی همه واحدهای آموزشی از جمله آموزشگاه‌های پیش‌دبستانی کشورمان نیست، متأسفانه در حال تبدیل شدن به اتفاقی رایج است. به عبارت دیگر، ظاهراً ما در حال محقق ساختن اسناد تحولی هستیم ولی نبض تعلیم و تربیت آموزشگاه ما از نظر تعداد ضربان و آهنگی که

انتظاری داریم که تغییر رخ دهد؟ شاید نگاه من قدری بدبینانه و ناامیدانه باشد؛ اشکال ندارد. فرض کنید نگاهم براساس تجربه‌ای که از برخورد با تعداد انگشت‌شماری آموزشگاه داشته‌ام، شکل گرفته است. اگر تعداد این واحدهای آموزشی به عدد انگشتان دو دست هم نرسد، باز مانعی است در راه تغییر و گام گذاشتن در تحقق اسناد تحولی.

وقتی در زنگ‌های تفریح و شوراهای مربیان واحد پیش‌دبستانی ما، مجله رشد آموزش پیش‌دبستانی، فصلنامه مطالعات آموزش دبستان و پیش‌دبستان، تازه‌ترین کتاب‌ها و بسته‌های آموزشی تولید شده در حوزه پیش‌دبستانی، دست به دست نشود و از آخرین سمینارها و نشست‌های علمی حوزه کاری خود سخن نگوئیم، گفت‌وگو از تحول و محقق ساختن اسناد تحولی چندان قابل تأمل نیست. تنها با تغییر گفتمان ما در آموزشگاه، می‌توانیم شاهد تغییر خواسته‌های اولیا و جامعه باشیم. اگر هنوز نگاه جامعه به ما در مقام یک واحد پیش‌دبستانی، به مثابه یک واحد نگهداری اطفال است، اگر هنوز جامعه از ما می‌خواهد در پیش‌دبستان به کودکانی که نزد ما به امانت گذاشته شده‌اند، الفبا و چند تا شعر یاد بدهیم، هنوز خواسته جدیدی در اولیا و بالطبع در جامعه پدید نیامده است. اسناد تحولی درست است که فرادستی نامیده می‌شوند، ولی تحقق آن‌ها نیازمند تعامل و همکاری چندجانبه همه ذی‌نفعان دخیل در تربیت جامعه است.

تغییر، یک مسیر است نه مقصد. کلان‌ترین سند تحولی کشور، یعنی سند چشم‌انداز هم، فعلاً تا سال ۱۴۰۴ را مدنظر خود قرار داده است. این بدان معنی نیست که دیگران منتظر ما باقی خواهند ماند تا در مسیر تغییر، به مقصدهای تعیین شده خود برسیم. امروز برای تغییر و تحول دیر است؛ پس، بیایید برای آینده فرزندانمان هم که شده، با تحقق اسناد تحولی و هدف‌ها و راهبردها و راهکارها و بندهای آن شوخی نکنیم؛ ضمن اینکه کماکان انتظار داریم متولیان تدوین و تصویب این اسناد هم در توجه و تبدیل متون اسناد به زبان قابل فهم و مشترک مدرسه‌ای کوشا باشند.

تنها با تغییر
گفتمان ما در
آموزشگاه،
می‌توانیم
شاهد تغییر
خواسته‌های
اولیا و جامعه
باشیم



پیش از این داشت، تفاوتی نکرده است و چکشی که صدای آغاز به کار مؤسسه آموزشی ما باید با آن نواخته شود، از آلیاژی ساخته نشده است که جنس آن کمی تا قسمتی شبیه فلزات به کار رفته در اسناد تحولی باشد.

به نظر من، این تفکر درباره عملیاتی کردن سند تحول بنیادین و سایر اسناد تحولی باید تصحیح شود. وقتی از مدیر و کارکنان یک آموزشگاه، از جمله یک واحد آموزشی پیش‌دبستانی خواسته می‌شود درباره تفکر و نظام‌نامه تربیتی محل کار خود حداقل پنج دقیقه سخن بگویند، باید بتوانند از عهده چنین کاری برآیند. متحول شدن و رفتن به سوی تحول و تغییر، با تطبیق «آنچه قبلاً انجام می‌دادیم و حال نیز انجام می‌دهیم» با بندهای گوناگون اسناد تحولی و گفتن اینکه «آهان! این یعنی تغییر و محقق شدن فلان بند بهمان سند تحولی!» صورت نمی‌پذیرد. تغییر باید در تمام ارکان آموزشگاه ما رسوخ کند. وقتی هنوز در زنگ‌های تفریح، گفت‌وگوی غالب میان مربیان و حتی مدیر و کارکنان یک واحد پیش‌دبستانی، درباره گذران امور و رفع تکلیف و حتی بیان موارد غیرآموزشی است، چه



نظارت فناورانه، شرط لازم برای حفظ حریم خصوصی کودک

اشاره

برخی صاحب‌نظران حوزه علوم ارتباطات دوران ظهور شبکه سراسری اطلاعات (اینترنت)^۱ در اواسط قرن بیستم را انقلابی در زمره انقلاب صنعتی می‌دانند. علت این امر تحولی بنیادین است که اینترنت در ساختار زندگی ابناء بشر ایجاد نمود. به ثمر نشستن این انقلاب فناورانه پیامدهایی بی‌بدیل در عرصه‌های گوناگون داشت که یکی از بارزترین آن‌ها در عرصه ارتباطات و اطلاعات، امکان فنی دیجیتالی کردن کثیری از رسانه‌ها و به تبع آن، همگرایی فنی میان وسایل ارتباطی به‌ویژه رایانه و تلفن همراه بود. فضای مجازی از ابتدای قرن ۲۱ به محیط زندگی کودک^۲ نیز رسوخ کرد و به بخشی عادی و جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره او تبدیل شد؛ جایی که در آن بازی می‌کند، دوستان خود را ملاقات می‌کند و چیزهای جدید یاد می‌گیرد. رایانه و تلفن همراه بر بستر اینترنت به کودک اجازه دسترسی به دیگران را در سراسر دنیا می‌دهد و از طریق حضور در شبکه‌های اجتماعی، مجال ارتباط، مشارکت و تبادل آسان را در همه چیزهایی که انسان ساخت‌اند فراهم می‌سازد. کودک به کمک این قبیل رسانه‌ها امکان دستیابی به دنیا‌های نادیدنی و ناگفتنی، کشف، جست‌وجو و انگیزش دوباره برای یادگیری را یافته است. امروزه از طریق فضای مجازی، دنیای بیرون بیش از پیش برای کودک قابل دسترسی شده، اما باید توجه داشت که به این واسطه، به‌طور متقابل کودک هم برای دنیای بیرون قابل دسترسی‌تر و از جهاتی آسیب‌پذیرتر شده و به تعبیری، دوران کودکی دچار زوال شده است.

کلیدواژه‌ها: حریم خصوصی، نظارت فناورانه، اینترنت، رایانه، تلفن همراه هوشمند

موافقان و مخالفان استفاده کودک از رسانه‌های مدرن چه می‌گویند

اشخاصی چون الیهو کاتز مدعی‌اند که رسانه‌هایی چون رایانه و تلفن همراه، از نظر ماهیت کودک را توانمند می‌سازد. این گروه از صاحب‌نظران فرصت‌هایی نوین را مدنظر قرار می‌دهند که کودک به‌واسطه وجود رسانه‌های مذکور، امکان بیان خویش و رهایی از کنترل بزرگسالان را می‌یابد و برای حضور در اجتماع آماده می‌شود. از این منظر، آموزش آفلاین یا آنلاین از طریق رسانه‌های مدرن با در هم شکستن چارچوب‌های زمانی و مکانی مزایای فراوانی مانند آرشو کردن سخنان و فیلم‌ها، بازی‌پخش و به‌کارگیری آن‌ها در شرح و بسط موضوع آموزش و تشویق کودک از راه تعامل و برخورد با تصویر و صدا دارد. وجوه آموزشی رایانه و تلفن همراه این مجال را به کودک می‌دهند که برای حل مشکلات تلاش کند، خطاهایش را چندباره تصحیح نماید و توانایی خود را برای عمیق فکر کردن و رشد قابلیت نوآوری و ابتکار افزایش دهد. دیجیتالی شدن رسانه‌ها در حوزه آموزش منشأ اثر فراوان گردید؛ چرا که موجب شد سبک‌های یادگیری و شیوه‌های تفکر به‌واسطه نسل مدرن رسانه‌ها دچار تحولی معنی‌دار شود.

اما دیوید باکینگهام معتقد است به رغم نکات مثبت بهره‌مندی



از حریم خصوصی^۳ او محافظت کنند و مانع صدمه دیدن و به دردسر افتادنش شوند. در شماره پاییز ۹۶ در صفحه ۱۸ فصلنامه رشد پیش دبستانی، بخشی از راهکارهای پیشنهادی با رویکرد «نظارت اجتماعی» طی یادداشتی به قلم نگارنده به طبع رسید اما در این مطلب که با رویکرد «نظارت فناورانه» و البته پیشگیرانه تدوین شده است، به برخی موارد اشاره می‌شود که والدین و مربی می‌توانند با اعمال آن‌ها از حریم خصوصی کودکانی که از رایانه و تلفن همراه استفاده می‌کنند، در فضای مجازی صیانت کنند.

حفظ حریم خصوصی در رایانه

همه مرورگرهای اینترنتی بخشی با عنوان حریم خصوصی دارند که در قسمت تنظیمات منوی ابزار یافت می‌شود. والدین با مراجعه به بخش تنظیمات حریم خصوصی در مرورگر اینترنت رایانه فرزند خود، درمی‌یابند که با استفاده از چه گزینه‌هایی می‌توان آن را به نحوی تنظیم کرد که دسترسی کودک به محتوای نامناسب اینترنتی مسدود شود. هنگامی که کودک آنلاین است، وبگاهی که در آن حضور دارد، Cookie (کوکی)^۴ را بدون اطلاع کاربر روی رایانه‌ای که مشغول به کار است، نصب می‌کند تا رفت‌وآمدها و دیگر فعالیت‌های او را داخل آن وبگاه ردگیری کند. والدین می‌توانند با توجه به مرورگر رایانه، در عین غیرفعال کردن نصب کوکی‌ها روی مرورگر، فایل متنی را که به‌طور معمول در پوشه‌ای به نام Internet Temporary Files^۵ یا کوکس‌ها نشان داده می‌شود، در مرورگر رایانه بیاوند و حذف کنند. بعضی از کوکی‌ها طوری طراحی شده‌اند که همه فعالیت‌هایی را که کاربر، از جمله کودک، به‌طور آنلاین انجام می‌دهد، از مشخصات فردی گرفته تا عادت‌ها و علایق او را در وبگردی به خاطر می‌سپارند و این اطلاعات را به تبلیغ‌کنندگان و سایر شرکت‌ها می‌فروشند.

وبگاه‌های مورد علاقه کودک خود را بشناسید، آن‌ها را در بخش Bookmark^۶ (نشانه) قرار دهید تا برای پیدا کردن آن‌ها، نام سایت اشتباه تایپ نشود و کودک از تارنماهای نامناسب سر در نیاورد.

امروزه از طریق فضای مجازی دنیای بیرون بیش از پیش برای کودک قابل دسترسی شده اما باید توجه داشت که به این واسطه، به‌طور متقابل کودک هم برای دنیای بیرون قابل دسترسی‌تر و از جهاتی آسیب‌پذیرتر شده است

کودک از رایانه و تلفن همراه، به‌ویژه با توجه به کارکردهای آموزشی آن‌ها، نکته‌ای مناقشه‌برانگیز نیز وجود دارد و آن، این است که اکثر قریب به اتفاق کودکان، رایانه و تلفن همراه را نه رسانه‌ای آموزشی بلکه ابزاری ارتباطی می‌دانند که بخش اعظم و مهم اوقات فراغتشان را پر می‌کند. با توجه به اینکه یکی از کارکردهای اصلی رسانه، سرگرمی است، به نظر می‌رسد این کارکرد برای کودک اولویت تام و تمام دارد. به گفته باکینگهام، استفاده از رایانه در خانه به‌طور عمده به بازی‌های ویدئویی و استفاده از تلفن همراه، به بهره‌مندی از پیام‌رسان‌های موبایلی یا برنامه‌های سرگرمی‌محور، از جمله بازی، محدود می‌شود. بنابراین، باکینگهام و هم‌فکرانش این دو رسانه را به‌مثابه ابزار خنثای مبادله پیام، برای دسترسی به اطلاعاتی می‌دانند که از راه سرگرمی‌آموزی به‌طور ناخودآگاه ممکن است به یادگیری منجر شود.

نظارت فناورانه مکمل نظارت اجتماعی

برای والدین یا مربی پیش دبستانی که با کودک زندگی می‌کنند یا در ارتباط نزدیک با او هستند، پیگیری اینکه کودک از طریق رایانه و تلفن همراه در فضای آنلاین و آنلاین چه می‌کند، دشوار اما با رویکردهایی مختلف امکان‌پذیر است؛ تا حدی که بتوانند



مشارکت کودکان در قرن بیست و یکم

اشاره

یکی از مهم‌ترین اولویت‌های جوامع امروزی، افزایش مشارکت کودکان در فعالیت‌های اجتماعی است. امروزه شاخص‌هایی چون مشارکت اجتماعی شهروندان و کیفیت زندگی افراد به عنوان ملاک‌های جامعه سالم، دغدغه اصلی سیاست‌گذاران اجتماعی قرن بیست و یکم است. طبق گزارش یونیسف^۱ (صندوق کودکان ملل متحد)، تشریک مساعی کودکان برای آماده‌سازی جهت مسئولیت‌پذیری به عنوان افراد بزرگسال و ایجاد جوامع منسجم‌تر ضروری است. بنابراین، در نوشتار پیش رو به راهکارهایی برای مشارکت همه‌جانبه و تعامل کودکان در سطح اجتماعی پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مشارکت و تعامل اجتماعی، کودکان، خانواده

مقدمه

مشارکت کودکان شامل تشویق و توانمندسازی کودکان برای شناختن و شناساندن دیدگاه‌های خود به دیگران است. برای تمرین مشارکت، بزرگسالان باید به کودکان گوش بسپارند؛ این به معنای گوش کردن و توجه نشان دادن به تمامی راه‌های متنوع ارتباطی با کودکان است. همچنین، به معنای تضمین آزادی بیان و توجه به دیدگاه‌های آنان در تصمیم‌گیری‌های متأثر بر کودکان است. دخالت دادن کودکان در بحث و تبادل نظر به آنان اجازه یادگیری راه‌های ساختاری و سازنده مؤثر بر دنیای پیرامونشان را می‌دهد. مشارکت کودکان باید معتبر و هدفمند باشد، و بزرگسالان همراه با خود کودکان و متناسب با واژه‌های خود آن‌ها، دیدگاه‌ها، آرزوها، رویا و دغدغه‌هایشان را درک کنند. روابط همسالان اهمیتی بسزا در رشد کودکان دارد. دوستان، احساس تعلق و حمایت به وجود می‌آورند، امکان شرکت در فعالیت‌های تفریحی دسته‌جمعی را فراهم می‌سازند و برای رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان اهمیت دارند. کودکان از طریق تعامل با همسالان، یاد می‌گیرند که به گروه بپیوندند، دوستان

جدیدی پیدا کنند، برای تعارضات خود چاره‌ای بیابند و با دیگران همکاری کنند. بنابراین، بعضی از کودکان در یک دور باطل قرار می‌گیرند که در آن فقدان مهارت‌های اجتماعی پیوستن به گروه را برای آن‌ها مشکل می‌کند و شرکت نکردن در گروه نیز خود مانع رشد مهارت‌های اجتماعی آن‌ها می‌شود.

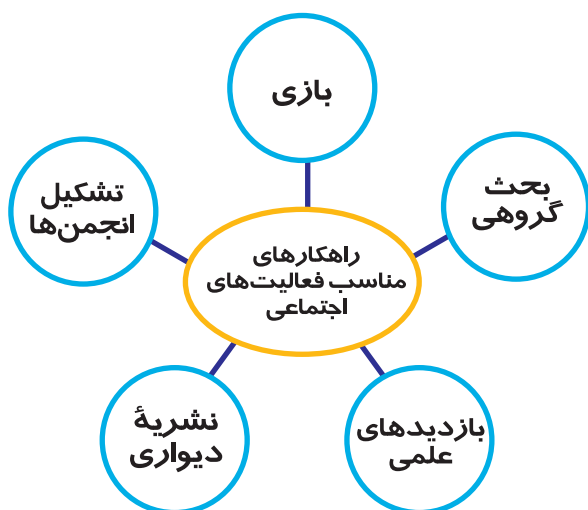
شکست در ارتقای مشارکت کودکان از سنین کودکی، به معنای از دست رفتن فرصت‌های طلایی برای نهادینه کردن آزادی بیان و ارزش‌های والای انسانی در سراسر جهان است. شکستی که موجب می‌شود افراد جوان احساس توانمندی و تعلق به جامعه نداشته باشند و این مسئله موجب هدر رفتن هزینه گزافی خواهد شد. یونیسف تأکید دارد که در دنیای مجروح از تعارض، کشمکش و فقر، پذیرش مشارکت کودکان و نوجوانان به عنوان اینکه آنان با مشارکت سازنده برای جوامع و ملت‌هایشان توانمند شوند و با پرورش خوش‌بینی و آماده‌سازی برای بزرگسالی و بالیدگی هدفمند و سازنده مهیا شوند، بسیار حیاتی است.

در دهه‌های اخیر، به رسمیت شناختن هرچه بیشتر موقعیت کودکان و درگیر کردن و جلب مشارکت آنان در ساختارهای تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گرفته است. تفکر توانمندسازی، اعطای مسئولیت‌ها و ایجاد فرصت‌های بیشتر برای مشارکت کودکان به دو گونه رواج یافته است: برخی تشویق و ترغیب به مشارکت را توصیه کرده‌اند ولی اکثر صاحب‌نظران بر نیازهای آشکار آموزش کودکان در زمینه حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی تأکید ورزیده‌اند.

یونیسف، مشارکت کودکان در موضوع‌های مربوط به آن‌ها از سال‌های نخست زندگی را فرصتی می‌داند که آنان را از هرج و مرج طلبی، آسیب‌پذیری و سلطه‌پذیری مصون نگه می‌دارد و می‌تواند نسلی از جوانان را که نسبت به حقوق خود و دیگران احساس احترام و دل‌مشغولی بیشتری می‌کنند، تربیت کند. در این گزارش آمده است که راندن کودکان به کنار، باعث خطر سقوط جدی آن‌ها می‌شود. وقتی کودکان را از فرایند تصمیم‌گیری خارج کنید و فرصت‌های لازم برای مداخله سازنده آنان را در موضوعات مؤثر بر زندگی‌شان فراهم نسازید، کودکان فاقد توانایی و مهارت‌های حیاتی در رشد و نمو خود در بزرگسالی می‌شوند.

در این زمینه می‌توان اشاره کرد که کودکان از لحاظ محبوبیت در





شکل ۱. راهکارهای تقویت مشارکت کودکان در فعالیت‌های اجتماعی

است که کودکان در فعالیت یاددهی - یادگیری فعالانه شرکت می‌کنند و مسئولیت یادگیری را خود بر عهده می‌گیرند. آن‌ها در جریان بحث با افراد گروه خود و با گروه‌های دیگر یاد می‌گیرند که چگونه تفکرات و بینش‌ها و نظرات خود را به دیگران ابراز کنند، چگونه از آن‌ها دفاع کنند یا چگونه مؤدبانه نظرات دیگران را بپذیرند. بازدید و گردش علمی یک سفر آموزشی است که از پیش به دقت طراحی و برنامه‌ریزی شده است و طی آن گروهی از کودکان به مشاهده مستقیم مکان، شیء، پدیده یا سیستمی می‌پردازند و از طریق مشاهده مستقیم، اطلاعات دست اول را کسب می‌کنند. نشریه دیواری نیز مجموعه‌ای از مطالب، تصاویر و طرح‌هاست که به شکل منظم و زیبایی در یک صفحه مقوایی بزرگ تنظیم و آرایش داده شده است و برای مطالعه علاقه‌مندان در جایی از

مراکز پیش‌دبستان در یکی از این چهار طبقه قرار می‌گیرند:

● کودکان محبوب، که به‌طور موفقیت‌آمیزی با همسالان و گروه‌های اجتماعی مختلف رابطه برقرار می‌کنند.

● کودکان ستیزه‌جو، که در میان گروهی از همسالان که با آن‌ها روابط اجتماعی موفقیت‌آمیز دارند، محبوب‌اند اما ممکن است در میان سایر گروه‌های کودکان محبوب نباشند.

● کودکان منزوی، که آشکارا نامحبوب نیستند اما اغلب، همسالان و دوستانشان آن‌ها را نادیده می‌گیرند.

● کودکان مطرود، که به شدت منفورند و اغلب در معرض تهدید و آزار همسالان قرار دارند (کوپر اسمیت^۲ و کویی^۳، ۱۹۹۰). کودکانی که همسالان آن‌ها را طرد می‌کنند، ممکن است به انزوا روی آورند، عزت‌نفس آن‌ها تضعیف شود، مدرسه را ترک کنند، فعالیت‌های بزهکارانه انجام دهند و پیشرفت تحصیلی‌شان کاهش یابد.

از این‌رو نکته اساسی این است که مهم‌ترین راهکارها برای افزایش مشارکت کودکان در فعالیت‌های تربیتی - اجتماعی کدام است؟ چگونه می‌توان مشارکت کودکان را در فعالیت‌های اجتماعی افزایش داد؟ راهکارهای مناسب برای مشارکت کودکان در فعالیت‌های اجتماعی چیست؟ این امر در ادامه نوشتار حاضر مورد توجه قرار می‌گیرد.

راه‌های مشارکت اجتماعی کودکان

راهکارهای مناسب برای تقویت مشارکت کودکان به انجام فعالیت‌های اجتماعی در مراکز پیش‌دبستان را می‌توان به‌صورت عملی و مبتنی بر نیازها و علایق کودکان برنامه‌ریزی کرد. این امر به مهارت‌های مربیان و والدین نیز بستگی دارد. انواع روش‌هایی که کودکان را به فعالیت‌های اجتماعی سوق می‌دهند و مهارت اجتماعی آن‌ها را تقویت می‌کنند در شکل ۱ ارائه شده است.

کودکان از طریق بازی جهان را می‌بینند و می‌فهمند. آن‌ها در حین بازی، به تدریج می‌آموزند که چگونه اشیاء را کنترل کنند، چگونه یاد بگیرند، چگونه خودشان را بشناسند، چگونه رشد کنند، سازگار شوند و مسئولیت‌پذیر و قدرتمند شوند.

یکی از راه‌های کلیدی شرکت در فعالیت‌های گروهی بحث گروهی است. حسن این روش آن

یکی از راه‌های کلیدی شرکت در فعالیت‌های بحث گروهی است. حسن این روش آن است که کودکان در فعالیت یاددهی - یادگیری فعالانه شرکت می‌کنند و مسئولیت یادگیری را خود بر عهده می‌گیرند



مرکز پیش دبستان نصب می‌شود. با تشکیل گروه‌های تحقیق، انجمن‌های علمی، برگزاری مسابقات علمی بین مراکز پیش دبستان و تشویق کودکان به طرق مختلف، تدارک محیطی شاد و دلپذیر و فراهم آوردن فرصت‌هایی برای خودنمایی و ابراز وجود کودکان و دیگر فعالیت‌ها می‌توان باعث بهبود مشارکت اجتماعی کودکان در فعالیت‌های اجتماعی شد.

نقش والدین در مشارکت کودکان

والدین برای انجام دادن فعالیت‌های مختلف به مهارت‌هایی نیازمندند که برخی از آن‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

- توانایی الگوسازی یکی از مهارت‌هایی است که والدین به آن نیاز دارند. والدین می‌توانند فعالیت‌ها و بازی‌ها را برای کودکان الگوسازی و کودک را راهنمایی کنند؛ یعنی فقط نظاره‌گر او نباشند و از دور او را هدایت کنند. والدین با مشارکت کردن در بازی‌های کودکان و الگوسازی روش انجام آن بازی‌ها می‌توانند کودکان را در سطوح بالاتر بازی هدایت کنند.

- از دیگر مهارت‌های مورد نیاز والدین، ارائه پیشنهادهایی در مورد بازی به کودکان است تا بتوانند بازی را عمیق‌تر انجام دهند و مشارکت بیشتری در آن داشته باشند.

- ایجاد فرصت خلاقیت در کودکان نیز یکی از مهارت‌های لازم برای والدین است؛ مثلاً اگر کودک در حال بازی با قطعات مختلف چیدمان ساختمان‌هاست، والدین می‌توانند به همراه او جاده‌ای را طراحی کنند یا باغ وحشی بسازند.

به هر حال، جامعه از مشارکت کودکان به دلیل تازگی و سرزندگی آن‌ها سود می‌برد. ممکن است آنان همیشه راه‌حل‌های در دسترس برای همه مسائل و مشکلات نداشته باشند اما به ندرت به مسائل به‌عنوان یک معضل معمول نگاه می‌کنند و سعی در حل آن‌ها دارند. بنابراین، راه‌های بیشتر و عقاید گسترده‌تر و متعددتری ارائه

می‌کنند؛ فرصت‌هایی که موفقیت‌های بیشتری از آن‌ها حاصل می‌شود. کیفیت مشارکت اجتماعی کودکان، قویاً می‌تواند پیش‌بینی‌کننده موفقیت تحصیلی، شغلی و پایگاه اجتماعی آن‌ها در آینده باشد. کودکانی که مشارکت اجتماعی کمی در محیط‌های خانه، مدرسه و یا در بین دوستانشان دارند، فرصت‌های کمتری برای رسیدن به رشد اجتماعی دارند و نسبت به سایر هم‌تایان خود مشکلات سلامتی بیشتری در دوران بزرگسالی خواهند داشت. نتایج مطالعه‌ای که بدل و دوماس انجام داده‌اند، مشخص کرد که این کودکان نسبت به کودکان معمولی، دوره‌های تنهایی بیشتر و دوستان کمتری دارند. مشارکت کودکان در فعالیت‌های تربیتی - اجتماعی بسیار حائز اهمیت است؛ به نحوی که در پیشرفت تحصیلی آن‌ها در دوره ابتدایی و همچنین در زندگی آینده آنان نقش بسیار اساسی دارد. اگر والدین و دست‌اندرکاران آموزشی بتوانند به شکلی صحیح از راهکارهای موجود جهت جلب مشارکت کودکان در فعالیت‌های اجتماعی استفاده کنند، گامی ارزشمند در این زمینه برداشته‌اند. در جمع‌بندی می‌توان اذعان داشت که با ارائه راهکارهایی برای افزایش مشارکت کودکان در فعالیت‌های تربیتی - اجتماعی می‌توان کودکان را برای حضور مؤثر در اجتماع تربیت کرد و همچنین عزت‌نفس آن‌ها را به‌طور چشمگیری بالا برد. مربیان یا دست‌اندرکاران مراکز پیش دبستان برای جلب مشارکت کودکان در فعالیت‌های اجتماعی می‌توانند از فعالیت‌های متنوعی جهت پرورش رشد خلاقیت کودکان همچون نقاشی، قصه‌گویی، شعر و سرودخوانی، بازی و کارهای دستی و هنری استفاده کنند و محیط یادگیری کودکان را براساس فعالیت‌های گروهی و اجتماعی سازماندهی کنند تا رشد مهارت‌های اجتماعی در کنار مهارت‌های شناختی، کلامی، حرکتی، خودیاری به شکلی متوازن امکان‌پذیر شود.

پی‌نوشت‌ها

1. United Nations Children Fund
2. Kupersmidt
3. Coie

منابع

۱. آکرز، آدرین. (۱۳۹۲). ارزیابی، برنامه‌ریزی آموزشی و بازپرسی کودکان از تولد تا ۵ سالگی. مترجم: فریده ترابی میبایی. تهران: انتشارات سمت.
۲. ونینا کول. (۱۳۹۰). برنامه آموزشی و پرورش در دوره پیش از دبستان. مترجم: فرخنده مفیدی. تهران: انتشارات سمت.
3. Powless, D. and Elliott, S.N. (2001). Assessment of Social Skills. Journal of Psychology, N, 28, pp 29-33.

**اشاره**

موضوع محیط زیست و ضرورت صیانت از آن در تاریخ بشر از جایگاه و حقوق ویژه برخوردار است. مقاله حاضر کوشیده است در یک نگاه به تبیین این حقوق در نهج البلاغه بپردازد. منظور از هدف یازدهم، «آشنایی با محیط زیست و علاقه والدین به طبیعت و حفظ آن» می باشد.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه، حقوق، محیط زیست، هدف یازدهم در دوره پیش دبستانی

مقدمه

قسمتی از پیام آیه «ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم»^۱، این است که اگر انسان براساس دستورات الهی حرکت کند به محیط زیست رویکرد انتفاعی نخواهد داشت؛ بلکه از آنجا که طبق آیه ذکر شده در مقابل هر نعمتی، مسئولیتی وجود دارد، برای او محیط زیست نه تنها محلی برای بهره جویی از فضل الهی، بلکه وسیله ای جهت حرکت و تکامل است. مقاله حاضر، با این نگاه به بررسی هدف یازدهم دوره پیش دبستانی در نهج البلاغه پرداخته است.

معنایابی واژه‌ها**الف. محیط زیست**

محیط زیست در قوانین حقوقی ایران، عبارت است از «فضایی با تمامی شرایط فیزیکی و بیولوژیکی، اجتماعی و سیاسی و غیره که همه موجودات زیست کننده در آن را شامل می شود و مجموعه روابط آن ها را در بر می گیرد بنابراین تعریف، می توان عناصر و ارکان محیط زیست را شامل این موارد دانست: مکان و فضا، شرایط فیزیکی و زیستی، حضور زیست کنندگان، تنظیم روابط میان زیست کنندگان»^۲.

ب. حقوق

لفظ حقوق در معانی مختلف به کار می رود؛ از جمله: راستی ها، درستی ها، وظایف، تکالیف و مجموعه قوانین، قواعد و رسوم لازم الاجرائی که به منظور استقرار نظم در جوامع انسانی وضع یا شناخته شده است.^۳

اهمیت محیط زیست در آموزه های دینی

رعایت احکام و حقوق مربوط به طبیعت و محیط زیست مورد اهتمام حقیقی دین مقدس اسلام قرار گرفته است؛ به طوری که در روایات معصومین -علیهم السلام- دستورات و تأکیدات فراوانی در باب حراست از آن وارد شده است. نمونه بارز این توصیه ها، قسمتی از نامه

کودک و محیط زیست

نگاهی به قسمتی از هدف یازدهم دوره پیش دبستان در نهج البلاغه





نوزادانشان:

«میان ماده‌شتر و بچه شیرخوارش جدایی نیفکن، و ماده را چندان ندوشان که شیرش اندک ماند و به بچه‌اش زیان رساند».^۸

۴. امام در ادامه، رعایت عدالت میان حیوانات نیز تأکید می‌کند و در این خصوص می‌فرماید: «چنانچه از حیوان به‌عنوان مرکب استفاده شد، نباید با آن به درشتی رفتار کنید و نباید آن را برنجانید و خسته هم نکنید و میان آن شتر مرکوب و سایر شتران عدالت را برقرار سازید».^۹ یعنی احساسات حیوانات را نیز باید در نظر گرفت.

۵. تأکید بر فراهم نمودن زمینه استراحت برای حیواناتی که خسته شده‌اند؛ و باید آسایش خسته را فراهم ساخته و آن را که پایش سوده و از راه رفتن ناتوان گردیده، به آرامش و آهسته براند.

۶. تأکید بر تغذیه و سیراب کردن و نیز استراحت دادن به آن‌ها:

آن‌ها را به برکه‌ها و آبگاه‌ها وارد سازد و در سر راه به درون آب ببرد و از جاده‌هایی که دو طرف آن علفزار است به جاده بی‌علف نکشاند.^{۱۰}

۷. نکته قابل توجه اینکه حضرت برای این کار اجر و مزد اخروی و معنوی قائل می‌شوند و می‌فرمایند: «پس، آنچه گذشت برای پاداش تراز خدا بسیار شایان و رستگاریات بسیار زیننده است؛ اگر خدا بخواهد».^{۱۱}

حقوق حیوانات و عدالت نسبت به آن‌ها در سیره علوی تا آنجا مورد تأکید و سفارش است و اهمیت دارد که حضرت در مقابل تمام هستی و اقالیم هفت گانه، حاضر به گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌ای به ظلم و ناروا نیست: «وَاللّٰهُ لَوْ اَعْطٰی السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ اَفْلَکِهَا، عَلٰی اَنْ اَعْصٰی اللّٰهُ فِیْ نَمْلَةٍ اَسْلَبَهَا جَلْبَ شَعِیْرَةٍ مَا فَعَلْتَهُ...»^{۱۲}

ب. حقوق آب و گیاهان

خداوند برای هر پدیده‌ای حد و مرزی تعیین فرمود و آنچه را آفرید با اندازه‌گیری دقیق استوار کرد و با لطف و مهربانی، نظمشان داد؛ برای نمونه، آب که مایه حیات است، اگر با عوامل آلوده‌کننده مواجه شود، علاوه بر اینکه به سلامت و زندگی انسان ضربه می‌زند، موجودات آبزی گیاهی و حیوانی را هم نابود می‌سازد. لذا می‌بینیم که دین مقدس اسلام به نظافت آب اهمیت فراوان داده و برای پاکیزه نگه داشتن آن، دستورهای صادر کرده است. امام علی - علیه‌السلام - در این باره می‌فرماید:

بدان هر عملی رویشی دارد و هیچ رویشی از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها مختلف‌اند؛ آنچه آبیاری‌اش پاکیزه باشد، نهالش پاک و میوه‌اش شیرین است و آنچه آبیاری‌اش ناپاک باشد، نهالش ناپاک و میوه‌اش تلخ خواهد بود...^{۱۳}

به تعبیر دیگر، ارزش میوه‌های درختان درواقع از سه چیز نشئت می‌گیرد: بذر خوب، زمین خوب و آب خوب. بدیهی است اهتمام حضرت به آب تأکیدی بر حمایت همه‌جانبه ایشان از این نعمت و پرهیز از آلوده‌سازی و اسراف در مصرف آن است. انسان باید طوری

۲۵ حضرت علی - علیه‌السلام - است که اگرچه دستورالعملی برای جمع‌آوری مالیات است، چون دربردارنده حمایت از این حقوق می‌باشد به چند مورد از آن اشاره می‌شود.

الف. حقوق حیوانات در نهج‌البلاغه

بیانیه جهانی حقوق حیوانات به‌طور رسمی در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۷۸ در شورای مرکزی یونسکو اعلان شد. مفاد این بیانیه توسط اتحادیه بین‌المللی حقوق حیوانات در سال ۱۹۸۹ مورد تجدید نظر قرار گرفت و در سال ۱۹۹۰ به رئیس مجمع عمومی یونسکو تسلیم و در همان سال منتشر شد.^۴ این بیانیه ده ماده‌ای بیانگر حق و حقوق حیوانات بر انسان و نحوه رفتار با آن‌ها و نگهداری از آن‌هاست و حتی مورد صدمه و آزار قرار نگرفتن آن‌ها را نیز شامل می‌شود.^۵ این در حالی است که قرن‌ها پیش حضرت علی - علیه‌السلام - با لطافت و دقت تمام در قالب خطبه‌ها و نامه‌ها به موضوع مورد بحث پرداخته است. با هم می‌خوانیم:

حضرت در نامه ۲۵ به یکی از کارگزاران (مودیان زکات)، این گونه به وظیفه انسان در رعایت حقوق حیوانات می‌پردازد:

۱. تنظیم شیوه ورود مودیان زکات به میان حیوانات: «پس بگیر آنچه از طلا و نقره به تو می‌دهند و اگر گاو و گوسفند و شتر داشته باشند؛ بی‌اجازه مانند کسی که بر رمله و حیوانات چیرگی و تسلط و قصد آزار و اذیت آن‌ها را دارد، بر آن‌ها وارد نشو...»^۶

۲. تأکید به کارگزار که حیوانات را به فردی خیرخواه و مهربان و درست‌کار و امین بسپارد که آن‌ها را آزار ندهد:

«و بر آن مگمار جز خیرخواهی مهربان، و درست‌کار نگاهبانی که نه بر آنان درشتی کند و زبانشان رساند و نه درمانده‌شان سازد و نه خسته‌شان گرداند».^۷

۳. پرهیز از جدایی افکندن میان حیوانات و

نتیجه‌گیری

در نهج البلاغه هر جا سخن از استفاده و برخورداری از مواهب طبیعی است و به دنبال آن، روش صحیح برخورد با نعمت‌ها، رعایت حدود و چگونگی استفاده از آن‌ها بیان شده است. حضرت علی - علیه السلام - پدیده‌های طبیعی را به لحاظ داشتن ویژگی‌هایی همچون زیبایی و خدمت‌رسانی به انسان، دارای ارزش می‌داند و آن‌ها را وسیله‌ای برای تأمل و تفکر انسان جهت پی بردن به عظمت و دانایی خالق هستی به حساب می‌آورد. از این‌رو، بر رعایت رفتار عادلانه و توجه و اهتمام به محیط زیست به‌طور ویژه تأکید می‌کند و راهکارهای استفاده صحیح از موهبت‌های الهی را پیش روی انسان‌ها قرار می‌دهد. حضرت در این گفتارها به تنظیم رفتار کارگزارانش در بهره‌برداری از حیوانات به گونه‌ای دقیق و قابل توجه پرداخته است.^{۲۱} امید است مربیان محترم هم، حضرت را درمزرده‌ای از حریم این توصیه‌های روشنگری‌باری نمایند و بتوانند به تناسب سن و ظرفیت و نیاز کودک به گونه‌ای برنامه‌ریزی نمایند که کودک با محیط زیست به‌عنوان مخلوقی از مخلوقات خداوند بیشتر آشنا شود و بتواند با توجه به سن و ظرفیت کودکی‌اش، درک کند که این نعمت الهی دارای حقوق است و همه ما در مورد چگونگی بهره‌گیری از آن مورد سؤال قرار خواهیم گرفت. بدیهی است در این زمینه از تمامی قالب‌ها و برنامه‌های متداول اعم از بازی، قصه، شعر، نقاشی، و... می‌توان استفاده کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. قرآن، سوره تکوین، آیه ۲۸؛ ۲. مجموعه قوانین محیط زیست ایران، ص ۲۲۳؛ فرهنگ معین؛ ۴. وبلاگ دامپزشک؛ ۵. سالانه سلاطین با حیوانات آشنا شویم و از جانب آن‌ها سخن بگوییم، ص ۱۰۹ و ۱۱۰ ترجمه فاطمه معتمدی؛ ۶. نامه ۲۵، ترجمه سیدجعفر شهیدی، ص ۲۸۷؛ ۷. همان؛ ۸. همان، نامه ۲۵، ص ۲۸۷؛ ۹. نهج البلاغه، نامه ۲۵، ترجمه سیدجعفر شهیدی، ص ۲۸۷؛ ۱۰. همان؛ ۱۱. همان؛ ۱۲. خطبه ۲۲۳؛ ۱۳. خطبه ۱۵۴، ص ۱۵۴؛ ۱۴. محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ص ۲۶۰-۲۶۸؛ ۱۵. و من اعجبها خلقا الطلوس الذی اقامه فی احکم تعدیل و نقد الواله فی احسن تنضید بیجانج اشرح قصیه و ذنب اطال مسبحه...؛ ۱۶. همان؛ ۱۷. والجلیل واللفظ والفقوی والضعیف فی خلقه الا سواء خطبه ۱۸۵/۱۸۰؛ ۱۸. نامه ۷۸/۱۹، خطبه ۱۱۵؛ ۱۹. نامه ۷۸/۲۰؛ ۲۰. نامه ۷۸/۲۱؛ ۲۱. الاوانکم لا تقدرون علی ذلک ولکن اعینونی بورع واجتهاد. نامه ۵۴۵

منابع

۱. قرآن؛ ۲. امین‌زاده، بهار؛ (۱۳۸۱). «جهان‌بینی دینی و محیط زیست درآمدی بر نگرش اسلام به طبیعت» محیط‌شناسی، ش ۳۰، ص ۳۰. محمدبن حسین شریف الرضی، (۱۲۷۴). پرتوی از نهج البلاغه (با نقل منابع و تطبیق با روایات مأخذ دیگر، ویراستاری: محمد مهدی جعفری، گردآوری محمدبن حسین شریف الرضی، ترجمه محمود طالقانی، چ دوم: تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۴. تاریخ‌مردی، احسان و محمدتقی فخلی، (۱۳۸۵). «مبانی و احکام فقهی محیط زیست، مطالعات اسلامی، ش ۷۱، بهار؛ ۵. جعفری، محمدتقی، (۱۳۸۵). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، هجتم، چ ششم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ ۶. دشتی، محمد و سید کاظم محمدی، (۱۳۸۰). المعجم المفهرس لافاظ نهج البلاغه، قم: مشهور؛ ۷. شریفی، احمد حسین، (۱۳۸۴). آئین زندگی (اخلاق کاربردی)، تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، مرکز برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی، قم: دفتر نشر معارف؛ ۸. گردآوری محمدبن حسین شریف الرضی، (۱۳۸۰). نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، چاپ بیست و یکم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۹. وبلاگ دامپزشک

زندگی کند که محیط زندگی خود را آلوده نکند؛ زیرا اگر آن را آلوده نماید روزی می‌آید که بر اثر آن آلودگی، زندگی بر او نیز دشوار و نامطلوب می‌شود.

ج. حقوق پرندگان

پرندگان هم به‌عنوان مخلوقات خداوند مورد توجه علی - علیه السلام - قرار گرفته است.^{۱۴} (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۶۸-۲۶۰) حضرت در موارد متعددی به توصیف پرندگان و نوع زندگی و پرواز آن‌ها پرداخته‌اند. و در خطبه ۱۶۵^{۱۵} ابتدا به آفرینش شگفت جانداران اشاره کرده و آن‌ها را شاهدان روشن خلقت و قدرت خداوند دانسته‌اند و آن‌گاه به‌صورت خیلی دقیق، طاووس و پوشش زیبای این پرنده را یکی از عجایب مخلوقات خداوند زیست‌کنندگان محیط پیرامونی انسان مطرح می‌فرمایند.

بدون شک، توجه امام به جزئیات یک پرنده، از یک‌سو اهمیت این پرندگان را به‌مثابه موجودات جهان خلقت می‌رساند تا بشر هم از زیبایی و دستاوردهای آن‌ها سود ببرد و هم به‌طور معتدل و منطقی از آن‌ها بهره‌برداری کند و از سوی دیگر، تأکیدی است بر حمایت همه جانبه ایشان از موجودات زیست‌محیطی و پرهیز از آزار و اذیت آن‌ها.

د. حقوق مورچه و ملخ

... به مورچه و کوچکی جثه آن بنگرید که چگونه لطافت خلقت او با چشم و اندیشه‌های انسان درک نمی‌شود... چگونه روی زمین راه می‌رود و چگونه برای به دست آوردن روزی‌اش تلاش می‌کند.^{۱۶} در مورد ملخ می‌فرماید: اگر خواهی در شگفتی ملخ‌ها بیندیش که چگونه نیرومندان وارد کشتزار می‌شوند و آنچه میل دارند، می‌خورند؛ در حالی که تمام اندامشان به اندازه یک انگشت باریک نیست.

در پایان درمورد حقوق آن‌ها نزد پروردگارشان می‌فرماید: به هر حال، موجودات بزرگ و کوچک، سبک و سنگین، توانا و ناتوان، همه در خلقتشان یکسان‌اند.^{۱۷}

توجه و دقت نظر امام در توصیف این موجودات و تشریح ساختمان بدن ریزترین آن‌ها، نشان‌دهنده اهمیت آن‌ها در جهان هستی است. پس، شایسته است که این موجودات زیبا و با اهمیت از این روی که مخلوق خداوندند، حقوقشان شناخته شود و به دلیل ارتباطی که با او دارند و متعلق به اویند، مورد توجه و مهرورزی انسان قرار گیرند. به عبارتی، انسان همان‌طور که در برابر خداوند مسئول است، در برابر مخلوقات او نیز مسئولیت دارد.

ه. آبادانی و بهره‌وری زمین

آبادانی زمین یکی از مواردی است که در نهج البلاغه بدان توجه شده است. امام(ع)، میان گرفتن خراج و آبادانی ارتباط تنگاتنگی را لحاظ می‌کند. ایشان معتقد است گرفتن خراج باید به گونه‌ای باشد که به زمین و کشت و محصول آسیب نرساند: «... و زمین جز با تنگ‌دستی ساکنان آن ویران نشود. مردم شهرها هنگامی تنگ‌دست گردند که والیان روی به گردآوری مال آرند...». بدین وسیله حضرت در این نامه تنگ‌دستی ساکنان زمین را باعث ویرانی آن می‌داند و در این میان، نقش والیان و کارگزاران را مهم و برجسته معرفی می‌کند.^{۱۸} حضرت حتی در دعای طلب باران، به آبادانی و سرسبزی و گیاهان و حیوانات توجه می‌کند: «خدایا، بارانی ده که بسیار ببارد تا زمین‌های بلند ما پر گیاه شود و در زمین‌های پست روان گردد و نعمت‌های فراوان در اطراف ما گسترش یابد تا با آن میوه‌های ما بسیار، گله‌های ما زنده و فراوان، و سرزمین‌های دور تر از ما بهره‌مند گردند... خدایا، بارانی ده دانه‌درشت که پیایی برای سیراب شدن گیاهان ما ببارد...»^{۱۹}

در جای دیگر به درخت‌کاری و حفاظت از درختان نخل توصیه می‌نماید:

«... با کسی که این اموال در دست اوست شرط می‌کنم اصل مال را حفظ کرده، تنها از میوه و درآمدش بخورند و انفاق کنند و هرگز نهال‌های درخت خرما را نفروشند تا همه این سرزمین یکپارچه به گونه‌ای زیر درختان خرما قرار گیرد که راه یافتن در آن دشوار شود...»^{۲۰}



درسی که از کودک آموختم!

اعتراف می‌کنم که در چنین برخوردی، کم آورده‌ام. بسیاری از ما کودکان را دست کم می‌گیریم و غافل از آنیم که در بسیاری مواقع آنان هستند که به ما یاد می‌دهند چگونه رفتار کنیم. در این تعامل نیز نه تنها من از نوهام بسیار آموختم بلکه عبرت هم گرفتم.

کلیدواژه‌ها: کودک، باران، خیس شدن، گلی شدن، چمن، تاب، سرسره، سرماخوردگی، آموختن از کودک

مقاله حاضر همانند چند شماره گذشته، مربوط به تجربه زیستن با یک کودک و به عبارت دیگر، خاطره‌ای درباره نوهام است.

آیا برای شما اولیا و مربیان عزیز اتفاق افتاده است که در برخورد با یک کودک متوجه شوید حرف حساب را او می‌زند و به این ترتیب، در برابرش کم آورده باشید؟ گاهی وقت‌ها هم ممکن است فکر کنید که شما دارید اشتباه می‌کنید! آری، این مقاله نیز حدیث چنین رویدادی است و



کرد. چشم پویا به او افتاد. به طرفش رفت روی زمین در مقابلش چمباتمه زد و به تماشای گربه پرداخت. گربه کمی دور شد و خود را به ته دالان سطل زباله رساند و در آنجا کز کرد. در حالی که دست و پایش را درون شکمش جمع کرده بود، با چشمان روشن و براقش با نگاهی از سر ترس به پویا زل زده بود. او را متقاعد کردم که گربه ترسیده و الان وقت بازی کردن با او نیست و او را از آنجا دور کردم.

به پارک که رسیدیم، فواره‌های برآمده از حوض را دیدیم که دایره‌وار صف کشیده بودند و زمزمه‌کنان توی حوض می‌ریختند و حباب‌های کوچکی روی آن درست می‌کردند.

نم و رطوبت همه فضای پارک را پر کرده بود و بوی علف تازه به مشام می‌رسید. همه ذرات وجود پارک از عطر طراوت و تازگی سرشار بود. گویی تمام برگ‌های خیس درختان از اینکه از نعمت هستی سیراب شده بودند، سر به آسمان بلند کرده بودند.

هوا راکد و ساکن بود و مانند وقت‌های دیگر، بادی نمی‌وزید که گیسوان بیدمجنون را برشانه‌های او به راست و چپ و جلو و عقب برقصاند. قطره‌های الماس گونه و درخشنده باران روی آبشار گیسوان آویخته بیده‌های مجنون نشسته بودند و این درخت را صدچندان زیبا کرده بودند. این قطره‌های درخشان در لابه‌لای شاخه درختان دیگر نیز موج می‌زدند.

قطره‌های باران روی چمن‌ها هم نشسته بودند. توجه پویا به انبوه چمن‌هایی که سر زندگی از سر و رویشان می‌بارید، جلب شد. پس، از بخش آسفالت پارک خود را به سمت چمن رساند و دست‌تانش را روی چمن‌ها کشید. به رطوبت دست‌تانش نگاهی انداخت. در این هنگام توجه‌ش را به درخت کاجی که بالا سرش بود جلب کردم. قطره‌های آب مانند مرواریدهای غلتان از نوک برگ‌های سوزنی کاج آویزان شده بود. بغلش کردم و او را بالا بردم. لحظاتی بر روی دست‌انم این منظره را تماشا کرد. بعد دستش را

در یک عصر پاییزی از خانه بیرون آمدم تا نوه سه ساله‌ام، پویا، را به پارک ببرم. باران بند آمده بود و ابرها داشتند از هم باز می‌شدند. در مسیری که به سمت پارک می‌رفتیم، در پیاده‌رو، گودال کوچکی بین موزاییک‌های شکسته پیاده‌رو تشکیل شده و آب در میان آن جمع شده بود. با دیدن آن گودال کوچک، چشمان نوه‌ام برقی زد و خودش را به آن رساند و با خوشحالی پایش را بلند کرد و محکم در چاله کوبید. با صدای شلپ و پاشیدن ذرات آب به صورتش و این طرف و آن طرف، به پهنای صورتش قهقهه خندید.

ترکش‌های آن آب گل‌آلود هم به من هم اصابت کرد. ناخودآگاه چندشم شد و بی‌اختیار نگاهی اخم‌آلود به پویا انداختم. نگاه تند من با نگاه پاک و زلال او تلاقی کرد و در یک چشم به هم زدن، خنده‌اش بند آمد و چهره گشاده‌اش منقبض شد. به خودم آمدم و برای جبران خطایم، لبخندی به لب آوردم و از او پرسیدم: «عزیزم، از این کار خوشت اومد؟» ناگهان درخشش چشمانش به حالت اول برگشت؛ دوباره چهره‌اش باز شد و لبخند مهرآلودی به من تحویل داد که حکایت از آن داشت که متوجه شده بالاخره توانسته‌ام درکش کنم. نگاهم کرد و گفت: «آره مامان جون، خیلی کیف داشت! می‌خوای تو هم پا تو بزنی؟»

پویا که حالا که خیالش از جانب من راحت شده و مجوز را گرفته بود، یک‌بار دیگر با پایش ضربه‌ای به باقی‌مانده آب ته‌چاله زد و بلندبلند خندید. من هم محو تفکر در رفتار او شدم که با این چیز بسیار اندک، چگونه دارد خودش را خوشحال و سرگرم می‌کند. چگونه برای خودش یک بازی طراحی و آن را اجرا می‌کند. از خود پرسیدم: «چرا ما بزرگ‌ترها از این مهارت بی‌بهره‌ایم؟» پس سعی کردم من هم در شادی او سهیم شوم.

گربه‌ای که از روبه‌رو به سمت ما می‌آمد، از ترس خیس شدن زیر فضای خالی سطل آشغال در کنار خیابان خودش را قایم

به طرف یکی از شاخه‌های درخت کاج برد؛ آن را تکان تکان داد و ذرات آب سرد را به سر و صورت هردویمان پاشید. بعد هم طبق معمول با هیجان هرچه بیشتر به فتوحات خود خندید. من اگر چه از خیس شدن بدم آمد، این بار نیز همراه او خندیدم. دوباره نگاهی به عمق چهره‌ام انداخت. گویی تصنعی بودن خنده‌ام را حس کرد و متوجه شد که خنده‌ام برآمده از اعماق قلبم نیست؛ در نتیجه طول و عرض خنده‌اش کوتاه شد.

به غروب که نزدیک شدیم، هوا هم کمی سردتر شد. پویا دوان دوان خود را به محوطه اسباب بازی‌ها که هیچ بچه‌ای در آنجا نمی‌لولید، رساند. روی سر سره و تاب رطوبت نشسته بود اما پویا بی‌توجه به خیس بودن آن‌ها نشست و بازی کرد و بدون اینکه شکایتی از خیس شدن یا سردی هوا داشته باشد، باخوشحالی از من می‌خواست که مانند همیشه حرکت تاب را تندتر کنم و برایش شعر و ترانه بخوانم. چندبار هم از روی سر سره سرباز و خیس سر خورد. ناگهان باران نرمک شروع به باریدن کرد. به او گفتم: «بارون میاد، چتر هم نداریم. خیس می‌شیم. بهتره برگردیم خونه.» گفت: «کلاه کاپشنم سرمه. فقط یک بار دیگه.» بالاخره بای میلی پذیرفتم.

از محوطه بازی که بیرون آمدیم، دوان دوان خود را به زمین چمن رساند. زیر چتر باران، روی چمن‌های خیس و گلی نشست. به او گفتم: «امروز چمن‌ها خیس‌اند، روی اون‌ها نشین!» بدون توجه به حرف من، به سمت درخت شمشاد رفت و تکه چوبی را در میان تلی از برگ‌های زرد و خشک کنار ساقه درخت فرو کرد. برگ‌ها را کنار زد و محو تماشای حفره‌ای شد که در وسط آن‌ها ایجاد کرده بود. بعد، صدایم کرد: «مامان جون، بیا! نگاه کن!» به طرفش رفتم. در میان حفره چند کفش‌دوزک را که به هم چسبیده و در زیر برگ‌ها خودشان را مخفی کرده بودند، نشانم داد. می‌خواست باز هم برگ‌ها را کنار بزند و کفش‌دوزک‌ها را بیرون آورد که به او گفتم: «کفش‌دوزک‌ها سردشون شده... برا همین زیر برگ‌ها قایم شده‌ان. اگه بیرون بیان سردشون میشه!» گفت: «سردشون بشه چی می‌شه؟» گفتم: «اونا سرما را نمی‌تونند تحمل کنند و می‌میرند.» گویی حرفم برایش منطقی جلوه کرد و آن را پذیرفت. با هم برگ‌ها را روی کفش‌دوزک‌ها ریختیم. او روی چمن خیس و



گلی ولو شد. به او گفتم: «پاشو! چمن‌ها خیس‌اند» نگاهی به من کرد و ابروانش را درهم کشید و پرسید: «اگه رو چمن‌های خیس بشینم، چی میشه؟»

گفتم: «خیس که بودی، حالا خیس‌تر میشی!» گفت: «خوب خیس‌تر بشم...» گفتم: «سرما می‌خوری!»

گفت: «خوب سرما بخورم... اگه سرما بخورم، چی می‌شه؟»

گفتم: «مریض می‌شی.»

گفت: «خوب مریض بشم... میرم پیش دکتر رهبری منش. دوا می‌ده خوب می‌شم.»

بعد گفتم: «بلند شو گلی میشی...» پرسید: «اگه گلی بشم، چی میشه؟» گفتم: «لباست گلی می‌شه... کثیف می‌شه...» گفت:

«خوب کثیف بشه... مگه ماشین لباسشویی نداری؟»

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در شرایط مساعد آب‌وهوایی معمولاً پویا را آزاد می‌گذارم تا دل سیر با آب و گل و سبزه و روی چمن بازی کند، ولی آن روز به‌خاطر سردی هوا و آمدن باران و نگرانی از سرماخوردگی او می‌خواستم زودتر به خانه برگردیم. البته او در آن روز هم دوست داشت از فضای زیبای پارک استفاده کند و لذت ببرد.

آن روز، با پرسش‌ها و پاسخ‌هایش دهانم بسته شد و جوابی برای او نداشتم. متوجه اشتباه خودم شده بودم و می‌دانستم که حرف حق را او می‌زند. استدلالش درست بود. از خودم پرسیدم: چرا ما بزرگ‌ترها این‌قدر از خیس شدن و گلی شدن کودکان می‌ترسیم و به آن‌ها سخت می‌گیریم؟ زندگی را به کامشان تلخ می‌کنیم و نمی‌گذاریم لذت کافی را ببرند. چرا خاکی شدن و گلی شدن و خیس شدن را نمی‌توانیم تحمل کنیم؟ در دوره کودکی مان ما را از سرما و سرماخوردگی ترسانده‌اند و این باور در عمق جانمان رخنه کرده است؛ در حالی که پزشکان بر این باورند که سرما موجب سرماخوردگی نمی‌شود بلکه به خاطر وجود ویروس و عوامل انتقال دهنده است که آدم سرما می‌خورد.

وقتی دومین نوه‌ام متولد شد، در بیمارستان از پرستار پرسیدم: «نوزاد را چقدر باید پوشانند؟» گفت: «به اندازه‌ای که تو سردت می‌شود به اضافه یک لباس بیشتر». چند روز بعد از تولدش «بیلی‌روبینش» بالا رفت و پوستش به زردی گرایید. وقتی به پزشک فوق تخصص نوزادان مراجعه کردیم، علت بالا رفتن بیلی‌روبین را پوشاندن او تشخیص داد. می‌گفت این کار، باعث کم‌آبی بدن و کم شدن دفع بیلی‌روبین شده است و به ما اطمینان داد که نوزاد حداقل تا سه ماه از سرماخوردگی مصون است.



مبانی، اصول و روش‌های تربیت در دوره پیش از دبستان

مراحل تعلیم و تربیت

کودک از روزی که به دنیا می‌آید تا زمانی که به درجه رشد و کمال می‌رسد و تا آن گاه که می‌میرد، از مراحل گوناگون به هم پیوسته‌ای می‌گذرد که هر یک تربیت ویژه‌ای می‌طلبد؛ بدین جهت، باید تعلیم و تربیت براساس این مراحل برنامه‌ریزی شود. چنان که از قدیم‌الایام در آموزش و پرورش قدیم و جدید اندیشمندان تعلیم و تربیت به این مراحل توجه داشته‌اند و مراحل تعلیم و تربیت و ویژگی‌ها و مقتضای هر مرحله را براساس نگرش و رویکرد فکری خود بیان کرده‌اند (دبس، ۱۳۶۸). مسئله مراحل در امر تربیت، از حیث مبنا، به وسع آدمی و فراز و نشیب‌های آن برمی‌گردد. اگر در تربیت مراحل وجود نداشته باشند، اهداف و اصول و روش‌های تربیتی همه متوقف می‌شوند و نظام تربیتی ناتمام و ناتوان می‌ماند. آنچه راه ما را در دست یافتن به اهداف تربیتی هموار می‌کند و نشان می‌دهد که از هر اصل و روش

مبانی تربیت از هستی جهان و انسان و نیز از جایگاه و موقعیت شایسته آدمی در هستی و نیز از قوانین، سنت‌ها، ضرورت‌ها و شرایطی بحث می‌کند که حیات انسان و نحوه تحول آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند یا تصویری از واقعیات تربیتی و نحوه تغییر و تحول در آن ارائه می‌کنند. بر این اساس، انواع گزاره‌های تجویزی درباره تربیت شکل می‌گیرد و قابل تأیید و اجرا می‌شوند (سند تحول، ۱۳۸۹). تعلیم و تربیت در پرتو اصولی فراگیر و با اهمیت صورت می‌پذیرد (فتحعلی خانی و همکاران، ج ۱، ۱۳۹۱: ۲۸۳). تأثیر و حضور اصول در تعلیم و تربیت، حتی از مبانی هم ملموس‌تر است و بدون فهم و دریافت درست اصول، در تربیت نمی‌توان ره به جایی برد (رفیعی، ج ۳، ۱۳۹۰: ۱۳۰). این اصول از طریق روش‌هایی جامه عمل می‌پوشد (فتحعلی خانی و همکاران، ج ۱، ۱۳۹۱: ۲۸۳). روش‌های تعلیم و تربیت، فنون و تدابیری است که از طریق به کار بستن آن‌ها وضعیت مطلوب به وجود می‌آید (بهشتی، ج ۴، ۱۳۸۸: ۵۶). در این تحقیق، با توجه به اهمیت دوره پیش از دبستان به عنوان دوره تمهید و آماده‌سازی کودک برای مراحل بعدی تربیت، اصول و مبانی و روش‌های تربیت در این دوره بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مبانی، اصول، روش‌ها، تربیت، پیش از دبستان

تربیتی در کجا باید استفاده شود، همان مراحل تربیت است. اگر زمانی که می‌خواهیم برای تربیت مرحله‌ای را مشخص کنیم، از خود پرسیم آخرین مرحله تربیت کجاست، باید ابتدا به این سؤال پاسخ بدهیم که مراد ما از تربیت چیست. اگر مراد از تربیت، ربوبی شدن (از «ر ب ب» و ربوبی ساختن آدمی باشد، دوره طفولیت، بیرون از متن اصلی تربیت و به منزله دوره تمهید برای ورود در آن قرار می‌گیرد. از طرفی دامنه و حد مراحل تربیت، گستره زندگی فرد را در برمی‌گیرد و چنان نیست که پایان مرحله‌ای از زندگی، پایان امر تربیت باشد. حضرت امام رضا(ع) می‌فرمایند: «ایمان، یک درجه از اسلام برتر، تقوا، یک درجه از ایمان برتر و یقین، یک درجه از تقوا برتر است. یقین به مقیاس کمتری بین مردم تقسیم شده است». با توجه به این روایت، در مسیر ربوبی شدن و ربوبی ساختن آدمی چهار مرحله مشخص وجود دارد: مرحله اول: اسلام؛ مرحله دوم: ایمان؛ مرحله سوم: تقوا؛ مرحله چهارم: یقین. با افزودن مرحله تمهید (که ناظر به قبل از مرحله اسلام است)، در نهایت، پنج مرحله خواهیم داشت. ویژگی اساسی مرحله اول تمهید (تولد تا هفت سالگی)، از حیث تربیتی، رها گذاشتن کودک است که حاصل آن، بازی است؛ چنان‌که در روایات آمده است: «فرزندت را واگذار تا به مدت هفت سال بازی کند». اهمیت تربیتی بازی بسیار چشمگیر و بی‌نظیر است؛ زیرا نه تنها زمینه نضج فیزیکی و کنترل بدنی کودک را فراهم می‌کند بلکه در تکوین ساختمان شخصیت کودک و تحول اجتماعی وی نیز نقش اساسی دارد. اختصاص دادن عنوان بازی به این مرحله از تربیت، دلیل بر این نیست که از تأدیب در این مرحله اثری نباشد؛ برای تربیت کودک در این مرحله مبانی، اصول و روش‌های خاصی ارائه شده است.

۱. مبانی، اصول و روش‌های تربیتی در دوره پیش از دبستان

این دوره از تربیت کودک، هفت مبنا، هشت اصل و شانزده روش تربیتی را در برمی‌گیرد.

مبانی تربیت در دوره پیش از دبستان

- ۱ مبانی تأثیر ظاهر بر باطن
- ۲ مبانی تأثیر شرایط بر انسان

- ۳ مبانی مقاومت و تأثیرگذاری بر شرایط
- ۴ مبانی جذبۀ حسن و احسان
- ۵ مبانی کرامت
- ۶ مبانی آشنایی و بیگانگی با خدا
- ۷ مبانی دل‌بستگی، آزمندی و شتاب

اصول تربیتی در دوره پیش از دبستان

- ۱ اصل تغییر ظاهر
- ۲ اصل اصلاح شرایط
- ۳ اصل مسئولیت
- ۴ اصل آراستگی
- ۵ اصل فضل
- ۶ اصل عزت
- ۷ اصل تذکر
- ۸ اصل ابراز یا منع محبت

روش‌های تربیتی در دوره پیش از دبستان

- ۱ روش تربیتی تلقین به نفس^۱
- ۲ روش زمینه‌سازی
- ۳ روش تغییر موقعیت
- ۴ روش اسوه‌سازی
- ۵ روش مواجهه با نتایج اعمال
- ۶ روش آراستن ظاهر
- ۷ روش تزیین کلام
- ۸ روش مبالغه در عفو
- ۹ روش توبه
- ۱۰ روش تبشیر
- ۱۱ روش مبالغه در پاداش
- ۱۲ روش ابراز توانایی
- ۱۳ روش تغافل
- ۱۴ روش موعظه حسنه
- ۱۵ روش بیان مهر و قهر
- ۱۶ روش عطا و حرمان

کودک از روزی که به دنیا می‌آید تا زمانی که به درجه رشد و کمال می‌رسد و تا آن‌گاه که می‌میرد، از مراحل گوناگون به هم پیوسته‌ای می‌گذرد که هر یک تربیت ویژه‌ای می‌طلبد

۱. مبانی تأثیر ظاهر بر باطن؛ اصل تغییر ظاهر و روش تربیتی تلقین به نفس

اصل تغییر ظاهر و تلقین به نفس یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی دوره تمهید، یعنی اولین مرحله تربیت، است؛ زیرا شاکله و خلق‌های درونی، از طریق گفتارهایی که از وی سر می‌زند تشکیل خواهد شد. طبق اصل تغییر ظاهر، باید ظواهر کودک را به سمت گفتارها و رفتارهای مطلوب سوق داد. مقصود از این مطلب، تنها به بند کشیدن کودک نیست. تغییر ظاهر، هم شامل «مهار زدن» است و هم شامل «مهار گسیختن». برای مثال، اگر کودکی از جنب و جوش و بازی طفره می‌رود و گوشه‌گیر است، تغییر ظاهر برای او بدل کردن بی‌حرکی

فعلی با هم قرین شود، تأثیر آفرینی آن مضاعف خواهد بود. درباره رفتارهای مختلف می‌توان چنین تقارن و تقابلی را فراهم آورد (باقری، ج ۱، ۱۳۸۸: ۲۵۱-۲۴۰).

برخی از صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان، تلقین را موضوعی از آموزش و پرورش می‌دانند (اتکینسون^۴، ۱۹۰۹) و معتقدند که در هر چیزی که فراگیرنده می‌آموزد، تلقین و تکرار وجود دارد (اریکسون^۵، ۲۰۰۵) و به منظور شکل‌گیری صحیح شخصیت فراگیر باید تلقین‌های صحیح در محیط زیست و تجربه وی گنجانده شوند (اتکینسون، ۱۹۰۹). تلقین نباید فقط ماهیت کلامی داشته باشد. آن‌ها می‌توانند در هر سطح حسی رخ دهند و به‌صورت کلامی یا رفتاری باشند (اریکسون، ۲۰۰۵).

۲. مبنای تأثیر شرایط بر انسان؛ اصل اصلاح شرایط و روش‌های تربیتی زمینه‌سازی، تغییر موقعیت و اسوه‌سازی

طبق این اصل، باید به جای تمرکز بر خود کودک و رفتارهای او، نظر را به پیرامون او معطوف ساخت و روابط او را با محیط و عوامل محیطی تغییر داد.

● روش زمینه‌سازی

زمینه‌سازی دو وجه دارد: یکی ناظر به فراهم آوردن شرایط اولیه‌ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را بالا می‌برد و دیگری ناظر به جلوگیری از شرایط اولیه‌ای که احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب را افزایش می‌دهد.

● روش تغییر موقعیت

در این روش، نظر بر آن است که روابط فرد با موقعیت‌های مکانی دچار تغییر شود تا در معرض اندیشه‌ها، افکار و حالات خاصی قرار گیرد. دامن گسترده طبیعت، با دشت‌ها، کوه‌ها، نهرها، گلزارها و... در هر فراز و فرودی سخن‌ها و الهام‌هایی دارد (باقری، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

● روش اسوه‌سازی

کارآمدترین و عملی‌ترین و پیروزمندانه‌ترین روش تربیت، پروردن با نمونه‌ای عملی و اسوه یا الگویی روشن است؛ زیرا الگوسازی بر جان و دل متربیان می‌نشیند و شخصیت آنان از این راه ساخته می‌شود. کودک در سال‌های نخستین زندگی، از والدین، اطرافیان، همبازی‌ها، هم‌نشینیان، معلمان و مربیان الگو می‌گیرد (بهشتی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۳۷). اسوه و اسوه عبارت از حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر خود پیدا می‌کند و برحسب اینکه پیروی از چه کسی باشد، ممکن است اسوه‌ای نیک یا بد برای انسان فراهم آید. در این روش، مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید کودک قرار دهد و بدین گونه، موقعیت اجتماعی او را دگرگون نماید تا او به پیروی پردازد و حالت نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه، در خویش پدید آورد.



به تحرک و فعالیت است و این نوعی مهارزدایی است. اما در عین حال، به مهار درآوردن ظواهر نامطلوب نیز بخشی از کار تغییر ظاهر می‌باشد. روش تلقین به نفس یکی از روش‌هایی است که می‌توان برای تغییر کودک از آن بهره برد. برای به‌کارگیری این روش باید پنج اصل، شامل اصل احساس، تفکر، باور تلقینات، تکرار و نگهداری و سه روش تلقین قولی، تلقین فعلی و تلقین قولی - فعلی را، که هر کدام هم جنبه سلب^۶ و هم ایجاب^۷ دارد، به‌کار گرفت. در روش قولی باید به کودک بیاموزیم سخنانی را بر زبان جاری کند و از این طریق در معرض حالات مطلوب درونی قرار گیرد. در این مرحله، تلقین کودک به خود در پی تلقین دیگران به وی پدیدار می‌شود؛ مانند دختر خوب من با دوستانش مهربان است؛ پسر خوب من به دیگران احترام می‌گذارد یا بسیار مرتب و منظم است. ممکن است کودک در ابتدا در برابر این جملات مقاومت نشان دهد اما به مرور زمان آن‌ها را می‌پذیرد و اجرا می‌کند. همچنین، باید به تلقین‌های منفی کودک مهار زد؛ تلقیناتی مثل من خواهر یا برادرم را دوست ندارم! من نمی‌توانم یاد بگیرم! تلقین نباید اغراق‌آمیز و بسیار دور از واقع باشد. تلقین فعلی آن است که کودک را در معرض انجام عملی قرار دهیم تا از این طریق، حالات درونی مطلوبی در او به وجود آید. برای مثال، اگر پولی را به کودک بدهیم و بگوییم آن را به فقیر بدهد، با این عمل، انگیزه و کشش کمک به دیگران در درون وی پدیدار می‌شود. هرگاه تلقین قولی و

کارآمدترین و عملی‌ترین و پیروزمندانه‌ترین روش تربیت، پروردن با نمونه‌ای عملی و اسوه یا الگویی روشن است

۳. مبنای مقاومت و تأثیرگذاری بر

شرایط: اصل مسئولیت و روش

تربیتی مواجهه با نتایج اعمال

این مبنا، جلوه بارز اختیار انسان است. براساس این مبنا و اصل مسئولیت، انسان می‌تواند از تأثیرپذیری در رابطه به موقعیت و عوامل محیطی طفره رود و حتی منشأ تأثیرگذاری و جهت‌دهی قرار گیرد. در این روش، امر و نهی جای ندارد و پشتوانه این روش، حب ذات آدمی است. بر این اساس، باید به نشان دادن پیامدهای عمل فرد اکتفا کرد. مواجهه فرد با نتایج اعمالش در دو رتبه است: یکی در رتبه «دریافتن» و دیگری در رتبه «دیدن». در رتبه نخست، ما فرد را از پیامدها آگاه می‌کنیم و در رتبه دیگر، او را می‌گذاریم تا با نتایج اعمال، روبه‌رو شود. دومی کارآمدتر و قدرت متقاعدکننده نتایج در آن چشمگیرتر است (باقری، ۱۳۸۸: ۱۵۱-۱۴۳).

۴. مبنای جذبه حُسن و احسان: اصل

آراستگی (روش‌های تربیتی آراستن

ظاهر و تزئین کلام) و اصل فضل

(روش‌های تربیتی مبالغه در عفو،

توبه، تبشیر و مبالغه در پاداش)

اصل آراستگی ناظر به جذبه حُسن و اصل فضل ناظر به جذبه احسان است. اصل آراستگی بیانگر آن است که در جریان تربیت، باید صورت آنچه را عرضه می‌شود، نیک آراست تا رغبت‌ها نیز برانگیخته شود.

● روش آراستن ظاهر

مربی در برقرار کردن ارتباط تربیتی باید به آراستگی ظاهر بپردازد تا از عوامل ظاهری نفرت و گریز نیز تهی باشد. آراستگی لزوماً مرادف اشراف‌منشی نیست بلکه با سادگی نیز می‌توان آراسته بود. در توصیه به مسلمانان نیز همواره با اصرار گفته شده که مستحب است در دیدار با برادران و هم‌کیشان، بهترین و نظیف‌ترین لباس‌ها را به تن کنند و با آراستگی ظاهر شوند. این توصیه‌ها عمومی است اما مربیان را به‌طور مضاعف مورد خطاب قرار داده است. آراستگی ظاهر در مورد خود کودک نیز صادق است. ظاهر آراسته آدمی، صفا و آراستگی باطنی را در پی می‌آورد.

● روش تزئین کلام

کلام آیینۀ مفاهیم و معانی است. این آیینۀ هرچه مصفا تر باشد به همان میزان بر شفافیت و نفوذ مفاهیم و معانی خواهد افزود. از این‌رو، لازم است مربی بنگرد که معانی و مفاهیم مورد نظر را در برابر چه آیینۀ‌ای قرار می‌دهد. کژ و کدر سخن گفتن در حکم پامال ساختن معانی است. مربی نباید در عرضه معانی خویش، هر واژه‌ای را که زودتر از واژه‌های دیگر به ذهنش دوید به کار گیرد بلکه باید در پی خلق تعبیرهای بلند باشد. گاه تعبیری، به تنهایی، به وزن کتابی سخن دارد و اثرش در آدمی پایدار و پردوام است.

● روش مبالغه در عفو

اصل فضل (و رحمت) مانع آن است که فرد، به محض ارتکاب اولین خطا مورد مؤاخذه و مجازات قرار گیرد بلکه به موجب آن لازم است مربی ابتدا به عفو کند و حتی در این عفو مبالغه ورزد. ابتدا کردن به عفو بدین معناست که مربی خود اقدام به عفو کند، نه اینکه عفو او در برابر اعتذار (عذرخواهی) کودک باشد. براساس این اصل، مربی در مجازات شتاب نمی‌ورزد و فرد را او می‌گذارد تا فرصت‌های لازم را برای اصلاح خود پیدا کند.

● روش توبه

«توبه» به معنای بازگشت است و صرفاً به معنای بازگشت از گناه نیست. از این‌رو، توبه اختصاص به انسان ندارد بلکه خداوند نیز در مقام تربیت انسان، دارای توبه است و این «توبه» به مثابه یک روش تربیتی است. از آیات قرآن فهمیده می‌شود که خداوند دو توبه دارد: توبه اول «توبه هدایت و توفیق» است و توبه دوم، باز بودن همیشگی باب توبه است. به مقتضای روش توبه، باید برخورد مربی با فرد خطاکار، نمودار رحمت باشد. این روش ایجاب می‌کند که مربی، خود به استقبال خطاکار برود (توبه اول) و به او که پشت کرده است، رو کند. مربی نباید به محض دیدن خطا در فرد، او را از خویش براند بلکه باید احتمال دهد که او حتی متوجه خطای خویش نیز نبوده باشد. کسانی که با دیدن خطا به تنبیه می‌پردازند، گاه فرد را به سبب چیزی تنبیه می‌کنند که تنها خودشان از آن مطلع‌اند. چنین برخوردی بار تربیتی ندارد؛ زیرا در فرد حالت بازگشت درونی ایجاد نمی‌کند. طبق روش توبه، نخست باید به استقبال خطاکار رفت و او را متوجه خطایش کرد و جهات مختلف و آثار و تبعات آن را روشن ساخت؛ به نحوی که مایه بازگشت از خطا در وجود او ریشه بدواند و چنین است که توبه مربی، توبه‌ساز است.

● روش تبشیر

تربیت مستلزم دادن تکالیف است و این امر فی نفسه، زایل‌کننده رغبت می‌باشد. این تلخی را باید به طریقی کاست تا قبول تکالیف میسرتر شود. یکی از روش‌هایی که به این کار می‌آید، روش تبشیر است و تبشیر به معنای بشارت دادن به عطایایی است که پس از به دوش گرفتن تکالیف به فرد ارزانی خواهد شد و مظهری از

باید به جای تمرکز بر خود کودک و رفتارهای او، نظر را به پیرامون او معطوف ساخت و روابط او را با محیط و عوامل محیطی تغییر داد

فضل و رحمت است. تبشیر و تشویق، به رغم آنکه ظاهراً با هم مشتبه می‌شوند، متفاوت‌اند. تبشیر پیش از عمل یا همراه عمل و تشویق پس از عمل ظهور می‌کند. از این‌رو تبشیر، ناظر به آینده و تشویق متوجه گذشته است. در مقایسه، تشویق سریع‌التأثیرتر از تبشیر است اما از سوی دیگر، کسی که پذیرش تبشیر را دارد از پختگی ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا حرکت کردن با تبشیر مستلزم نوعی کف نفس و آینده‌بینی است؛ لذا هرگاه فرد در سنین پایین باشد، باید دامنه تبشیر برای او کوتاه‌تر در نظر گرفته شود.

● روش مبالغه در پاداش

اصل فضل (و رحمت) ایجاب می‌کند که اگر از کودک عمل مطلوبی (هرچند ناچیز) سرزند، مربی آن را بی‌پاسخ نگذارد بلکه باید گفت به اقتضای این اصل لازم است که پاداش از حد عدالت در گذرد و مظهر «فضل» و «رحمت» باشد. براساس این روش، برای پاداش دادن به فردی که تن به کوشش و تلاش داده و سعی خود را ابراز کرده است، باید براساس فضل رفتار کرد و بهترین اعمال او را معیار قضاوت و پاداش قرار داد و ضعف‌ها و کمبودهای جانبی را نادیده گرفت. پاداش به چنین فردی، می‌تواند از مرز عدالت در گذرد و مربی به صلاح‌دید خویش می‌تواند او را بیش از حد استحقاقش مورد لطف قرار دهد. چنین بلندنظری‌ای در جزا و پاداش، کودک را با شوق و انگیزه‌های مضاعف به حرکت وادار می‌دارد (همان: ۱۷۲-۱۶۰).

۵. مبنای کرامت: اصل عزت و

روش‌های تربیتی ابراز توانایی و تغافل

عزت در فرهنگ لغت عمید به معنای عزیز شدن، گرمی شدن و ارجمند شدن آمده است (عمید، ۱۳۷۹: ۹۱۰). مقصود از این اصل و مبنا این است که باید انسان مکرم را عزیز داشت و مایه‌های عزت نفس او را فراهم آورد.

● روش ابراز توانایی

هرگاه انسان خود را توانا ببیند و دریابد که کاری از دستش برمی‌آید، احساس سربلندی و عزت خواهد کرد و هرگاه خویشستن را ناتوان بیاید و ببیند که کاری از او ساخته نیست، احساس سرافکندگی و ذلت خواهد داشت. پس، لازم است

امکان بروز توانایی‌های کودک را فراهم آوریم تا باور کند کارهایی از او ساخته است و میان آن کس که کاری از او بر نمی‌آید و آنکه کارآمد و تواناست، تفاوت از زمین تا آسمان است (باقری، ج ۱، ۱۳۸۸: ۱۹۵-۱۹۴).

● روش تغافل

تغافل در لغت به معنای خود را غافل وانمود کردن، چشم‌پوشی کردن و نادیده انگاشتن و اظهار بی‌خبری کردن آمده است (عمید، ۱۳۷۹: ۴۴۴). در این روش، توجه معطوف به ضعف‌های مرتبی است. بروز ضعف‌ها شکستن عزت را در پی می‌آورد. پس اختفای آن‌ها طریقه‌ای برای حفظ عزت است؛ اختفا پیش از مسلم شدن ضعف‌ها (اصل صحت) و یا پس از آن. تغافل به این معناست که ما از امری، به واقع، مطلع شویم و تظاهر به غفلت کنیم. آنگاه که راه‌های توجیه مربی سد شد و برای او یقین حاصل آمد که کودک خطا کرده است، زمان تغافل فرا می‌رسد. در این هنگام، عزت کودک باید با تغافل از خطای او حفظ شود. خطرناک‌ترین لحظه در امر تربیت، لحظه‌ای است که کودک خود را از فرو پوشیدن خطای خویش بی‌نیاز ببیند و از برملا کردن آن ابایی نداشته باشد. آنچه فرد را به پرهیز از خطا موفق می‌سازد، احساس عزت است. تغافل، علاوه بر آنکه نشانه بلاهت و سادگی مربی نیست، مایه بزرگواری او نیز هست (باقری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۰۰-۱۹۷). در توصیه‌ها و روایات، مکرراً بر پاس داشتن احساس عزت کودک و ممانعت از بروز ضعف و کاستی و حقارت وی تأکید شده است. برای نمونه، در روایتی آمده است: «کودک را به نامی نیکو نام‌گذاری کنید و هنگامی که به مجلس شما می‌آید، برای او جا باز کنید و به او روی ترش نکنید» (همان: ۲۵۴).

۶. مبنای آشنایی و بیگانگی و با خدا؛ اصل تذکر و

روش تربیتی موعظه حسنه

موعظه حسنه از روش‌های پذیرفته شده در تعلیم و تربیت اسلامی است. موعظه، گفتار سنجیده و به موقعی است که به منظور آگاهی دادن و دعوت به خیر و صواب از دل برخیزد و از سر اعتقاد و خیرخواهی و شفقّت به نرمی بیان شود. آدمی برای اینکه زندگی انسانی داشته باشد، نیازمند آگاهی‌ها و ارشادهای بسیار است و از آنجا که در معرض غفلت و خودخواهی است، بسیاری از واقعیات بر او پوشیده می‌ماند و چون بدون آگاهی اقدام به عمل می‌کند، در نهایت پشیمان می‌شود (بهشتی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۴۳).

نسیان در کودکی، فراوان‌تر از هر وقت دیگری رخ می‌دهد و لذا تذکر و یادآوری مکرر درخواست‌ها به کودک ضرورت می‌یابد. اگر کودک بارها آنچه را گفته شده فراموش کند نباید بی‌طاقت شد؛ زیرا مربی در یک نگاه، تنها «مذکر» است و تذکر کار اصلی اوست. این روش باید به صورت یادآوری نعمت‌ها و به خصوص عبرت‌آموزی از طریق قصه‌گویی به کار گرفته شود. در این باب هم قصه‌های قرآن و قصه‌های تاریخی و هم قصه‌های خیالی، هر دو مورد توجه‌اند.

خطرناک‌ترین لحظه در امر تربیت، لحظه‌ای است که کودک خود را از فرو پوشیدن خطای خویش بی‌نیاز ببیند و از برملا کردن آن ابایی نداشته باشد

۷. مبنای دلبستگی، آزمندی و شتاب؛ اصل ابراز یا منع محبت و روش‌های تربیتی بیان مهر و قهر و عطا و حرمان

● روش بیان مهر و قهر

انسان از انس اشتقاق یافته و به انس و محبت بسیار نیازمند است؛ زیرا نه تنها نیاز طبیعی او تأمین می‌گردد، بلکه مهم‌ترین عامل سلامت روح او نیز به شمار می‌آید و فقدان آن موجب ناهنجاری‌های روانی است. بنابراین، تعلیم و تربیت مبتنی بر اصل محبت سازنده و موفق و تأثیرگذار خواهد بود (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸، ج ۴: ۵۴). اصل محبت در شکل ابراز و منع، در هفت سال اول بسیار مورد تأکید است و روش‌های مترتب بر آن همواره توصیه شده است؛ به نحوی که قهر به عنوان مهم‌ترین روش تنبیهی در کودکی شمرده شده و استفاده از آن به جای تنبیه بدنی سفارش شده است. آمده است که امام علی (ع) به یکی از اصحاب فرمود که در مقام تنبیه فرزندش از او قهر کند و زمان آن را نیز کوتاه در نظر بگیرد (باقری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۵۵).

● روش عطا و حرمان

این روش، محبت یا عدم محبت را در کسوت کردار نمودار می‌سازد. در قالب بیان، زبان کردار نیز خود منطقی دارد و نفوذ ویژه‌ای در پی می‌آورد که آن را در گفتار نمی‌توان جست. از آنجا که کردار دلیل صدق گفتار است، این دو شیوه در کنار هم و مکمل یکدیگرند. ابراز محبت هنگامی که جامه عمل بپوشد، به صورت اعطای هدیه و هبه به کسی و منع محبت، به طریق محروم ساختن او از آنچه به وی ارزانی شده بود، نمودار می‌شود (همان: ۲۳۵-۲۳۴). بیان مهر و آشکار ساختن محبت بارها توصیه شده است. در باب هبه و هدیه نیز پیامبر (ص) توصیه فرموده است که پدران تحفه‌هایی برای فرزندان خود بخرند و هنگامی که به خانه داخل شدند، دختر بچه خویش را در دادن هدیه مقدم دارند و به هر حال، خردسالان خویش را اعم از دختر و پسر، مسرور دارند و محبت خویش را این چنین ابراز کنند (همان: ۲۵۵).

آنچه در این بحث به منزله مبنای تربیت در نظر گرفته شد، ویژگی‌های عمومی انسان است. همچنین، اصول بیان شده بر مبنای تکیه دارند



و روش‌ها نیز بر اصول مبتنی هستند. هر اصل تربیتی، به منزله معیار یا قاعده‌ای کلی است که با در دست داشتن آن می‌توان در مواجهه با شرایط تازه‌تر و پیچیده‌تر، با نظر به اقتضای معیار مذکور، به ابداع روش‌های تربیتی مناسب اقدام کرد (همان: ۸۹-۸۸).

پی‌نوشت‌ها

1. Autosuggestion
2. divestive
3. necessitative
4. Atkinson
5. erickson

منابع

۱. باقری، خسرو. (۱۳۸۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد یک)، چاپ بیستم، تهران: انتشارات مدرسه.
۲. بهشتی، محمد؛ ابوجعفری، مهدی؛ فقیهی، علی نقی؛ اعرافی، علیرضا. (۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبنای آن (جلد دوم)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ناشر همکار (سمت).
۳. بهشتی، محمد؛ ابوجعفری، مهدی؛ فقیهی، علی نقی؛ اعرافی، علیرضا. (۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبنای آن (جلد چهارم)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ناشر همکار سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۴. حاجی بابایی، حمیدرضا؛ مخبر دزفولی، محمدرضا؛ اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۰). سنده تحول بنیادین آموزش و پرورش، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش.
۵. دبیس، موریس؛ کاردان، علی محمد. (۱۳۶۸). مراحل تربیت، تهران: دانشگاه تهران.
۶. رفیعی، بهروز؛ اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۰). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبنای آن (جلد سوم)، امام محمد غزالی، چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ناشر همکار سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۷. عمید، حسن (۱۲۷۹). فرهنگ فارسی عمید، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. فتحعلی خانی، محمد؛ فصیحی‌زاده، علیرضا؛ فقیهی، علی نقی؛ اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۱). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبنای آن (جلد اول)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ناشر همکار سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
9. Atkinson, William walker (1909). suggestion and autouggestion, Chicago, il: the progress company. p (41).
10. erickson, milton. h; hershman, seymour; sector, irving. h (2005). the practical application of medical and dental hypnosis, OTC Publishing Corp. p (18)

اصل محبت
در شکل
ابراز و منع،
در هفت
سال اول
بسیار مورد
تأکید است
و روش‌های
مترتب بر
آن همواره
توصیه شده
است؛ به
نحوی که
قهر به عنوان
مهم‌ترین
روش تنبیهی
در کودکی
شمرده شده
و استفاده از
آن به جای
تنبیه بدنی
سفارش
شده است



بحثی درباره کودک آزاری و کودکان مغفول

چکیده

امروزه کودک آزاری، سهل انگاری در مورد ایمنی کودکان و محرومیت آن‌ها از حق برخورداری از یک زندگی سالم در جوامع مختلف موجب دلهره و وحشت فراوان برای خانواده‌ها شده است. مهم‌ترین و کلیدی‌ترین سؤال‌ها در مواجهه با این معضلات اجتماعی، این است که چرا اتفاق می‌افتند؟ و چگونه می‌توان از بروز آن‌ها پیشگیری کرد و راه‌های مبارزه با آن‌ها چیست. با توجه به گستردگی رسانه‌های گوناگون در همه جوامع، اطلاعات مربوطه به کودک آزاری، خشونت و آسیب‌های وارده بر کودکان به سرعت منتشر می‌شود. انتشار اطلاعات در مورد هر حادثه خود سبب پدید آمدن ابهام‌ها، نگرانی‌ها و بدگمانی‌هایی نیز می‌شود. ناگفته پیداست که در این میان، البته موارد و حوادث بسیاری نیز هستند که در پرده ابهام می‌مانند یا مردم از آن‌ها مطلع نمی‌شوند.

کلیدواژه‌ها: کودک، کودک آزاری، خانواده، سهل انگاری، آموزش

حوادثی چون آزار آتنا اصلانی، دختر ۷ ساله اردبیلی، در سال ۱۳۹۶ دل بسیاری از خانواده‌ها و فعالان اجتماعی را به درد آورد و بحث‌های زیادی را در مورد نامهربانی‌ها و عدم امنیت در جامعه ما دامن زد. این مقاله کوتاه البته جای پاسخ دادن به این سؤال‌های بسیار یا واکاوی چنین حوادثی نیست و باید در موقعیت‌های دیگر به آن‌ها پرداخته شود. در اینجا، فقط مطالبی در زمینه کودک آزاری و سهل انگاری درباره کودکان و مغفول ماندن آن‌ها از زوایای گوناگون مطرح می‌شود. این کوتاه سخن، صرفاً در حکم باز کردن دریچه توجه و به وجود آوردن چالش و هشدار ذهنی است.

کودک آزاری و مغفول ماندن کودکان از جمله مسائل بسیار مهم در بسیاری از کشورهاست. به بیان دیگر، شاید بتوان گفت این ضایعه به بزرگی، کوچکی و تحول و عدم تحول جوامع و سایر مؤلفه‌های اجتماعی از جمله فقر، ثروت و آگاهی تا حدودی و گاهی بستگی پیدا نمی‌کند؛ به‌ویژه وقتی پای بیماری انسان‌ها و اولویت قرار نگرفتن کودکان پیش می‌آید. برای مثال، در سال ۲۰۰۰، سه میلیون مورد کودک آزاری و سهل انگاری به بخش خدمات حمایتی کودک و خدمات بهداشتی و انسانی در کشور آمریکا گزارش شده که جزئیات آن البته بیشتر آزاردهنده است.

● دوسوم از قربانیان از غفلت و سهل انگاری خانواده‌ها و عوامل اجتماعی دیگر در رنج بوده‌اند.

● تقریباً ۲۰ درصد از کودکان از نظر فیزیکی مورد آزار قرار گرفته‌اند.

● ۱۰ درصد از کودکان از نظر جنسی مورد سوءاستفاده، خشونت و آزار قرار گرفته‌اند.

● ۸ درصد از کودکان از نظر روان‌شناختی مورد سوءرفتار قرار گرفته‌اند.

● تخمین زده شده است که ۱۲۰۰ نفر از کودکان در نتیجه آزارهای

جسمی یا جنسی و سهل انگاری جان خود را از دست داده‌اند. نکته در دناک‌تر اینکه ۴۴ درصد از این مرگ‌ها مربوط به کودکان کمتر از یک سال و ۸۵ درصد کودکان زیر ۶ سال بوده است.

● بیشتر از ۸۰ درصد از قربانیان مورد آزار یکی از والدین و یا هر دوی آن‌ها بوده‌اند.

این آمار صرفاً مربوط به سال ۲۰۰۰ است و آمارهای تازه‌تر نشان‌دهنده افزایش چشمگیر مشکلات در همه جوامع و اضافه شدن عوامل اجتماعی همچون فقر و ناآگاهی، اعتیاد و عدم امنیت در محیط خانواده و نگرش‌های نادرست و بهره‌کشی از کودکان است که جا دارد در مقاله‌های دیگر مورد بررسی کارشناسان قرار گیرند.

کودک آزاری شدیدترین نوع بی‌احترامی به کودکان است.

خشونت به شکل بدرفتاری فیزیکی و بدنی و سوءاستفاده و آزار جنسی زشت‌ترین و فاجعه‌آمیزترین رفتار انسانی نسبت به کودکان می‌باشد. به کار بردن کلمات آزاردهنده و رکیک و خشونت بدنی و تنبیه فیزیکی از اشکال دیگر آزار کودکان در جوامع و خانواده‌هاست که متأسفانه در بعضی مراکز مراقبت از کودکان و مراکز فرهنگی و مؤسسات اجتماعی نیز معمول است. هم‌اکنون در بسیاری از کشورها، فعالیت‌های حقوقی و فعالان اجتماعی فرایندهایی را برای کنترل و پیشگیری این گونه اعمال دنبال می‌کنند. به‌ویژه در مورد مراکز فرهنگی، مراکز پیش‌دبستانی و مهدهای کودک و مراقبت کودکان به منظور ادامه کار، بررسی مجوزها و گواهی کار کلیه کارکنان را در دستور کار خود قرار داده‌اند که این نوع پیگیری‌ها از جمله راه‌حل‌های بسار مطلوب شناخته شده است. در این روند، به والدین نیز در مورد انتخاب مراکز استاندارد و شناخت افراد صاحب صلاحیت برای مراقبت از فرزندان و نگهداری از آنان در ساعات مورد نیاز خود، آگاهی‌های خوبی داده می‌شود. گزارش دادن موارد آزار کودکان از هر نوع در همه جوامع به‌ویژه آمریکا و کشورهای اروپایی از نظر قانونی نوعی الزام شناخته شده است. دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، مربیان و سایر افرادی که وظیفه‌شان مراقبت از کودکان است، مسئولیت دارند که موارد مشکوک را به افراد مسئول گزارش دهند.

در این میان، سهل انگاری درباره کودکان و غفلت از آن‌ها مقوله مرتبیطی است که باید شفاف‌تر گردد. کودک مغفول ممکن است حتی کسی باشد که بیشتر ساعات بیداری خود را در کنار فرد یا افراد بزرگ‌تر بگذراند، با آن‌ها روبه‌روی تلویزیون بنشیند و برنامه‌های مورد علاقه‌اش را ببیند، ولی در عین حال، از طرف والدین یا فرد حامی و

غفلت و بی‌خبری از کودک، در حقیقت اشکال خطرناک‌تری نیز دارد که نبود تغذیه مناسب و مطلوب، پوشاک، سرپناه، بهداشت و مصون نگه داشتن کودک از خطرات و بیماری‌ها از جمله این اشکال است

در پایان این بحث، از منظر اقداماتی که دیگر کشورها به منظور پیشگیری و نیز جلوگیری از موارد **کودک‌آزاری و بی‌توجهی** در مراکز تربیتی کودکان به‌ویژه مهدهای کودک در مراکز پیش‌دبستانی اتخاذ کرده‌اند، به ذکر نکاتی بسنده خواهیم کرد و امید به ایجاد چالش در این باره، در اذهان خوانندگان دارم.

انجمن ملی حمایت از کودکان در آمریکا (NAEYC)، از سال ۱۹۹۶ دستورالعمل و براساس آن برنامه‌هایی را به منظور پدید آوردن مسئولیت‌های عملی و تخصصی از کودکان در مراکز آموزش‌های اولیه تنظیم کرده و به اجرا در آورده‌اند که در زیر به بعضی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. استخدام کارکنان شایسته و صاحب صلاحیت

۲. اعمال نظارت مسئولانه و مناسب در مورد کلیه کارکنان

۳. تقلیل دادن مکان‌هایی که در معرض دید نیستند یا دسترسی به آن‌ها دشوار است، و یا محل‌های مشکوک و دنج در محیط این مراکز و اطراف آن‌ها.

۴. آشنا کردن کلیه کارکنان با کودک‌آزاری و سهل‌انگاری و چگونگی تشخیص، پیشگیری و گزارش دادن موارد مشکوک و آموزش دادن آن‌ها در این موارد.

۵. تعریف کردن و بیان سیاست‌ها برای به وجود آوردن محیط‌های فرهنگی و آموزشی ایمن برای کودکان.

۶. به وجود آوردن فرهنگ «پرهیز از تماس بدنی» در کارکنان و مراقبان کودک.

در پایان این بحث باید بگوییم که مهم‌تر از موارد بالا، حضور والدین در کنار کودکان است. آن‌ها باید با مراکز پیش از دبستان و مهدهای کودک و کودکان‌ها و مراکز آموزشی در سال‌های اولیه مشارکت کامل داشته باشند. در سایه مشارکت این مراکز با خانواده‌ها و والدین امید است پاره‌ای از مشکلات کودکان شناخته شود و در مورد راه‌های رفع مشکلات کوشش‌هایی مناسب صورت گیرد.

پی‌نوشت

1. No-Touch Policies



شکست در پرورش کودکان، مطلوب نبودن شیوه‌های مراقبت از آن‌ها و تحقق نیافتن نیازهای به حقشان، نشان‌دهنده نوعی بی‌توجهی به آن‌ها و کمبود و یا فقدان علاقه، نگرانی و دغدغه برای آن‌هاست

مراقبت‌کننده‌اش مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گیرد. بنابراین، تصور نادرستی است اگر فکر کنیم نبودن فرد بزرگ‌تر در کنار کودک و یا در ساعات فعال زندگی او یعنی مورد غفلت قرار گرفتن. بلکه مغفول ماندن کودک ابعاد بی‌توجهی، برخورد شیء‌گونه و مکانیکی و عاری از مهربانی با کودک و نیز پاسخ ندادن به کودک، به حال خود رها کردن و بغل نکردن او و مواردی از این قبیل را نیز شامل می‌شود. در این والدین، عاطفه نسبت به کودک رنگ‌باخته است. آن‌ها کودک را در کنار خود دارند ولی **با او** وقت نمی‌گذرانند و **به او** توجه ندارند.

غفلت و بی‌خبری از کودک، در حقیقت اشکال خطرناک‌تری نیز دارد که نبود تغذیه مناسب و مطلوب، پوشاک، سرپناه، و بهداشت و مصون نگه داشتن او از خطرات و بیماری‌ها از جمله این اشکال است.

برای کودکانی که به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شوند یا خانواده‌های پرجمعیت و یا بی‌سرپناه البته ابعاد فاجعه گسترده‌تر خواهد بود. در این میان، خانواده‌های طلاق، معتلان، افراد بدسرپرست یا ناآگاه و حتی خودشیفته نیز به این غفلت از کودکان و واماندگی آن‌ها دامن می‌زنند. شکست در پرورش کودکان، مطلوب نبودن شیوه‌های مراقبت از آن‌ها و تحقق نیافتن نیازهای به حقشان، نشان‌دهنده نوعی بی‌توجهی به آن‌ها و کمبود و یا فقدان علاقه، نگرانی و دغدغه برای آن‌هاست.



پیش دبستان بستری مناسب برای آموزش سواد زیست محیطی

اشاره

در جهان امروز، محیط زیست، به یکی از مسائل مهم و نگران کننده تبدیل شده است. در این میان، به دلیل گستردگی و تنوع موضوع ها دستیابی به آمار کلی در مورد محیط زیست جهان، منطقه خاورمیانه و ایران مقدور نیست اما برای مثال می دانیم که شرایط آب که ماده ای حیاتی برای انسان است، تا حدودی بحرانی است و سد سازی های برخی کشورهای همسایه، مثل ترکیه، باعث تشدید این معضل در خاورمیانه شده است. تخریب کوه ها، قطع درختان، از بین بردن محیط زیست جانوران و انقراض حیوانات، بروز پدیده ریزگردها، خشک شدن دریاچه ها و تالاب ها، آلودگی هوا در کلان شهرها و... همه و همه، لزوم توجه بیشتر به رویکرد «توسعه پایدار» را آشکار کرده است. توسعه پایدار و یکی از شاخص های اصلی آن، یعنی محیط زیست، با توجه به بحران های زیست محیطی در قسمت های مختلف کشور ایران، از مسائل مهمی است که باید بیش از پیش مورد توجه شهروندان قرار گیرد. یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر توسعه پایدار و محیط زیست، ارتقای سواد زیست محیطی است که باید از دوران خردسالی و پیش دبستان مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه ها: محیط زیست، بازی، آموزش

ضرورت توجه به محیط زیست در دوره پیش دبستان

کودکان به طور فطری و غریزی علاقه خاصی به طبیعت دارند و از زمانی که چشم باز می کنند، به سبب کنجکاوی از بودن در فضای سبز و پارک ها استقبال می کنند و بازی در طبیعت یکی از سرگرمی های سالم برای آن ها است. این علاقه مندی به محیط زیست و طبیعت را در دوران خردسالی باید تقویت کرد؛ زیرا کودکان امروز همان نسل آینده هستند که برای سرزمین و جامعه خود تصمیم

خواهند گرفت و می توانند در جهت تخریب یا بهبود شرایط محیط زیست خود گام بردارند.

براساس یافته های روان شناسی و علوم تربیتی، سال های پیش از دبستان در رشد و تربیت کودکان نقش اساسی و تعیین کننده ای دارد. در این دوران حساس و مهم، یادگیری کودکان عمیق تر، سریع تر و آسان تر انجام می شود؛ توانایی هایشان در جنبه های مختلف رشد می کند و شکوفا می شود و پایه های اصلی شخصیت آن ها شکل می گیرد. بنابراین، اگر آموزه های مربوط به حفاظت از محیط زیست و طبیعت به کودکان منتقل شود، به طور عمقی نهادینه خواهد شد و عشق به زمین، آن ها را در بزرگسالی نسبت به محل زندگی خود مسئولیت پذیرتر خواهد کرد. نهادینه کردن عشق به زمین و طبیعت یکی از رسالت های است که مربیان باید به آن توجه کنند. راه اندازی مدارس





■ محیط زیست طبیعی

محیط زیست طبیعی به آن بخش از محیط زیست اطلاق می‌شود که بشر در تشکیل آن نقشی نداشته، بلکه از موهبت‌های خدادادی است و شامل جنگل‌ها، مراتع، کوه‌ها، دشت‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، باتلاق‌ها، چشم‌اندازها و... می‌شود. عوامل تشکیل‌دهنده محیط زیست طبیعی شامل عوامل جاندار (گیاهان و جانوران) و عوامل بی‌جان (خاک، آب و هوا) است (نوری، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

■ محیط زیست انسانی

محیط زیست انسانی یا محیط زیست انسان‌ساخت به آن بخش از محیط زیست اطلاق می‌شود که به دست بشر ساخته شده و زاینده تفکر اوست.

■ محیط زیست دریایی

این عبارت مفاهیم متعددی را در خود دارد. هر چند با توجه به بدیهی انگاشتن عبارت محیط زیست دریایی تعریف دقیقی از آن وجود ندارد اما همه مسائل مربوط به دریاها، موجودات دریایی و همچنین سواحل اقیانوس‌ها و دریاها را شامل می‌شود؛ برای مثال، آلودگی دریا، صنایع دریایی، فاضلاب و زباله‌های دریایی و...

از نظر سازمان یونسکو، پایداری یعنی اینکه هر نسل منابع آب، خاک و هوا را پاک و بدون آلودگی به همان وضعیتی که تحویل گرفته است، باقی بگذارد

طبیعت در کشور و آموزش سواد زیست‌محیطی می‌تواند گام مؤثری در نهادینه کردن «حفاظت از محیط زیست» در کودکان و نسل‌های آینده جامعه باشد. البته پیش از کودکان، مربیان آن‌ها باید با مفاهیم اساسی آشنا شوند و به روش‌های آموزشی رایج، این مفاهیم را به‌طور عملی به نوآموزان پیش‌دبستان منتقل کنند.

توسعه پایدار^۱

برای دانستن مفهوم توسعه پایدار، پیش از هر چیز دو کلمه «توسعه» و «پایداری» را باید تعریف کرد. «توسعه به‌مثابه شبکه‌ای است که شاخه‌های آن تقریباً هر یک از بخش‌های جامعه، فرهنگ و شخصیت را لمس می‌کند و اثرات عمیق خود را نهایتاً بر جای می‌گذارد» (شیخی، ۱۳۸۵: ۱۹). از نظر سازمان یونسکو، پایداری یعنی اینکه هر نسل منابع آب، خاک و هوا را پاک و بدون آلودگی به همان وضعیتی که تحویل گرفته است، باقی بگذارد (خلیلیان، ۱۳۷۸: ۲۰۷). بالاخره اینکه توسعه پایدار به معنای مدیریت استفاده از منابع طبیعی، انسانی و اقتصادی در کنار حفاظت از محیط زیست است؛ به گونه‌ای که پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع را به دنبال داشته باشد و ابعاد مختلف توسعه انسانی، به‌ویژه افزایش رفاه ناخالص، را به‌صورت پایدار و مستمر برای نسل امروز و آینده بشر به ارمغان آورد.

توسعه پایدار ارائه راه‌حلی در مقابل الگوهای سنتی کالبدی، اجتماعی، اقتصادی توسعه را شامل می‌شود که بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی منابع طبیعی، تخریب زیست‌بوم (اکوسیستم‌ها)، آلودگی، افزایش بی‌رویه جمعیت و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان‌ها جلوگیری کند. (پورجعفر، ۱۳۹۰).

در جامعه‌ای که به توسعه پایدار رسیده است، شهروندانی حضور دارند که نسبت به محیط زیست تعهد بالایی دارند و رفتارهای مثبت زیست‌محیطی از خود نشان می‌دهند. بدون تردید، یکی از راه‌های داشتن شهروندانی با سواد زیست‌محیطی، آموزش از سنین خردسالی است. مربیان دوره پیش‌دبستان با استفاده از روش‌های آموزشی رایج و به ابتکار خود می‌توانند این مفهوم را به کودکان یاد بدهند.

محیط زیست و انواع آن

به همه محیط‌هایی که در آن‌ها نوعی زندگی جریان داشته باشد، «محیط زیست» گفته می‌شود؛ از جمله استخر آب، شهر، اقیانوس، کوه و کویر و... برای بقای یک محیط زیست، ارتباط متقابل موجودات زنده با یکدیگر و با عوامل غیرزنده امری لازم و ضروری است.



■ حفاظت محیط زیست

به هر گونه عملیاتی که برای نگهداری محیط زیست یا جلوگیری از تخریب آن صورت می گیرد، حفاظت گفته می شود. می توان گفت، حفاظت از محیط زیست، عبارت است از تلاش برای حفظ سلامت محیط و انسان ها، در سطوح شخصی، سازمانی یا دولتی، که باعث محافظت از محیط طبیعی می شود.

پیش دبستان و سواد زیست محیطی

منظور از سواد زیست محیطی، تشخیص شیوه استفاده از منابع و در نتیجه، انتخاب بهترین تأثیر بر محیط، مشخص کردن پایدارترین راه حل برای مشکلات بشر درباره تنها زیستگاه خود و آگاهی از دوستانه ترین و صلح آمیزترین روش ها در برخورد با طبیعت است.

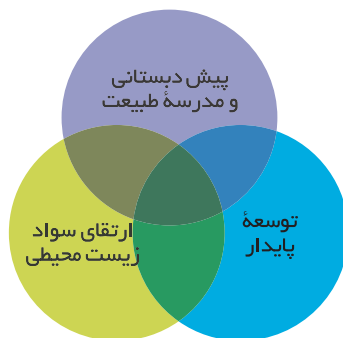
در دوره پیش دبستان چگونه می توان از محیط زیست حفاظت کرد؟ اینجاست که بحث آموزش و یاد دادن سواد زیست محیطی به میان می آید. در توصیه های اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی^۲ نیز به سودمندی و فوریت تعلیم مسائل مربوط به محیط زیست در همه سطوح اشاره شده است. در برنامه محیط زیست سازمان ملل^۳، هم افزایش تحقیقات و مبادله اطلاعات مربوط به آموزش محیط زیست

حفاظت از محیط زیست، عبارت است از تلاش برای حفظ سلامت محیط و انسان ها، در سطوح شخصی، سازمانی یا دولتی، که باعث محافظت از محیط طبیعی می شود

در زمره اهداف فعالیت ها قرار گرفته است (مردای افرایی، ۱۳۹۰). مدل رمزی و ریکسون^۴ که بسیاری از محققان آن را با نام K-A-B می شناسند، فرض را بر این گذاشته است که دانش، آگاهی و نگرش و رفتارهای زیست محیطی رابطه ای خطی و مستقیم با هم دارند. در نتیجه، با افزایش دانش زیست محیطی، نگرش تقویت می شود و رفتار نسبت به موضوعات زیست محیطی بهبود می یابد.

از آنجا که سطوح سواد زیست محیطی شامل دانش، نگرش و رفتار است، باید پیش از همه روی باور نوازان تأثیر گذاشت و آن ها را نسبت به مسائل محیط زیست خود حساس کرد تا به رفتارهای خویش در این باره توجه کنند و البته همه این ها به دانش نیاز دارد. مربیان پیش دبستان قبل از هر چیز باید دانش خود را نسبت به مسائل محیط زیست افزایش دهند و به شیوه های مناسب، این سواد را به کودکان منتقل کنند. یک مثال جزئی در این مورد، توصیه تفکیک زباله ها و پسماندها به نوازان پیش دبستان است.

راهنمایی مدرسه طبیعت که هسته اصلی آن بردن نوازان به فضای سبز و طبیعت است، می تواند یکی از راهکارها برای نهادینه کردن سواد زیست محیطی در کودکان پیش دبستانی باشد.



مدل مفهومی رابطه توسعه پایدار، پیش دبستان و ارتقای سواد زیست محیطی

پی نوشت ها

1. Sustainable Development
2. IUCN
3. United Nations Environment Programme
4. Ramsy & Rickson

منابع

۱. پورجعفر، محمدرضا؛ خدائی، زهرا و پورخیری، علی. (۱۳۹۰). رهیافتی تحلیلی در شناخت مؤلفه ها، شاخص ها، و بازدهای توسعه پایدار شهری، مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال سوم، شماره ۳.
۲. عمرانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). «سواد زیست محیطی بخشی از سواد اطلاعاتی است». سخن هفته. شماره ۱۰۵.
۳. خلیلیان، صادق. (۱۳۷۸). توسعه پایدار و رفاه بهینه نسل ها. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۲۷.
۴. شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۵). جامعه شناسی توسعه. نشر حریر.
۵. مردای افرایی، زینب. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین باورهای معرفت شناختی و میزان سواد زیست محیطی معلمان بابل سر. پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی.
5. Wiebke Rögener, W., and Wormer, H. (2015). Defining criteria for good environmental journalism and testing their applicability: An environmental news review as a first step to more evidence based environmental science reporting. 24(3), Public Understanding of Science, 0963662515597195.



آموزش صلح در دوران کودکی

مقدمه

دوران کودکی زمانی است که توسعه توانایی‌های کودک در تمامی ابعاد پایه‌ریزی می‌شود. در این دوره، کودک مهارت‌های زبانی، شناخت، ظرفیت‌های اجتماعی-عاطفی و توانایی‌های جسمی بیشتر و هدفمندتر را به کار می‌گیرد. همان‌طور که مهارت‌های زبانی کودک رشد می‌کند، او از این قابلیت برای بیان نیازها، خواسته‌ها، ابراز احساسات و حل اختلافات به صورت زبانی استفاده می‌کند. توانایی شناختی کودک به آن‌ها اجازه می‌دهد تمایز بین خود و دیگران را دریابند. آن‌ها از مهارت‌های اجتماعی برای آزمون قابلیت‌های دوست‌یابی خود استفاده می‌کنند. به دلیل این گام‌های مهم در رشد، دوران کودکی مهم‌ترین زمان برای رشد مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای ایجاد و حفظ صلح است. بنابراین، اگر آموزش صلح در برنامه‌های دوران کودکی گنجانده شود، تجارب آن می‌تواند در ساختن ظرفیت‌های بعدی مانند همدلی، نظم عاطفی و کنترل رفتاری برای صلح بسیار تأثیرگذار باشد؛ زیرا این‌ها قطعات مهم شکل‌گیری فرهنگ صلح می‌باشند (مالر، ۲۰۰۹).

کلیدواژه‌ها: صلح، کودک، خانواده، اجتماع

ضرورت آموزش صلح

صلح مقوله‌ای خارج از زندگی نیست. هرچه با زندگی سروکار دارد، با صلح هم سروکار دارد. بودن صلح یعنی امکان وجود زندگی. صلح رابطه مستقیمی با امنیت دارد و امنیت نیز یعنی بودن در شرایطی که انسان بتواند آن را شناسایی و پیش‌بینی کند و در آن با امور قطعی روبه‌رو باشد. پس، آشنایی با صلح سن معینی نمی‌شناسد و از همان آغاز تولد انسان می‌تواند بودن یا نبودن آن را حس کند و با آن زندگی کند. صلح مثل هوا، مثل آب برای زندگی ضروری است و آغازی برای آموزش آن نمی‌توان تصور کرد. مفهوم صلح با مفهوم زندگی پیوند خورده است (نادینگز، ۲۰۰۸). اصولاً آموزش صلح به خانواده محدود

تفاوت‌های انسان‌ها با همدیگر، حل مسالمت‌آمیز مسائل، استفاده از روش‌های دوستانه برای تفهیم و تفاهم، مسلط بودن به تکنیک‌ها و روش‌های ارتباط کلامی مناسب و به‌کارگیری کلام به‌عنوان ابزاری برای ارتباط و تسلط بر عواطف است (روپنارین^۲ و دیگران، ۲۰۰۹).

برنامه‌درسی دوره‌پیش‌دبستان و آموزش صلح

برای آموزش صلح، برنامه‌درسی دوره‌پیش‌دبستان لازم است تجارب داخل طبیعت و فضای باز را شامل شود. همراه شدن این تجربه‌ها با بازی، ظرفیت یادگیری و فرصت‌های رشدی بیشتری را برای همه کودکان جهت تولید یک برنامه‌درسی صلح در دوره‌پیش‌دبستانی ایجاد می‌کند. فراهم کردن زمانی برای بودن در طبیعت، به کودک این اجازه را می‌دهد که فرصت‌های منحصر به فردی برای رشد در تمام حوزه‌های رشد شامل اجتماعی، عاطفی، شناختی، زبان و جسمی داشته باشد. برنامه‌ریزی حضور کودک در فضای باز و طبیعت به تقویت تناسب اندام، تعادل، چابکی، آگاهی از بدن، برنامه‌ریزی حرکتی و هماهنگی عضلات چشم و دست کمک می‌کند. همچنین، به کودک اجازه می‌دهد در برقراری ارتباط فعال‌تر با دیگران و کسب مهارت‌های اجتماعی - حرکتی، و فعالیت‌های شناختی شرکت کند. انجام دادن فعالیت‌های خارج از منزل باعث می‌شود کودک مدام در معرض چالش‌ها و مشکلات محیط زندگی واقعی قرار گیرد و یاد بگیرد از مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله در محیط پیوسته در حال تغییر و گاهی غیرقابل پیش‌بینی پیرامون خود استفاده کند. آزادی کودک و باز بودن محیط طبیعی ضمن بازی به مهارت‌های ارتباطی ضروری برای رشد زبانی، اجتماعی و احساسی او اجازه رشد می‌دهد. بودن در طبیعت به کودک این امکان را می‌دهد که الگوها، شباهت‌ها و تفاوت‌ها را با کارگیری تفکر انتقادی و مهارت‌های خلاقانه دریابد و در حالی که نوعی پیوند و بستگی با طبیعت ایجاد می‌کند، تصویر بزرگ‌تری از جهانی که در آن زندگی می‌کند، به دست آورد. بودن در طبیعت کمک می‌کند که کودک نظام و چرخه طبیعت را دریابد و به نقش انسان در دنیایی که زندگی می‌کند، پی ببرد. اگر کودک جهانی را که در آن زندگی می‌کند دریابد و به نقش انسان پی ببرد، جایگاه خود را در طبیعت درک می‌کند و درمی‌یابد چه تأثیری می‌تواند بر آن داشته باشند (سواتمن^۴ و دیگران، ۲۰۰۹).

محتوای آموزش صلح در دوران کودکی

برنامه آموزش صلح در دوران کودکی دارای چهار بعد احترام به خود، قدردانی از تنوع، حس عدالت، و آگاهی از همبستگی است. از این چهار بعد برای ایجاد فرهنگ صلح در میان کودکان در مراکز پیش‌دبستانی استفاده خواهد شد (الفونزو^۵، ۲۰۱۴).

۱ ارزش و احترام به خود

به منظور کمک به کودکان برای کسب مهارت‌های لازم برای ایجاد و حفظ روابط صلح‌آمیز با خود، مربیان پیش‌دبستانی لازم است به اهمیت ایجاد تصویری مثبت از خود در کودک پی ببرند؛ تصویری که مبتنی بر دوست داشتن و احترام به خود باشد. کودکان با یادگیری دوست داشتن، عشق ورزیدن و محبت، به ارزش وجودی خود پی می‌برند. بادرک ارزش

آموزش صلح به خانواده محدود نمی‌شود و اجتماع نیز نقش عمده‌ای در ایجاد فرهنگ صلح دارد. همه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی که با کودکان و نوجوانان سروکار دارند، باید به این موضوع مهم توجه کنند و برنامه‌هایی هماهنگ و همسو برای ترویج فرهنگ صلح داشته باشند. مراکز پیش‌دبستانی، مدرسه و نظام آموزشی از مهم‌ترین بخش‌هایی است که باید به این موضوع بپردازد. به‌طور کلی، هر کس و هر جا که با کودکان سروکار دارد باید از وجود کودک، ویژگی‌های او و نیازهای واقعی‌اش باخبر باشد و برنامه‌هایی مناسب برای آن‌ها داشته باشد. پس توجه به صلح در ارتباط با کودکان در جامعه نیز باید با توجه به ویژگی‌های کودکان باشد. برای آموزش صلح به کودکان، بهتر است به مفهوم صلح در مراکز پیش‌دبستانی، مدرسه و جامعه، و در برنامه‌ها و کارهایی که برای کودکان ارائه می‌شود، اهمیت داده شود. صلح نه به معنای وجود امنیت و نبود تهدید، بلکه پذیرش



۲ ارزش‌گذاری و احترام به تنوع

کودکان معمولاً تفاوت‌ها را از نظر رنگ پوست و جنسیت را درک نمی‌کنند. درک تنوع و تفاوت‌ها به معنای درک مثبت متفاوت بودن خود از دیگران است. مربیان پیش‌دبستانی لازم است به کودکان کمک کنند تا تنوع در نژاد، فرهنگ، سن، سطح توانایی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، ساختار خانواده و جنسیت را درک کنند و به آن‌ها احترام بگذارند.

ایجاد فرهنگ صلح از شکل‌گیری کلیشه‌ها و تعصبات جلوگیری می‌کند و کودک را یاری می‌دهد که با درک آداب و رسوم و فرهنگ‌ها، رفتارها، شیوه‌های تفکر و شیوه‌های مدیریت بتواند این تنوع را بهتر درک کند. او می‌آموزد به همه اقوامی که در ایران زندگی می‌کنند احترام بگذارد. یاد می‌گیرد که مردم ترک، لر، بلوچ، ارمنی، گیلک، عرب، فارس و... همه قابل احترام‌اند و هیچ قومی برتر از قومی دیگر نیست.

کودک می‌آموزد بومیان منطقه خود را بشناسند و به خرد بومیان و اقوام مختلف احترام بگذارد. به هیچ کس اجازه ندهد که قومی را تحقیر کند. او یاد می‌گیرد که هیچ فرقی بین انسان‌ها از بابت رنگ و نژاد آن‌ها وجود ندارد. نباید انسان‌ها را براساس رنگ چهره‌شان نام‌گذاری یا شناسایی کرد. رنگ و نژاد امتیازی برای ارزشمند بودن نیست. هر انسانی حق دارد به زبان خود صحبت کند. احترام گذاشتن به هر زبانی یعنی احترام گذاشتن به پیشینه فرهنگی مردم که به آن زبان صحبت می‌کنند. توجه به انواع زبان‌هاست که می‌تواند زبان ما را غنی کند (کونزالز، ۲۰۰۸).

۳ احساس عدالت

دوران کودکی بهترین زمان برای آموزش ارزش و اهمیت عدالت و انصاف است. کودکان نیازها و خواسته‌های متعدد و متنوعی دارند؛ بنابراین، لازم است مربی پیش‌دبستانی به آنان آموزش دهد که در محیط کلاس کودکان با نیازهای متنوعی وجود دارند و گاهی لازم است از نیاز خود دفاع کنند و گاهی نیز نیاز خود را بخشی از نیاز گروه ببینند. همچنین، مربی پیش‌دبستانی لازم است از بی‌عدالتی‌های دنیای اطراف خود آگاهی داشته باشد تا بتواند به کودکان در درک آن‌ها از طریق طرح سؤال و پرسشگری کمک کند. او با بهره‌گیری از ادبیات کودکان می‌تواند به کودکان برای درک صلح و مفهوم عدالت و انصاف کمک کند.

بهره‌گیری از ادبیات نقادانه به کودکان کمک می‌کند تا با طرح سؤال‌آلاتی، خود و دنیایشان را بهتر

وجودی خود، کودک به این باور دست می‌یابد که شایسته جامعه‌ای درست و صلح‌آمیز است. بنابراین، برای دستیابی به آن تلاش می‌کند. او درمی‌یابد اگر برای خود ارزش و احترام قائل نشود، نمی‌تواند بهترین شرایط را برای خود و دیگران پیش‌بینی کند.

برای این کار مربیان باید روابط مبتنی بر اعتماد را بین خود و کودکان ایجاد کنند. همچنین، لازم است کمک کنند تا کودک با همسالان خود روابط دوستانه و مبتنی بر علاقه و اعتماد ایجاد کند. با ایجاد یک رابطه دلنشین و مبتنی بر اعتماد، ظرفیت مراقبت از دیگران در کودک رشد می‌یابد. این امر خود به ایجاد فرهنگ صلح کمک می‌کند.

باید فرصت درک احساس موفقیت و خودکارآمدی و ارزشمند بودن به همه کودکان داده شود. برای این کار، لازم است مربی به کودکان اجازه دهد که خود کارشان را انجام دهند. به تلاش‌های تک‌تک آن‌ها احترام بگذارد و به آن‌ها حق انتخاب بدهد. این کار به استقلال و ابتکار کودک کمک می‌کند. مربی می‌تواند کودکان را برای قدم زدن به طبیعت و فضای آزاد ببرد و بخواهد به کشف محیط اطراف بپردازند. لازم است مربی به نیازهای کودک احترام بگذارد و به او کمک کند تا با خود به صلح برسد. صلح با خود مستلزم پیمودن مراحل زیر است:

✓ **شناخت خود یا خودآگاهی:** صلح با خود نخستین گام صلح برای با دیگران است و سه جزء اساسی شامل افکار، احساسات یا هیجانات، و رفتار دارد. افکار، هیجانات کودک را شکل می‌دهد و هیجانات، رفتار کودک را سبب می‌شود. **اولین گام صلح با خود،** شناخت این سه بخش اصلی خود است. شناخت خطاهای شناخت و اصلاح آن‌ها، در روند تفکر نقش اساسی دارد. مهم‌ترین خطاهای شناخت عبارت‌اند از: تعمیم یا قضاوت کلی، منفی‌گرایی یا تأکید بر جنبه‌های منفی پدیده‌ها، مشخص‌سازی یا مقصر دانستن خود در همه اتفاقات و موارد، فراقتنی یا مقصر دانستن دیگران در همه اتفاقات و موارد، بزرگ‌نمایی یا بزرگ نشان دادن واقعیت‌ها و رویدادها، کوچک‌نمایی یا کوچک نشان دادن واقعیت‌ها و رویدادها، سوءظن یا بدگمانی به همه انسان‌ها و موارد بدون بررسی و تحقیق، پیش‌گویی یا تجزیه و تحلیل رویدادها بدون تحلیل منطقی، انکار یا ندیدن واقعیت‌ها به جای بررسی آن‌ها.

هیجانات یا عواطف، حالت‌های درونی هستند که از افکار انسان ناشی می‌شوند. شناخت عواطف یا هیجانات، بیان درست آن‌ها و در نتیجه، مدیریت بر آن‌ها تعادل هیجانی برقرار می‌سازد که رفتارهای فرد را شکل می‌دهد. رفتار، واکنش‌های عملی انسان در برابر رویدادهاست.

✓ **یادگیری توانایی برقراری ارتباط مؤثر و مناسب با دیگران** **گام دوم صلح با خود است.** انسان موجودی اجتماعی است و بدون این توانایی، که آموختنی است، نمی‌تواند با دیگران رفتاری مسالمت‌آمیز داشته باشد.

✓ **یادگیری شیوه‌های حل مسئله:** زندگی همیشه با مشکلاتی همراه است که الزام‌آور است؛ بنابراین، نباید انتظار داشت مشکل وجود نداشته باشد بلکه باید راه‌حل مشکلات را آموخت. این سه گام، یعنی شناخت افکار و احساسات و رفتارها، توانایی برقراری ارتباط مؤثر و مناسب با دیگران، و توانایی حل مسئله، صلح با خود را امکان‌پذیر می‌سازد که لازمه صلح با دیگران است (الفونزو، ۲۰۱۴).

سه گام، یعنی شناخت افکار و احساسات و رفتارها، توانایی برقراری ارتباط مؤثر و مناسب با دیگران، و توانایی حل مسئله، صلح با خود را امکان‌پذیر می‌سازد که لازمه صلح با دیگران است



خلاقانه درگیر می‌کنند. خلاقیت، و ارائه ایده‌های نو، نقش مهمی در توسعه توانایی‌های کودکان برای صلح ایفا می‌کند. با مجموعه‌ای از مهارت‌های خلاقانه، تصور راه‌حل‌ها و امکانات خلاقانه فرایند آموزش صلح به کودکان ساده‌تر می‌شود. تمرین مهارت‌های تصویرسازی و مدل‌سازی می‌تواند به شکل‌گیری فرهنگ صلح کمک کند. برای این کار لازم است مربی از خلاقیت و تخیل کودکان بهره گیرد. چارچوب پیشنهاد شده به مربیان در ادغام آموزش صلح در برنامه درسی پیش از دبستان کمک می‌کند. آموزش ارزش‌گذاری و احترام به خود، ارزش‌گذاری و احترام به تنوع، احساس عدالت و همبستگی به کودکان کمک می‌کند تا به شهروندانی جهانی تبدیل شوند و به ایجاد جهانی پر از صلح کمک کنند (آلفونزو، ۲۰۱۴).

پی‌نوشت‌ها

1. Maller
2. Noddings
3. Roopnarine
4. Sweatman
5. Alfonso
6. Gonzalez
7. Interconnectedness
8. Allison
9. McDaniel

منابع

1. Alfonso, Stacey M. (2014) Peace Education in Early Childhood Education, Journal of Peace education and Social Justice, Volume 8 Number 2 (2014): 167-188
2. Allison, P., Carr, D., & Meldrum, G. (2012). Potential for excellence: interdisciplinary learning outdoors as a moral enterprise. *Curriculum Journal*, 23(1), 43-58.
3. Gonzalez-Mena, J. (2008). *Diversity in early care and education: Honoring differences*. Boston, MA: McGraw-Hill.
4. Maller, C. (2009). Promoting Children's Mental, Emotional and Social Health through Contact with Nature: A Model. *Health Education*, 109(6), 522-543.
5. McDaniel, Cynthia. (2004). Critical literacy: A questioning stance and the possibility for change. *The Reading Teacher*, 57(5), 472-481.
6. Noddings, Nel. (2008). "Caring and Peace Education." In *Encyclopedia of Peace Education*, edited by Monisha Baja. Charlotte, NC: Information Age Publishing, Inc.
7. Roopnarine, J. L., & Johnson, J. E. (2009). *Approaches to early childhood education*. Upper Saddle River, NJ: Merrill/Pearson.
8. Sweatman, M., & Warner, A. (2009). Integrating Nature Experiences into Early Childhood Education. *Canadian Children*, 34(2), 4-9.

شناسند و به تغییر آن‌ها کمک کنند. کتاب‌های قصه کودکان با موضوعات عدالت اجتماعی و پرسش‌های مطرح شده بعد از آن می‌تواند به شکل‌گیری مفهوم صلح در ذهن کودکان کمک نماید. زمینه‌سازی و آموزش مراقبت از گیاهان و حیوانات به کودکان در درک مراقبت از دیگران کمک می‌کند و مفهوم درست بودن و انصاف را به آن‌ها یاد می‌دهد.

۱۴ همبستگی^۷

برای پرورش حس همبستگی در کودکان، لازم است به آنان فرصتی داده شود تا خود را به عنوان بخشی از یک کل، برای حل تعارض و مشکل ببینند و به حل مشکلات خود و محیط اطراف خویش را به روشی منصفانه و عادلانه حل کنند. به عبارت دیگر، برای ایجاد جامعه‌ای صلح‌آمیز، فرد باید به روابط خود با دیگران پی ببرد. بنابراین، مربی پیش‌دستانی لازم است زمینه‌های تعامل مثبت و سازنده بین کودک با همسالانش و بزرگسالان را فراهم کند؛ روابطی که مبتنی بر گفت‌وگو باشد (الیسون^۸ و دیگران، ۲۰۱۲).

نقش تفکر انتقادی و خلاقیت در آموزش صلح

آموزش تفکر انتقادی در ایجاد چهار بعد آموزش صلح نقشی اساسی دارد؛ زیرا به کودکان کمک می‌کند تا بتوانند به چالش‌های جهانی بپردازند و مسائل فعلی و موقعیت‌های ناعادلانه را مورد سؤال قرار دهند. اگر کودکان بخواهند مشکلات را شناسایی و برای آن‌ها راه‌حل‌های خلاقانه پیدا کنند، باید بتوانند مشکلات را با دیدی انتقادی ببینند. مربی برای آموزش سواد انتقادی به کودکان، لازم است از آن‌ها بخواهد درباره آنچه می‌خوانند فکر کنند. به کارگیری فکر و پاسخ دادن به سؤالات برای دوره قبل از دبستان کاملاً کاربردی است (امسی دنیل^۹، ۲۰۰۴).

تفسیر کردن، تعجب کردن، سؤال کردن و مطرح کردن دیدگاه خود درباره یک چیز می‌تواند به رشد تفکر انتقادی در کودکان کمک کند. این کار می‌تواند از طریق مشاهده یک تصویر، پاسخ دادن به نظرات دیگران و ایجاد ارتباط بین اطلاعات جدید و قبلی ممکن انجام شود.

کودکان به طور طبیعی کنجکاو و در مورد چیزهای جدید هیجان‌زده‌اند. آن‌ها در مرحله تخیل و خلاقیت قرار دارند و به طور طبیعی خود را در بازی‌های تخیلی با استفاده از فرایندهای

تفسیر
کردن، تعجب
کردن، سؤال
کردن و
مطرح کردن
دیدگاه خود
درباره یک
چیز می‌تواند
به رشد تفکر
انتقادی در
کودکان کمک
کند



شناسایی صلاحیت‌های حرفه‌ای مورد نیاز مدیران مراکز پیش دبستان و بررسی وضع موجود و مطلوب

این پژوهش با هدف بررسی صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران مراکز پیش‌دبستان با روش پیمایش اجرا گردید. جامعه آماری، کلیه مدیران مراکز پیش‌دبستان تهران در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ برابر ۴۵۱ می‌باشد. حجم نمونه آماری، تعداد ۲۱۰ نفر است که براساس جدول تقسیم حجم نمونه مورگان با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه می‌باشد که روایی آن از طریق ۲۰ نفر از صاحب‌نظران بررسی شد. پایایی آن هم با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه گردید و ضریب پایایی آن ۰.۸۴٪ به دست آمد. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مهم‌ترین صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران آموزشی مراکز پیش‌دبستان عبارت‌اند از: صلاحیت‌های مدیریتی و رهبری، صلاحیت‌های اجتماعی، صلاحیت‌های فناوریانه (تکنولوژیکی)، صلاحیت‌های فردی، صلاحیت‌های اقتصادی (شغلی و کاری)، صلاحیت‌های معنوی، اخلاقی و مذهبی، صلاحیت‌های هوشی (فکری)، صلاحیت‌های پژوهشی، صلاحیت‌های محیطی، صلاحیت‌های جهانی و بین‌المللی، صلاحیت‌های سیاسی و صلاحیت‌های فرهنگی. بعد از شناسایی صلاحیت‌های مورد نیاز، یافته‌ها به بررسی این صلاحیت‌ها پرداخت که مشخص شد وضع موجود و مطلوب در کلیه مؤلفه‌های صلاحیت دارای تفاوت معنادار است ($p < 0/001$). برنامه‌ریزی برای ایجاد و توسعه این صلاحیت‌ها در مدیران آموزشی این مراکز، به دست‌اندرکاران نظام آموزشی توصیه می‌گردد.

۴۰ | رشد آموزش پیش دبستانی | دوره نهم | شماره ۲ | زمستان ۱۳۹۶

مقدمه

در بین نهادهای اجتماعی، آموزش و پرورش در جامعه نقش مهمی ایفا می‌کند و از قدمت زیادی برخوردار است. در اکثر کشورهای جهان، سرمایه‌گذاری برای تربیت نیروی انسانی از جمله مسائل مهمی است که همواره ذهن مسئولان و مدیران جوامع را به خود مشغول می‌دارد. نقش نیروی انسانی در توسعه جامعه به قدری حائز اهمیت است که به عقیده برخی از اقتصاددانان، منابع انسانی متخصص و ماهر، بزرگ‌ترین دارایی و سرمایه اصلی جامعه محسوب می‌شوند. امروزه آموزش و پرورش دوره پیش‌دبستان بیش از هر زمان دیگری ضرورت، اهمیت و حساسیت پیدا کرده است. کار با کودکان، مربیان و والدین در سطوح مختلف پیش‌دبستانی (مراکز مراقبت، مهدکودک و کودکستان) به سرپرستی، نظارت و مدیریت دقیق و علمی نیاز دارد. مجهز کردن مدیران و مربیان به دانش و شیوه‌های نوین مدیریت در این سطح، در حکم نوعی سرمایه‌گذاری برای ارتباط صحیح با نیروی انسانی، کودکان و خانواده‌هاست و بهره‌گیری از اندیشه‌های علمی و کاربردی به کارایی مثبت در این سطح می‌انجامد. این زمانی میسر است که علاوه بر ایجاد آمادگی، مدیران شیوه‌های علمی مدیریت را با توجه به شرایط و امکانات و ارزش‌های فردی و اجتماعی انتخاب و به‌طور صحیح اعمال کنند (mofidi, 2011). شناسایی، انتخاب و به‌کارگیری مدیران با صلاحیت‌های حرفه‌ای^۱، به عنوان یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها و دغدغه‌های مراکز پیش‌دبستان در کشور محسوب می‌شود و اولین گام در راستای برطرف کردن این دغدغه، شناسایی و تعریف صلاحیت‌های حرفه‌ای مورد نیاز مدیران این مراکز است. این موضوع در کشورهای مختلف بررسی شده و نتایج متفاوتی نیز از این بررسی‌ها به دست آمده است. صلاحیت به مجموعه‌ای از دانش، نگرش‌ها، مهارت‌ها و سایر خصوصیات شخصی وابسته اطلاق می‌شود که بر یک بخش اصلی شغل تأثیر می‌گذارد، و می‌تواند در مقایسه با استانداردهای کاملاً پذیرفته شده اندازه‌گیری شود و از طریق بازآموزی و تجربه توسعه و بهبود یابد (انستیتو مدیریت پروژه، ۲۰۰۴). این مؤسسه ابعاد صلاحیت را به شرح زیر بیان کرده است:

سازمان ملل متحد در تشریح صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مدیریتی، قابلیت و شایستگی را ترکیبی از ویژگی‌های شخصی و شخصیتی، مهارت‌ها، خصوصیات و رفتارهایی می‌داند که به‌طور مستقیم بر عملکرد فرد تأثیر دارد

- **توانایی‌ها:** (استعداد) کیفیت توانایی انجام کار، مهارت‌ها و استعدادهای کسب شده طبیعی؛
 - **نگرش‌ها:** احساسات، باورها و تمایلات رفتاری نسبتاً پایدار و جهت‌گیری به سوی اشخاص خاص، گروه‌های ویژه مسائل و اهداف ویژه؛
 - **رفتار:** شیوه‌ای که در آن فرد در شرایط ویژه‌ای عمل می‌کند یا خود را در آن شرایط هدایت می‌نماید؛
 - **دانش:** مجموعه‌ای از اطلاعات مفهومی، واقعی و نظام‌مند که می‌تواند مستقیماً در روند عمل کردن به وظایف به کار رود؛
 - **شخصیت:** یک سازمان منحصربه‌فرد نسبتاً ثابت و پایدار از مجموعه خصوصیات، تمایلات و منش‌هایی که یک فرد را توصیف، و تعامل او را با محیط تعیین می‌کند؛
 - **مهارت‌ها:** تسلط، راحتی، آسانی، تبحر و زبردستی که از طریق کارآموزی یا تجربه به دست می‌آید. هنر، پیشه یا فنی که به استفاده از دست‌ها، بدن، یا ذهن نیازمند است (PMBOK, 2004).
- سازمان ملل متحد در تشریح صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مدیریتی، قابلیت و شایستگی را ترکیبی از ویژگی‌های شخصی و شخصیتی، مهارت‌ها، خصوصیات و رفتارهایی می‌داند که به‌طور مستقیم بر عملکرد فرد تأثیر دارد. سازمان ملل دو دسته شایستگی ارائه نموده است: الف. قابلیت‌های محوری شامل: توانایی و مهارت‌های ارتباطی، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری، کارگروهي، مشتری‌مداری، تعهد برای یادگیری مستمر، برنامه‌ریزی و سازماندهی، خلاقیت، آگاهی‌های فناورانه (تکنولوژیکی). ب. قابلیت‌های تکمیلی شامل رهبری، داشتن چشم‌انداز، توانمندسازی دیگران، مدیریت بر عملکرد، اعتمادآفرینی قضاوت و تصمیم‌گیری (saemian, 2009). انستیتو شایستگی (۲۰۰۵) به نقل از لبادی (labadi, 2007) در تحقیقات خود صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران آموزش را به شرح زیر پیشنهاد کرده است:
۱. شایستگی‌های دانش، شامل: الف. دانش بنیادی - کاربردی ب. دانش حرفه‌ای
 ۲. شایستگی‌های عملی حرفه‌ای
 ۳. مدیریت عملیاتی و فرایندهای کار
 ۴. صلاحیت‌های مدیریت خود
 ۵. ارتباط
 ۶. بسیج نوآوری و تغییر
- رامسدان (Ramsdan, 2001) ویژگی‌ها و صلاحیت‌های زیر را برای رهبری مطلوب نظام آموزشی، لازم دانسته است:
- صلاحیت درک اهداف خاص گروه یا توسعه و بیان واضح و روشن مقاصد مبنی بر آن اهداف، به نحوی که وظایف عادی اداری، فعالیت‌های کوتاه‌مدت و چشم‌انداز گروه را تحت الشعاع قرار ندهد.
 - صلاحیت تغییر و تبدیل اهداف به فعالیت‌ها
 - صلاحیت هدایت، ایجاد انگیزه و برقراری ارتباط با کارکنان.

وی علاوه بر این صلاحیت‌ها، سه ویژگی فردی را برای رهبری آموزشی مطلوب معرفی می‌کند که عبارت‌اند از:

الف. اعتماد به نفس: این ویژگی زمینه لازم را برای مشورت موفقیت‌آمیز و شجاعت برای اتخاذ تصمیم‌های راسخ فراهم می‌آورد. اعتماد به نفس از طریق تجربه، تفکر و دانش حرفه‌ای کسب می‌شود.

ب. تقدیر از تنوع: این ویژگی به رهبران اجازه می‌دهد که به اهداف گوناگون، برنامه و نیازها و نقاط قوت کارکنان توجه کنند و از این نگرش، که فقط یک نظام صحیح برای واحد کار وجود دارد، بپرهیزند.

ج. استقبال از تعامل و برقراری ارتباط با نیروی انسانی در محیط آموزشی.

استانداردهای مهارتی و آموزشی مدیران پیش‌دبستانی (۲۰۱۳) در آمریکا^۲ عبارت‌اند از: متخصص و باتجربه بودن، حامی و پشتیبان مؤثر بودن در سازماندهی، تحقق بخشیدن به اهداف، نظارت بر اجرای برنامه، برآورده کردن انتظارات سطح بالای گروه، اهمیت دادن به همکاری، گذراندن آموزش‌های رسمی، برقراری ارتباط مؤثر با والدین، توجه به گوناگونی زبانی و فرهنگی، خودسنجی، ایجاد فرصت برای پیشرفت و ترقی حرفه‌ای. لافرنی^۳ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «ارتقای حرفه‌ای مدیران و مربیان دوره اوان کودکی و کیفیت آموزشی کلاسی در دوره پیش‌دبستانی» به بررسی رابطه میزان مهارت‌آموزی، مدرک تحصیلی و آموزش مربیان با کیفیت عملکرد در مراکز پیش‌دبستانی اکلاهما پرداخت، او به این نتیجه رسید که تعاملات مناسب بین بزرگسالان و کودک، استفاده از ابزار و وسایل و رابطه مناسب با والدین در مراکز رعایت می‌شود که مدیران دارای مدرک تحصیلی دانشگاهی هستند و اغلب آن‌ها دوره‌های مهارت‌آموزی مختص اوان کودکی را به میزان کافی گذرانده‌اند. مؤسسه ارتقای رشد حرفه‌ای در سال‌های اولیه کودکی^۴ (۱۹۵۹) صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران مراکز پیش‌دبستان را در شش حوزه زیر تعریف می‌کند: ۱. مدیریت آموزشی برنامه‌های کودکان ۲. برنامه‌ریزی مالی برنامه‌های کودکان ۳. مدیریت عملیاتی برنامه‌های کودکان ۴. مدیریت محیط بیرونی برنامه‌های کودکان ۵. مدیریت طراحی برنامه‌های باکیفیت مفید برای خانواده و کودکان ۶. سمینار مدیریت آموزشی برنامه‌های کودکان؛ این شش حوزه نیز به ۱۸ زیر مؤلفه جزئی تقسیم می‌شوند. مؤسسه صلاحیت‌های کلیدی تگزاس برای مدیران مراکز آموزشی سال‌های اولیه کودکی^۵ (۲۰۱۳) شش حوزه صلاحیتی تعریف می‌کند: ۱. مدیریت نگهداری سازمان مؤثر، ۲. مدیریت عملیاتی و بازاریابی، ۳. رهبری و رشد منابع انسانی، ۴. مدیریت نگهداری محیط امن و سالم، ۵. اجرای یک برنامه درسی و محیط مناسب به لحاظ رشدی، ۶. اجرای برنامه‌های خانواده و اجتماع محور. مؤسسه صلاحیت‌های کلیدی فلوریدا برای مدیران آموزش اوان کودکی^۶ (۲۰۱۱) صلاحیت‌های کلیدی را در شش حوزه: ۱. مدیریت سازمانی و برنامه‌ریزی در هشت مؤلفه، ۲. مدیریت مالی قانونی در نه مؤلفه، ۳. مدیریت

شخصی در هفت مؤلفه، ۴. مدیریت سلامت، امنیت، تغذیه و آموزش در هشت مؤلفه، ۵. روابط خانوادگی و اجتماعی در شش مؤلفه، ۷. رهبری در پنج مؤلفه شناسایی می‌کند. مرکز توصیف شغل مدیران آموزش سال‌های اولیه کودکی^۷ (۲۰۱۵) صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیریت را به پنج حوزه: ۱. مدیریت کارکنان، ۲. مدیریت خانواده‌ها، ۳. مدیریت تسهیلات، ۴. مدیریت جامعه، ۵. مدیریت سازماندهی شناور تقسیم می‌کند. مؤسسه دانشگاهی دلوور^۸ صلاحیت‌های مدیران آموزش اوان کودکی (۲۰۱۴) را در چهار حوزه: ۱. مدیریت برنامه رشد و ارزشیابی در ۱۳ مؤلفه، ۲. مدیریت کارکنان در ۱۲ مؤلفه، ۳. مدیریت مالی در ۱۳ مؤلفه و ۴. مدیریت اجرا در ۱۴ مؤلفه طبقه‌بندی می‌کند. مرکز مطالعه برای استخدام و نگهداری کودک بر کلی^۹ (۲۰۰۸) صلاحیت‌های مدیران مراکز نگهداری از کودکان را در هفت حوزه شامل: ۱. تعاملات حرفه‌ای، ۲. رهبری، ۳. مدیریت سازمانی، ۴. مدیریت مالی، ۵. مدیریت منابع انسانی، ۶. استانداردهای کیفیت، سیاست و نظم، و ۷. برنامه فلسفی و ارزشیابی طبقه‌بندی می‌کنند. دپارتمان نگهداری و آموزش سال‌های اولیه کودکی ماساچوست^{۱۰} (۲۰۱۰) صلاحیت‌های مدیران مراکز را به مؤلفه‌های ۱. ادراک رشد و توسعه کودکان و خردسالان، ۲. راهنمایی و تعامل با کودکان و خردسالان، ۳. مشارکت با خانواده‌ها و جامعه، ۴. سلامتی، ایمنی و تغذیه، ۵. یادگیری و برنامه درسی، ۶. مشاهده، ارزیابی و مستندسازی، ۷. طراحی و ارتقای برنامه، و ۸. حرفه‌گرایی و رهبری تقسیم می‌کند. حوزه دانش و صلاحیت‌های کلیدی نوادا^{۱۱} (۲۰۰۷) صلاحیت‌های مدیران را شامل ۱. رشد و ارتقای منابع انسانی، ۲. تعامل مثبت و راهنمایی، ۳. مشاهده و ارزیابی، ۴. محیط و برنامه درسی، ۵. سلامتی، تغذیه و ایمنی، ۶. روابط خانوادگی و اجتماعی، ۷. رهبری و رشد حرفه‌ای، و ۸. مدیریت و مدیریت آموزشی می‌داند. صلاحیت‌های کلیدی دانش، برای مربیان سال‌های اوان کودکی ایالت نیویورک^{۱۲} (۲۰۱۵) هفت حوزه صلاحیتی مدیران را این گونه طبقه‌بندی می‌کند: ۱. رشد و ارتقای کودک، ۲. روابط خانواده و جامعه، ۳. مشاهده و ارزیابی، ۴. محیط و برنامه درسی، ۵. سلامتی، ایمنی و تغذیه، ۶. حرفه‌گرایی و رهبری، و

قابلیت‌های تکمیلی شامل رهبری، داشتن چشم‌انداز، توانمندسازی دیگران، مدیریت عملکرد، اعتماد آفرینی و قضاوت و تصمیم‌گیری می‌باشد

۷. رهبری و مدیریت آموزشی و نیز در هریک از این سطوح بیان شده، صلاحیت‌های کلیدی مخصوص هر کدام نیز دسته‌بندی شده است. آموزش و نظارت صلاحیت‌های کلیدی برای متخصصان حرفه‌های سال‌های اولیهٔ کودکی ایالت کانزاس و میسوری^{۱۳} (۲۰۰۱) هشت حوزهٔ ۱. رشد کودک، ۲. محیط یادگیری و برنامهٔ درسی، ۳. ارزیابی و مشاهدهٔ کودک، ۴. خانواده و جوامع، ۵. سلامتی، امنیت و تغذیه، ۶. تعامل با کودکان، ۷. برنامه‌ریزی، ۸. رشد حرفه‌ای و رهبری را معرفی می‌کند. هر کدام از این هشت حوزه محتوایی پنج سطح دارند که دامنهٔ آن‌ها از مهارت‌ها و دانش‌های مبتدی آغاز می‌شود و تا پیشرفته‌ترین مهارت و دانش گسترده می‌شود. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور و وزارت کار و امور اجتماعی، با انجام دادن مطالعات کارشناسی در سال ۱۳۸۱، استانداردهای مهارتی و آموزشی مدیران مهدکودک را فقط در بعد توانایی، در هفت مؤلفهٔ کلی معرفی کرد: ۱. توانایی مدیریت آموزشی در مهدکودک و مراکز پیش‌دبستانی در ۳۱ مؤلفه، ۲. توانایی برنامه‌ریزی آموزشی در مهدکودک در ۱۵ مؤلفه، ۳. توانایی سازماندهی و ایجاد هماهنگی در ۱۹ مؤلفه، ۴. توانایی ادارهٔ بهداشتی و مالی مهدکودک در ۱۳ مؤلفه، ۵. توانایی تحقیق در زمینهٔ مدیریت آموزشی در هفت مؤلفه، ۶. توانایی تهیه و ساخت چند وسیلهٔ آموزشی در سه مؤلفه، و ۷. توانایی پیشگیری از حوادث، رعایت نکات ایمنی و بهداشتی در چهار مؤلفه. سازمان بهزیستی کشور (۲۰۱۱) در «دستورالعمل تأسیس، اداره و انحلال انواع مهدکودک» در (دستورالعمل آموزشی ارتقای دانش و مهارت مدیران و مربیان مهدهای کودک) در ۳۳ بند فقط به حوزهٔ شرح وظایف مدیر اشاره می‌کند که ارتباط مفهومی و عملیاتی اندکی با مسئولیت‌ها و وظایف مدیران مراکز پیش‌دبستانی دارد. علیزاده تبریزی (Alizade, 2009) در پژوهشی با عنوان «بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران مراکز پیش‌دبستانی شهر کرج»، صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران را در سه حوزه مورد مقایسه قرار می‌دهد و نتایج زیر را گزارش می‌کند: الف. صلاحیت آموزشی - علمی مدیران مراکز پیش‌دبستانی شهرستان کرج که شامل شناسایی نیازهای آموزش، آگاهی از روش‌های جدید تدریس،

قابلیت‌های محوری شامل: توانایی و مهارت‌های ارتباطی، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری، کار گروهی، مشتری‌مداری، تعهد برای یادگیری مستمر، برنامه‌ریزی و سازماندهی، خلاقیت، آگاهی‌های فناورانه (تکنولوژیکی)

توانایی احساس درک تفاوت‌های فردی، حساسیت نسبت به رفتارهای غیرعادی کودکان، تجربهٔ آموزشی، کسب اطلاعات جدید دربارهٔ مدیریت، مرتبط بودن مدرک تحصیلی، برخورداری از دانش نظری و عملی، احساس آزادی در مربیان، حمایت و پشتیبانی از گروه آموزشی است، در سطح متوسط به بالا، ب. در قسمت صلاحیت مدیریتی که شامل توانایی درک نیازها و استعدادها و مشکلات مربیان، درک و رسیدن به توافقات دوجانبه، تشویق ساختار گروهی، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری، استعداد رهبری، استفاده از منابع مالی، واگذاری مسئولیت به افراد لایق، شناسایی اجزا و عناصر سازمان، تصمیم‌گیری و سازماندهی است، در سطح متوسط و ج. صلاحیت اخلاقی - شخصیتی که شامل تحلیل عملکرد خود، بی‌ریا بودن، صداقت و وفاداری، برخورداری از توان ذهنی و هوشی، برخورد منطقی با اشتباهات دیگران، مهارت در ارتباط برقرار کردن با والدین، آراستگی ظاهر، قدرشناسی، عکس‌العمل‌های مناسب در برابر رفتار و گفتار افراد، خونگرمی، آرمان‌گرایی و واقع‌بینی بود، در حد بالایی ارزیابی می‌شود و در نتیجه، این صلاحیت بیش از صلاحیت‌های دیگر آنان است. سلحشور (Salahshor, 2009) در پژوهشی که با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در کارایی مدیریت مدارس از نظر مدیران و دبیران دبیرستان‌های شهر اصفهان» انجام داد، به نتایج زیر دست یافت: این پژوهش از جهت کارایی در نه عامل انجام شده و با هدف آزمون یک فرضیهٔ کلی که در بین نظرات مدیران و دبیران در مورد عوامل مؤثر در کارایی مدیریت مدرسه تفاوت اساسی وجود دارد و با اهداف بررسی نظرات مدیران در زمینهٔ نقش هر یک از عوامل نه‌گانه (برنامه‌ریزی، سازماندهی، کنترل، ارزشیابی، ویژگی‌های فردی مدیر، روابط انسانی، مناسبت‌های اجتماعی، توجه به آموزش و یادگیری دانش‌آموزان، امکانات و تسهیلات و تکنولوژی آموزشی و هدایت و رهبری) در افزایش کارایی مدیریت مدرسه اجرا شد و نتایج آن به شرح زیر است: بین نظرات مدیران و دبیران در مورد عوامل مؤثر بر کارایی عوامل نه‌گانه مدیریت تفاوت اساسی وجود دارد. در هشت عامل برتری از آن مدیریت بود و فقط در یک عامل (توجه به آموزش و یادگیری دانش‌آموزان) این برتری مشاهده نشد. عوامل نه‌گانه در بالا در افزایش کارایی مدیریت مدرسه مؤثرند. مدیران رابطه‌مدار نسبت به مدیران وظیفه‌مدار اثربخشی رفتاری بیشتری دارند و با ۹۵/۰ درصد اطمینان، میان سابقهٔ مدیریت و اثربخشی رفتار مدیران از نظر مافوق و معلمان رابطهٔ معنی‌دار وجود دارد و این رابطه از نوع مستقیم است؛ یعنی، هر قدر به سنوات تجربی مدیران افزوده می‌شود، اثربخشی رفتاری آنان افزایش می‌یابد. نجف‌زاده (nafzade, 2009) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در کارآمدی مدیریت مدارس ابتدایی از دیدگاه معلمان» به این نتایج رسید: عوامل مؤثر شامل مهارت‌ها، شیوه‌ها، نقش‌های مدیریت، روابط انسانی و ویژگی‌های فردی می‌شوند و نتایج زیر به دست آمد: با ۹۹/۰ درصد اطمینان بین عوامل (شیوه‌های مدیریت، رفتارهای مدیریتی، رفتار مشارکتی، رفتار موقعیت‌مدار، رفتار موفقیت‌مدار،

رفتار دستوری، نقش‌های مدیران، رفتار رسمی و غیررسمی و ویژگی‌های مدیران) و کارآمدی مدیران رابطه معناداری وجود دارد. او در نهایت، الگویی با عنوان مدل کارآمدی را ترسیم کرد. مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران (۱۳۸۵) که وظیفه تدوین استاندارد در رشته‌های مختلف توسط کمیسیون‌های فنی مرکب از کارشناسان مؤسسه، صاحب‌نظران مراکز و مؤسسات علمی - پژوهشی، تولیدی و اقتصادی آگاه و مرتبط با موضوع را بر عهده دارد، در این حوزه به ارائه شرح وظایف مدیر در ۲۸ مؤلفه و فقط در حوزه شرح وظایف پرداخته است. سهندی طرق (Sahanditorog, 2009) پژوهشی با عنوان «بررسی شایستگی‌های حرفه‌ای مدیران آموزشی» انجام داد و شایستگی‌ها را در چهار مؤلفه دانش، ارزش، مهارت، و ویژگی‌های شخصیتی در نظر گرفت. نتایج به شرح زیر بود: الف. بالاترین میزان پاسخگویی همه گروه‌ها به زیرمؤلفه دانش، مربوط به آشنایی با روش‌ها و فنون تدریس، و پایین‌ترین آن مربوط به آگاهی از فلسفه آموزش و پرورش می‌باشد. ب. بالاترین میزان درصد پاسخگویی گروه‌ها به زیرمؤلفه ارزش، مربوط به مورد اطمینان و اعتماد بودن مدیر و پایین‌ترین آن مربوط به توانایی درک شرایط فرهنگی و سیاسی جامعه است. ج. بالاترین میزان پاسخگویی به زیرمؤلفه ویژگی‌های شخصیتی، مربوط به برخورداری از سلامت روانی و تفکر سالم و سازنده و پایین‌ترین آن مربوط به پذیرفتن خطر ریسک برنامه‌های یادگیری مدرسه است. و بالاخره بالاترین مؤلفه از بین تمامی مؤلفه‌ها مربوط به ارزش‌ها و پایین‌ترین آن مربوط به مهارت‌ها و دانش است. از بین سه مهارت نیز بیشترین پاسخ مربوط به دارا بودن مهارت انسانی است و در نهایت، شایستگی حرفه‌ای مدیران تأیید شد. فکرآزاد (fekrazad, 2007) یک طرح پژوهشی با عنوان «بررسی چالش‌های اصلی مدیریت در مراکز پیش دبستانی» چالش‌های مرتبط مدیران مراکز پیش دبستانی در حوزه‌های امور پرورشی، امور آموزشی، والدین و جامعه، امور اداری، امکانات مهدکودک و نیروی انسانی مدیران را ۱۲۲ چالش شناسایی کرد که قطعاً فقدان صلاحیت‌های حرفه‌ای در برخورد مؤثر با این چالش‌ها تأثیرگذار است. جهانشای آباجلو (jahangoshayabajlo, 2012) در پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای دیدگاه معلمان راجع به شایستگی مدیران دوره ابتدایی با شاخص‌های وزارت آموزش و پرورش در شهر قم» به نتایج زیر رسید: بین دیدگاه معلمان زن و مرد و معلمان با میزان تحصیلات مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بین دیدگاه معلمان با رشته‌های تحصیلی مختلف، تفاوت معنی‌دار است. از نظر معلمان برای انتخاب یک مدیر شایسته، شاخص‌های مربوط به ویژگی‌های شخصیتی و ارزش‌ها و داشتن دانش مدیریت آموزشی از اولویت بیشتری برخوردار است. پیشنهاد می‌شود در انتخاب مدیران به تمامی شاخص‌های شایستگی توجه شود و دیدگاه معلمان نیز مد نظر قرار گیرد. سرورندی (sarvandi, 2011) در پژوهشی با عنوان «بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران از دیدگاه معلمان و مدیران مدارس ابتدایی

بالاترین مؤلفه از بین تمامی مؤلفه‌ها ارزش‌ها و پایین‌ترین آن مربوط به مهارت‌ها و دانش است

آموزش و پرورش شهرستان پاکدشت»، به نتایج زیر دست یافت: تأثیر مؤلفه‌های دانش، ارزش‌ها، مهارت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی بر صلاحیت حرفه‌ای مدیران از دیدگاه معلمان و مدیران بالاتر از حد انتظار می‌باشد که با ۹۵/۹۵ اطمینان تأیید شد. در مورد تفاوت عوامل مؤثر بر صلاحیت حرفه‌ای مدیران با ۹۹/۹۹ اطمینان، فرض پژوهش تأیید و نشان‌دهنده این است که بین این عوامل تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، در مورد تفاوت دیدگاه مدیران و معلمان با ۹۵/۹۵ اطمینان می‌توان گفت که بین نظرات این دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد و در تمامی مؤلفه‌ها، نظرات مدیران بیشتر و بالاتر از نظرات معلمان است. سعید خواجehای (khajei, 2001) در پژوهشی با عنوان «ارزشیابی مهارت‌ها و صلاحیت‌های مدیران مدارس ابتدایی جهت طراحی مدل مناسب مدیریت و مطالعه موردی شهر تهران» تلاش کرده است با بیان ارزشیابی صحیح از میزان هماهنگی بین صلاحیت‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای مدیران مدارس شهر تهران در ارتباط با وظایف شغلی آنان، الگویی برای مدیریت صحیح جامعه مورد مطالعه در شرایط کنونی ارائه نماید. ابعاد مهارت‌ها و صلاحیت‌های مدیران و مؤلفه‌های مربوط به هر یک در مدل مفهومی خواجehای به شرح زیر است: الف. **مهارت انسانی**، مؤلفه‌های مربوط به مهارت انسانی عبارتند از: رهبری، مدیریت مشارکتی، مدیریت تعارض، جامعه‌پذیری سازمانی، مدیریت گروهی، روابط برون سازمانی، ب. **مهارت ادراکی**، مؤلفه‌های مربوط به مهارت ادراکی عبارتند از: مهارت تصمیم‌گیری، شناخت نظریه‌ها، مدیریت بحران، مدیریت زمان، خلاقیت، ج. **مهارت فنی**، مؤلفه‌های مربوط به مهارت فنی عبارتند از: برنامه‌ریزی، سازماندهی، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، نظارت، بودجه‌بندی و مدیریت مالی، مدیریت پرسنلی (منابع انسانی)، هماهنگی و هدف‌گذاری، د. مؤلفه‌های مربوط به صلاحیت فردی که عبارتند از: سن، جنس، سابقه مدیریت، سابقه معاونت، سایر سوابق آموزشی، توان فیزیکی و توان ذهنی. امیرحسین محمودی (mahmodi, 2001) پژوهشی با عنوان «تدوین استانداردهای عملکرد مدیران آموزشی دوره راهنمایی شهر تهران» انجام داد و با استفاده از مطالعات نظری مربوط به پژوهش، مجموعه‌ای از شایستگی‌های عملکرد مدیران آموزشی را تدوین

نمود. این مجموعه شامل شش مؤلفه اصلی، ۴۰ زیر مؤلفه و ۱۶۰ رفتار نشان‌دهنده شایستگی (نشانگر عملکرد) می‌باشد. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش، ابعاد شش‌گانه مؤلفه‌های اصلی و زیرمؤلفه‌های مربوط به استandarها و شایستگی‌های عملکرد مدیران آموزشی را مورد تأیید قرار داده است. این ابعاد عبارت‌اند از مؤلفه وظایف شامل ده زیرمؤلفه برنامه‌ریزی تحصیلی، رهبری آموزشی، سازماندهی، نظارت و راهنمایی، ارزشیابی، امور اداری و اجرایی، تأمین احتیاجات یادگیری، توسعه حرفه‌ای، ارتقای کیفیت زندگی کاری، و جذب مشارکت والدین. مؤلفه اخلاق شامل هفت زیرمؤلفه ایمان و اعتقاد، رفتار منطبق با اخلاق اسلامی، مسئولیت‌پذیری، احترام به ارزش‌های فرهنگی، تقویت فضای معنوی محیط کار، عدالت و انصاف، ایجاد فرهنگ سازمانی سازنده است. مؤلفه نقش‌ها شامل پنج زیرمؤلفه مهارت ادراکی، مهارت انسانی، مهارت فنی، مهارت حل مسئله و مهارت هدف‌گذاری و مؤلفه عملکرد شامل سه زیرمؤلفه کیفیت عملکرد، کمیت عملکرد و اثربخشی است. مؤلفه ویژگی‌ها شامل هشت زیرمؤلفه سلامتی، بردباری، انگیزه، خلاقیت، و نوآوری، خطرپذیری، استعداد، خودمدیریتی و سازگاری است. علیرضا رفیعی (Rafei, 2014) در پژوهشی با عنوان «بررسی و مقایسه صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران دوره متوسطه اول شهر و روستاهای بندرعباس»، صلاحیت‌های مدیران را شامل ۱. توانایی‌های فکری - ذهنی، ۲. توانایی‌های فیزیکی - جسمی، ۳. توانایی‌های علمی، ۴. توانایی‌های روحی روانی دانسته است. نتایج به دست آمده در این پژوهش بیان‌کننده این است که بین مدیران مدارس متوسطه شهر و روستاهای بندرعباس در صلاحیت‌های حرفه‌ای فنی، ادراکی - ارتباطی، انسانی و مدیریت دانش آموزان و بهبود آموزش، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. فرزانه و همکاران (farzaneh, 2015) در پژوهشی با عنوان «ارائه الگوی صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران مدارس متوسطه» به این نتیجه رسیدند که صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران مدارس متوسطه شامل چهار مؤلفه اساسی است که عبارت‌اند از: ویژگی‌های روان‌شناختی، مهارت، دانش، نگرش. الهام آقاعلی‌خانی (agaalikhani, 2011) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر

در عواملی مانند دانش مدیریت و مهارت‌ها، نظرات زنان مردان با یکدیگر متفاوت است

شایستگی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران مدارس راهنمایی و متوسطه آموزش و پرورش شهرستان ملارد» به این نتیجه رسید که همه مؤلفه‌های (شخصیت، آگاهی و دانش، نگرش و ارزش، مهارت، فرهنگ سازمانی و سایر عوامل) حاصل از مبانی نظری و پیشینه پژوهش از عوامل مؤثر بر صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران مدارس به شمار می‌روند. تفاوت میانگین نمرات عوامل (ویژگی شخصیتی، نگرش‌ها و ارزش‌ها، عوامل فرهنگ سازمانی و سایر عوامل) در بین زنان و مردان به هم شبیه است و تفاوتی بین آن‌ها مشاهده نمی‌شود، ولی در عواملی مانند دانش مدیریت و مهارت‌ها، نظرات زنان و مردان با یکدیگر متفاوت است. با توجه به بررسی مختصر به پژوهش‌های صورت گرفته در داخل و خارج از کشور، می‌توان این موضوع را مطرح کرد که شناسایی صلاحیت‌های حرفه‌ای مورد نیاز مدیران مرکز پیش‌دبستان و سپس بررسی وضعیت موجود و مطلوب این افراد با توجه به اینکه در سطح اول مدیریت آموزشی قرار دارند و تعداد پانزده هزار مرکز را به خود اختصاص داده‌اند، ضروری و مهم به نظر می‌رسد.

سؤال‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش: صلاحیت‌های حرفه‌ای مورد نیاز مدیران مراکز پیش‌دبستان چه مؤلفه‌هایی هستند؟
سؤال دوم پژوهش: وضعیت مدیران مراکز پیش‌دبستان با توجه به مؤلفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای مورد نیاز چگونه است؟

روش‌شناسی

از آنجا که پژوهشگر در این تحقیق دیدگاه مدیران آموزش مراکز پیش‌دبستان در مورد صلاحیت‌های مورد نیازشان را دریافت و به دنبال اکتشاف، توصیف و تبیین داده‌ها و اطلاعات می‌باشد، روش تحقیق حاضر پیمایشی در قلمرو تحقیقات توصیفی است. جامعه آماری، کلیه مدیران مراکز پیش‌دبستان شهر تهران در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ می‌باشد که تعداد آن‌ها ۴۵۱ نفر است. حجم نمونه آماری عبارت است از ۲۱۰ نفر که براساس جدول تقسیم حجم نمونه مورگان که با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه است که روایی آن از طریق ۲۰ نفر از صاحب‌نظران بررسی شد و پایایی آن هم با استفاده از آلفای کرباخ محاسبه و ضریب پایایی ۰.۸۴ به دست آمد. در تحقیق حاضر، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است: در بخش آمار توصیفی جهت توصیف داده‌ها، توزیع فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد نمرات محاسبه شده و در بخش آمار استنباطی، به منظور مقایسه نظرات مدیران دوره‌های مختلف تحصیلی از آزمون تحلیل واریانس و آزمون تی استفاده شده است. گفتنی است که به دلیل طولانی بودن مقاله، قسمت اول آن در این شماره و قسمت نهایی در شماره بعدی ارائه خواهد شد.

یافته‌های پژوهش

۱. مدیران مراکز پیش‌دبستان در بعد مدیریت و رهبری

نتایج تجزیه و تحلیل داده در جهت پاسخگویی به سؤالات به چه صلاحیت‌هایی نیاز دارند؟ (جدول ۱)

عبارت‌انداز:

جدول ۱. نتایج پاسخ آزمودنی‌ها به سؤالات پرسش‌نامه در بعد صلاحیت‌های مدیریتی و رهبری

ردیف	صلاحیت‌های مدیریتی و رهبری	کاملاً مناسب		مناسب		تاحدودی مناسب		نامناسب		کاملاً نامناسب		تعداد کل	میانگین	انحراف استاندارد
		بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	بسیار کم			
۱	خودمدیریتی	۱۱۵	۵۴٫۹	۸۱	۳۹	۱۲	۵٫۸	۲	۰٫۰۳	-	-	۲۱۰	۴٫۴۹	۰٫۶۲۰
۲	مدیریت زمان	۱۲۷	۶۵٫۳	۶۲	۲۹٫۵	۱۰	۴٫۹	۱	۰٫۰۳	-	-	۲۱۰	۴٫۶۰	۰٫۵۹۷
۳	مدیریت بحران	۱۰۹	۵۲٫۳	۷۷	۳۷	۱۹	۹٫۲	۲	۰٫۰۳	۱	۱٫۲	۲۱۰	۴٫۴۰	۰٫۷۲۸
۴	مدیریت تضاد	۷۱	۳۴٫۱	۹۲	۴۳٫۹	۴۲	۲۰٫۲	۳	۰٫۰۳	۱	۱٫۴	۲۱۰	۴٫۱۰	۰٫۷۸۷
۵	مدیریت تغییر	۱۴۱	۶۷٫۳	۵۵	۲۶٫۶	۱۲	۵٫۸	۱	۰٫۰۳	-	-	۲۱۰	۴٫۶۱	۰٫۶۱۰
۶	مدیریت مشارکتی	۱۵۵	۷۴	۴۱	۱۹٫۷	۱۲	۵٫۸	۱	۰٫۰۶	-	-	۲۱۰	۴٫۶۷	۰٫۶۱۰
۷	توانایی اتخاذ تصمیم	۲۵۲	۷۲٫۸	۴۲	۲۰٫۲	۱۲	۶٫۱	۱	۰٫۰۶	۱	۰٫۳	۲۱۰	۴٫۶۵	۰٫۶۴۸
۸	آینده‌پژوهی	۱۱۴	۵۴٫۶	۸۰	۳۸٫۲	۱۳	۶٫۴	۱	۰٫۰۹	-	-	۲۱۰	۴٫۴۷	۰٫۶۵۵
۹	برنامه‌ریزی	۱۰۵	۵۰	۸۸	۴۲٫۲	۱۳	۶٫۶	۲	۰٫۰۳	-	-	۲۱۰	۴٫۴۱	۰٫۶۶۸

داده‌های مندرج در جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها، صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران در بعد مدیریت و رهبری را به شرح زیر در حد کاملاً مناسب و مناسب بیان کرده‌اند: خودمدیریتی (۵۴/۹ درصد)، مدیریت زمان (۶۵/۳ درصد)، مدیریت بحران (۵۲/۳ درصد)، مدیریت تضاد (۳۴/۱ درصد)، مدیریت تغییر (۶۷/۳ درصد)، توانایی اتخاذ تصمیمات استراتژیک (۶۷/۳ درصد)، آینده‌پژوهی (۷۲/۸ درصد) و برنامه‌ریزی (۵۰ درصد).

۲. مدیران آموزشی در بعد اجتماعی به چه صلاحیت‌هایی نیاز دارند؟ (جدول ۲)

جدول ۲. نتایج پاسخ آزمودنی‌ها به هریک از سؤالات پرسش‌نامه در بعد صلاحیت‌های اجتماعی

ردیف	صلاحیت‌های اجتماعی	کاملاً مناسب		مناسب		تاحدودی مناسب		نامناسب		کاملاً نامناسب		تعداد کل	میانگین	انحراف استاندارد
		بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	بسیار کم	بسیار زیاد	بسیار کم			
۱	مهارت‌های روابط میان‌فردی	۱۴۶	۶۹٫۹	۵۵	۲۶٫۳	۶	۳٫۲	۱	۰٫۰۶	-	-	۲۱۰	۴٫۶۶	۰٫۵۷۰
۲	مهارت‌های روابط درون‌فردی	۱۳۳	۶۳٫۶	۵۷	۲۷٫۵	۱۷	۸٫۴	۱	۰٫۰۶	-	-	۲۱۰	۴٫۵۴	۰٫۶۷۲
۳	مهارت‌های روابط برون‌فردی	۱۱۳	۵۴	۷۴	۳۵٫۵	۲۰	۹٫۸	۱	۰٫۰۶	-	-	۲۱۰	۴٫۴۳	۰٫۶۹۱
۴	مهارت مشارکت همکاری و کار گروهی	۱۵۵	۷۴	۴۰	۱۹٫۴	۱۳	۶٫۶	-	-	-	-	۲۱۰	۴٫۶۷	۰٫۵۹۵
۵	مهارت‌های مردمی	۶۶	۳۱٫۸	۸۶	۴۳٫۱	۵۰	۲۴	۶	۲٫۹	-	-	۲۱۰	۴٫۰۲	۰٫۸۲۲
۶	مهارت‌های نفوذ در دیگران و قانع کردن آن‌ها	۱۰۷	۵۱٫۲	۷۷	۳۷	۲۴	۱۱٫۶	۱	۰٫۰۳	-	-	۲۱۰	۴٫۳۹	۰٫۶۹۹
۷	مهارت درست گوش دادن	۱۲۰	۵۷٫۲	۷۴	۳۵٫۳	۱۳	۶٫۶	۱	۰٫۰۹	-	-	۲۱۰	۴٫۴۹	۰٫۶۶۰
۸	مهارت کنترل جمعی	۵۸	۴۰٫۸	۸۸	۴۱٫۹	۳۳	۱۶٫۲	۲	۱٫۲	-	-	۲۱۰	۴٫۲	۰٫۷۵۳
۹	اشتیاق به حل تضاد با روش‌های غیرخشنوت‌آمیز	۱۱۵	۵۵٫۲	۶۶	۳۱٫۵	۲۴	۱۱٫۶	۳	۱٫۴	-	-	۲۱۰	۴٫۰	۰٫۷۷۱
۱۰	توانایی انجام دادن کار گروهی	۵۰	۵۳٫۲	۸۰	۳۸٫۲	۱۶	۷٫۸	۱	۰٫۰۹	-	-	۲۱۰	۴٫۴	۰٫۶۷۵
۱۱	پذیرفتن مسئولیت برای نقش‌ها و وظایف	۱۲۱	۵۸٫۱	۷۰	۳۳٫۵	۱۵	۷٫۲	۲	۱٫۲	-	-	۲۱۰	۴٫۹	۰٫۶۸۲

داده‌های توصیفی مندرج در جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها، صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران آموزشی در بعد صلاحیت‌های اجتماعی را به شرح زیر در حد کاملاً مناسب و مناسب بیان کرده‌اند: مهارت‌های روابط میان‌فردی (۶۹/۹ درصد)، مهارت‌های روابط درون‌فردی (۶۳/۶ درصد)، مهارت مشارکت، همکاری و کار گروهی (۵۴ درصد)، مهارت‌های مردمی (۳۱/۸ درصد)، مهارت‌های نفوذ در دیگران و قانع کردن آن‌ها (۵۱/۲ درصد)، مهارت درست گوش دادن (۵۷/۲ درصد)، مهارت کنترل جمعی (۴۰/۸ درصد)، اشتیاق به حل تضاد با روش‌های غیرخشنوت‌آمیز (۵۵/۲ درصد) توانایی پذیرفتن مسئولیت برای نقش‌ها و وظایف (۵۸/۱ درصد).

- پی‌نوشت‌ها
1. Professional Competencies
 2. Skill standards and training manager's preschoolers America
 3. Laferency
 4. Promotion Professional Development in Early Childhood and School –Age Programs (1995)
 5. Texas Care Competencies for Early Childhood Practitioners and Administration (2013)
 6. Florida Care Competencies for Early Care and Education Directors (2011)
 7. Early Childhood Centre Administrator Work Description (Ccens) (2015)
 8. Delaware Staff Competencies: Early Childhood (2014)
 9. Centre for Study of Child Care Employment, Us Berkeley (2008)
 10. Massachusetts Department Of Early Education And Care (2010)
 11. Nevada Core Knowledge Areas and Care Competencies (2007)
 12. New York State Core Competencies For Early Childhood Educators (2015)
 13. Core Competencies For Early Care And Education Professionals In Kansas And Missouri (2001)

نشست آموزشی گزارش توجیهی کارشناسان سیستان و بلوچستان در ایرانشهر

در راستای توسعه کیفی در دوره پیش دبستانی و به منظور توانمندسازی نیروی انسانی، معاونت آموزش ابتدایی اداره کل، سیستان و بلوچستان با حضور ۲ نفر از مدرّسین پیش دبستانی دفتر تألیف، کارشناسان و مسئولان کارشناسان پیش دبستانی و نماینده راهبران آموزشی شهرستان، و مناطق سراسر استان از تاریخ ۹۶/۲/۱۰ لغایت ۹۶/۲/۱۱ یک دوره فشرده توجیهی در شهرستان ایرانشهر، برگزار کرد.

اهداف دوره

این دوره با هدف ارتقای دانش و مهارت کارشناسان پیش دبستانی استان درخصوص برنامه و فعالیت‌های مناسب و استانداردها در دوره پیش دبستانی، از جمله در حوزه تربیت دینی و انس کودکان با قرآن در چند کلاس آموزشی جداگانه برای شرکت کنندگان برگزار گردید. از دیگر انتظارات و اهداف این دوره ساماندهی برنامه‌ها و فعالیت‌های مراکز پیش دبستانی بود که با حضور کارشناسان مسئول پیش دبستانی و نماینده‌های راهبران آموزشی شهرستان‌ها و مناطق سراسر استان بررسی شد. در همین زمینه، به منظور نیازسنجی و غنی‌سازی محتوای کارگاه آموزشی، معاونت آموزش ابتدایی اداره کل، طی نامه‌ای از شهرستان‌ها و مناطق خواست تا ضمن تکمیل جدول حاوی اطلاعات شرکت کنندگان در کارگاه، به سؤالات

مطرح شده که با هماهنگی مدرسین مدعو از دفتر تألیف وزارت، تنظیم شده بود، پاسخ دهند. همچنین معاونت آموزش ابتدایی استان با هماهنگی شهرستان میزبان (ایرانشهر) کتاب راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزش و پرورش دوره پیش دبستانی (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دفتر برنامه‌ریزی و کتب درسی) را به تعداد شرکت کنندگان تهیه و همراه بسته آموزشی در اولین روز برگزاری کارگاه در اختیار آنان قرار داد. تعداد شرکت کنندگان در این کارگاه و گردهمایی ۶۰ نفر بودند.

روز یکشنبه مورخ ۹۶/۲/۱۰ کارگاه آموزشی در دو گروه ۳۰ نفره به شرح ذیل آغاز گردید: - از ساعت ۸ تا ۱۲ صبح، بحث جایگاه پیش دبستانی در آموزش و پرورش و مأموریت و رویکردهای این دوره در یک کلاس و اهداف و شایستگی‌ها و راهبردهای آموزشی پیش دبستانی و نقش و صلاحیت مربیان و والدین در تحقق اهداف تربیتی کودکان در کلاسی دیگر تبیین گردید. بعدازظهر همان روز از ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۸ مباحث صبح ادامه یافت.





الگوی آموزش صلح در برنامه درسی آموزش پیش از دبستان

مقدمه

اگرچه رویکردهای آموزش پیش از دبستان^۱ در جهان بسیار متفاوت اند، امروزه برنامه‌های آموزشی به سوی تربیت کودک به عنوان یک کل، حرکت می‌کنند؛ این جهت‌گیری کل‌نگرانه، زمینه را برای تلفیق آموزش^۲ در برنامه‌های آموزش پیش از دبستان فراهم نموده است. واقعیت جهان امروز این است که بشر در هیچ دوره‌ای از تاریخ، تا این اندازه شاهد خشونت نبوده است. در حالی که ادیان الهی، به ویژه دین مبین اسلام، همواره بر تساوی حقوق افراد تأکید می‌کنند و جهان و امکانات موجود و زندگی توأم با آرامش در آن را حق همه می‌دانند، ظهور بی‌سابقه انواع خشونت در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که نظام‌های تربیتی در ایجاد حس همدلی و هم‌بستگی و وحدت در بین افراد با رنگ پوست، زبان، نژاد، دین و فرهنگ‌های متفاوت، موفقیت چندانی نداشته‌اند. از این رو، آموزش و تمرین صلح از دوران کودکی و پرورش نسل‌های بعدی برای تشکیل یک جامعه انسانی واحد و به دور از خشونت ضروری می‌نماید. در نوشتار حاضر، چارچوب مفهومی آموزش صلح در قالب یک مدل ساده توصیف می‌شود.

کلیدواژه‌ها: صلح، آموزش، برنامه درسی، پیش از دبستان

مفهوم‌پردازی

به لحاظ مفهومی، آموزش صلح می‌تواند سه زیرمفهوم مختلف را در برگیرد: آموزش برای صلح^۳، آموزش درباره صلح^۴ و دانش صلح^۵. آموزش برای صلح به معنای فراهم نمودن پیش‌شرط‌ها یا الزامات صلح است؛ به عبارت دیگر، کمک به ایجاد دانش و مهارت لازم برای تعاملات و تلاش‌های صلح‌آمیز. آموزش درباره صلح به انتقال اطلاعات مربوط به ماهیت و چیرستی صلح و موقعیت‌های صلح‌آمیز اشاره دارد. دانش صلح نیز شامل پژوهش‌ها و مطالعات مربوط به صلح است. آموزش صلح، در پی این است که به افراد بیاموزد چگونه مسائل برآمده از خشونت را حل کنند. در واقع، آموزش صلح با پرورش مهارت‌های مدیریت مناقشات تلاش می‌کند کودکان را در برابر خشونت مقاوم سازد.

چهار ستون صلح

برای طراحی برنامه‌های درسی آموزش صلح، لازم است به چهار مؤلفه اصلی یا چهار ستون صلح توجه شود. این چهار مؤلفه عبارت‌اند از: ارزش‌گذاری و احترام به خود^۶، احترام به تنوع، حسی از انصاف و عدالت^۷، آگاهی از هم‌بستگی^۸. این چهار عنصر چارچوبی را فراهم می‌کنند که می‌توان براساس آن برنامه‌های درسی حاوی آموزش صلح را طراحی کرد. در ادامه، این عناصر به طور مختصر معرفی می‌شوند.

۱) ارزش‌گذاری و احترام به خود

به منظور کمک به کودکان برای ارتقای مهارت‌های ارتباطی صلح‌جویانه، لازم است مربیان بدانند که خلق یک تصویر مثبتی بر «عشق و ارزش دادن به خود» در کودکان چقدر اهمیت دارد. ابتدا لازم است کودکان بدانند که موجودات ارزشمندی هستند. در این فرایند، آنان متوجه می‌شوند که مستحق عدالت‌اند و یک جامعه صلح‌جو برای ایجاد این عدالت تلاش می‌کند. وقتی افراد ارزش خود را می‌دانند و از خود تصویر مثبتی در ذهن می‌سازند، قادرند در برابر بی‌عدالتی‌هایی که تجربه می‌کنند بایستند. سال‌های کودکی برای رشد ارزش‌گذاری به خود مهم‌ترین زمان است؛ چرا که تصویر از خود در این زمان شکل می‌گیرد و تغییر





آن در سال‌های بعد بسیار مشکل و گاهی غیرممکن است.

در برنامه‌های آموزش پیش‌دبستانی، از راه‌هایی می‌توان به کودکان برای این خودشناسی و ارزش‌گذاری برای خود کمک کرد. لازم است مربیان ارتباطات توأم با اعتماد متقابل را بین خود و کودکان پرورش دهند. مربیان می‌توانند کمک کنند تا همین روابط توأم با اعتماد بین کودکان هم ایجاد شود. تعاملات مربیان باید به گونه‌ای باشد که کودکان احساس کنند به آنان عشق ورزیده می‌شود و برای مربیان، ارزشمندند. همچنین همه کودکان باید فرصت‌هایی برای موفقیت در فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند داشته باشند تا احساس خودکارآمدی و ارزشمندی کنند. لازم است به کودکان اجازه انتخاب فعالیت‌های مورد علاقه‌شان داده شود. مربیان باید به انتخاب‌های کودکان احترام بگذارند و تا حد ممکن با حمایت خود زمینه موفقیت کودک در فعالیت‌هایش را فراهم کنند. در واقع، آموزشگران صلح، مفهوم قدرت انتخاب را به کودکان می‌آموزند؛ چرا که اگر قرار است کودکان خوب زندگی کنند و زندگی خوبی را برای دیگران نیز به ارمغان بیاورند، باید قدرت تصمیم‌گیری بر اساس ظرفیت‌ها و علایقشان را داشته باشند. بازی و حضور در طبیعت، ماهیتاً قدرت انتخابگری و در نتیجه اعتماد به نفس و خودکارآمدی کودکان را تقویت می‌کند که این دو، پیش‌نیازی برای ارتقای ارزش‌گذاری و احترام به خود است.

۲) احترام به تنوع

هر کودکی که به مرکز پیش‌دبستانی می‌آید، تجاربی را برای فهم تنوع و گوناگونی با خود به همراه دارد. قبل از اینکه کودکان بتوانند

تفاوت‌ها را کاملاً درک کنند، از تفاوت‌هایی مانند رنگ پوست و سن آگاهی دارند. کودکان در این سن، دانش خود را از راه مشاهدات عینی می‌سازند. وقتی کودکان اقدام به تفسیرهای عینی می‌کنند، ممکن است سوء تفسیرهایی هم برایشان پیش بیاید؛ مثلاً اینکه رنگ پوست می‌تواند به دلیل رنگ شیری باشد که کودک خورده یا مدت زمانی که در معرض نور خورشید بوده است! این تفسیرهای نادرست می‌تواند در اثر نوع رفتار بزرگسالان نیز رخ دهند. وظیفه ذاتی یک مربی این است که تلاش کند ارزش به تنوع را در محیط آموزشی رشد دهد و بدین ترتیب، محیطی خلق کند که در آن کودک فهم مثبتی از کودکان متفاوت با خود داشته باشد. مربیان باید به گونه‌ای عمل کنند که کودکان تنوع در نژاد، سن، فرهنگ، توانایی‌ها، وضعیت اقتصادی و ساختار خانواده، جنس و ... را بفهمند و به آن‌ها احترام بگذارند. لازم است فرهنگ‌های مختلف به طور مرتب از طریق تجارب ارزشمندی مانند بازی، جشن و ... در کلاس معرفی شوند. مشارکت خانواده‌ها در این امر ضروری است و هر کدام از آن‌ها می‌توانند به معرفی فرهنگ خود در مرکز بپردازند. مواد و تجهیزاتی نیز که در مراکز پیش‌دبستانی مورد استفاده قرار می‌گیرند لازم است از انواع مختلف فرهنگ‌ها انتخاب شوند؛ به گونه‌ای که هر کودک بتواند مظاهری از خانه و خانواده و فرهنگ خود را در آنجا ببیند. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها، تفاوت جنسیتی است و این اولین تفاوتی است که معمولاً کودکان با آن مواجه می‌شوند. اعتقاد بر این است که هر کس نسبت به تفاوت‌های جنسیتی تحمل و حساسیت بیشتری داشته باشد و آن را به خوبی درک کند و به آن احترام بگذارد، در سایر زمینه‌های تنوع نیز تحمل و احترام بالاتری خواهد داشت. در یک مرکز پیش‌دبستان، لازم است کودکان به لحاظ جنسیتی و با توجه به فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند از حقوق مساوی برخوردار باشند. با این کار، کودکان این پیام را دریافت می‌کنند که تفاوت‌های جنسیتی مبنایی برای بی‌عدالتی نیست.

۳) حسی از انصاف و عدالت

دوران پیش از دبستان، زمانی بسیار مطلوب برای توسعه ارزش‌ها و نگرش‌های لازم جهت درک انصاف و عدالت است. در این دوران، کودکان آگاهی از دیدگاه‌های دیگران را آغاز می‌کنند. آنان در کلاسی هستند که کودکان دیگر با انواع عقاید، خواسته‌ها و نیازها در کنارشان قرار دارند. شاید این اولین باری است که نیازها و علایق کودکان با منافع مشترک گروه پیوند می‌خورد. وقتی کودکان شروع به آگاهی از دیدگاه‌ها و عقاید دیگران می‌کنند، لازم است مربیان به آنان کمک کنند تا نیازها و خواسته‌هایشان را در قالب یک کل درک کنند. وقتی کودکان مناقشات یا تفاوت در عقاید را تجربه می‌کنند یا نیازها و خواسته‌هایشان برآورده نمی‌شود، ممکن است گنج، عصبانی و خشمگین شوند. یکی از وظایف آموزشگر صلح این است که کمک کند کودکان احساسات خود را به روش‌های سالم بیان

بازی و حضور در طبیعت، ماهیتاً قدرت انتخابگری و در نتیجه اعتماد به نفس و خودکارآمدی کودکان را تقویت می‌کند که این دو، پیش‌نیازی برای ارتقای ارزش‌گذاری و احترام به خود است

کودکان به ارتباط و گفت‌وگو با همه اعضای گروه ترغیب شوند. ارتباطاتی که از طریق گفت‌وگو شکل می‌گیرند، به میزان زیادی حس همبستگی را تقویت می‌کنند. کاربرد ادبیات نیز در این امر بسیار مؤثر است. در تمامی فرهنگ‌ها داستان‌ها یا اشعاری وجود دارد که بر همبستگی تأکید دارند. استفاده از این‌ها در حد فهم کودکان لازم و ضروری است؛ چرا که انسان ذاتاً هنر و زیبایی را دوست دارد و کودکان از هنر و زیبایی بسیار لذت می‌برند.

مدل آموزش صلح در آموزش پیش از دبستان

این چهار ستون که مواد درونی برنامه درسی صلح در آموزش پیش از دبستان هستند، تنها



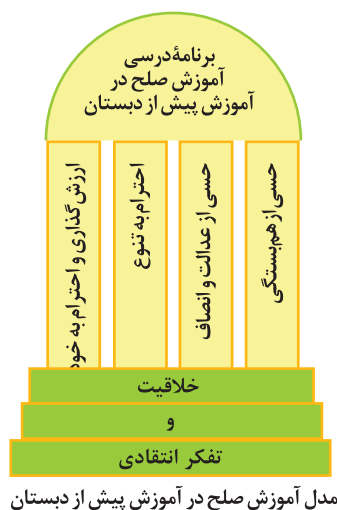
یکی از وظایف آموزشگر صلح این است که کمک کند کودکان احساسات خود را به روش‌های سالم بیان کنند و به سمت درک عواقب رفتارهایشان پیش بروند

کنند و به سمت درک عواقب رفتارهایشان پیش بروند. تمام مشکلات فردی، مناقشات بین فردی و حتی گروهی که در زمان آموزش ایجاد می‌شود می‌توانند فرصت‌های بی‌نظیری برای یادگیری و تمرین حل مسئله باشند.

ایجاد محیطی که عدالت در آن موج می‌زند و انصاف در همه فرایندهای آن حضور روشن دارد، به کودکان برای ایجاد حسی از عدالت کمک می‌کند. این محیط را می‌توان با فراهم کردن فرصت‌هایی برای ارزیابی وضعیت فعلی ایجاد کرد؛ مثلاً می‌توان از بی‌عدالتی‌هایی که کودکان در کلاس احساس می‌کنند سؤال کرد. البته مربیان خودشان باید بی‌عدالتی‌ها را بشناسند تا بتوانند آن‌ها را به کودکان آموزش دهند. ادبیات می‌تواند با ترغیب کودکان به پذیرفتن بینش صلح به مربیان کمک کند. می‌توان کتاب‌های کودک با مضمون عدالت اجتماعی را خواند و پس از آن درباره موضوع در حد درک کودک گفت‌وگو کرد. با انجام دادن این کار، می‌توان مفاهیم مربوط به عدالت اجتماعی را به کودکان آموزش داد. باید توجه داشت که این مفاهیم اولیه تنها با تحلیل انتقادی توسعه می‌یابند. دیگر ابزار تقویت حسی از عدالت، جلسات کلاسی است. لازم است همه مراکز جلسات منظم کلاسی داشته باشند. معمولاً در کلاس‌های پیش‌دبستانی، جلسات کلاسی به منظور تعیین برنامه کاری روز، بحث در مورد یک مسئله خاص مثلاً آب و هوا و مانند آن تشکیل می‌شود. مربی می‌تواند در این جلسات، موضوعات مربوط به عدالت اجتماعی را طرح و کودکان را به تفکر و گفت‌وگو و تعامل با یکدیگر درباره آن ترغیب نماید.

۴ همبستگی

اگر کودکان فرصت‌هایی داشته باشند که خود را به عنوان بخشی از یک کل ببینند (مثلاً در حل مناقشات به روش حل مسئله)، کم‌کم حس همبستگی بین خود و دیگران را ادراک می‌کنند. به منظور حرکت به سوی ایجاد یک جامعه صلح‌طلب واقعی، لازم است هر فرد رابطه خود را با دیگران تشخیص دهد. کودکان از طریق فعالیت‌هایی که می‌توانند در آموزش پیش از دبستان طراحی و اجرا شود، می‌توانند خود را به عنوان بخشی از یک کل درک کنند. ماهیت گروه به کودکان اجازه می‌دهد که تأثیر اعمال و رفتار خود را بر دیگران ببینند. همچنین لازم است کودکان ارتباط خود را با محیط پیرامون درک کنند. کمک به کودکان برای فهم طبیعت و بخش‌های آن مثل آب و هوا، گیاهان و حیوانات، چگونگی نگهداری از آن‌ها و ارتباط آن‌ها با سلامت بشر نیز موجب تسریع روند درک همبستگی در آنان می‌شود. کودکان باید درک کنند که رفتار بشر چگونه بر زندگی خود او و موجودات دیگر اثر می‌گذارد. کودکان برای آگاهی از همبستگی‌ای که بین افراد نوع بشر وجود دارد، لازم است فرصت‌هایی برای تعامل مثبت و مولد با همسالان و بزرگسالان داشته باشند. در این تعاملات کودکان باید در عمل و واکنش به اعمال آزاد باشند. این امر تنها در محیطی اتفاق می‌افتد که در آن آزادی حرکت و انتخاب به خوبی مورد حمایت قرار گیرد و



فرد باید بتواند خلاقانه فکر و عمل کند. هر چه خلاقیت کودکان بیشتر رشد یابد، راههایی که به منظور ایجاد صلح تصور می کنند بیشتر و کاربردی ترند. مربیان می توانند از طریق انواع فعالیت ها و رسانه ها خلاقیت کودکان را در موضوع صلح رشد دهند. نکته مهم ایجاد یک محیط یادگیری است که در آن کودکان بتوانند ایده های خود را امتحان کنند و شکست را به عنوان بخش مهمی از یادگیری تجربه کنند. تفکر انتقادی نیز یکی از ابزارهای ضروری ساخت چهار ستون صلح است. اگر قرار است کودکان ما قادر باشند با موقعیت های ناعادلانه چالش کنند، باید بتوانند به صورت انتقادی به تفکر بپردازند. اگر قرار است کودکان برای مسائل ناعادلانه راه حل های خلاقانه پیشنهاد دهند، لازم است ابتدا بتوانند با نگاه نقادانه مسائل مورد نظر را تشخیص دهند. بر این اساس، لازم است کودکان درباره آنچه انجام می دهند عمیقاً فکر کنند. در فرایند تفکر انتقادی، گوش دادن و دیدن فعال و مهارت برقراری ارتباطات مثبت با دیگران از ضروریات هستند. در اصل، تفکر انتقادی به معنای پاسخ دادن به چیزی است که مشاهده شده است. پس، خوب دیدن و خوب شنیدن زمینه اصلی تفکر انتقادی را تشکیل می دهد. همچنین، بیان افکار برای تسهیم آن با دیگران به مهارت های ارتباطی قوی نیاز دارد. بنابراین، لازم است این مهارت ها در کودکان تقویت و زمینه برای تفکر عمیق آنان فراهم شود.

پی نوشت ها

1. early childhood education
2. peace education
3. education for peace
4. education about peace
5. peace knowledge
6. self-value and self-respect
7. sense of fairness and justice
8. awareness of interconnectedness

منبع

Alfonso, S. M. (2014). Peace Education in Early Childhood Education. In *Factis Pax*, 8 (2), 167-188.

به واسطه مهارت های تفکر سطح بالا، یعنی خلاقیت و تفکر انتقادی، ساخته می شوند. مدل آموزش صلح در برنامه درسی آموزش پیش از دبستان براساس ترکیب این چهار ستون و مهارت های تفکر سطح بالا، تشکیل می شود. شکل ۱ این مدل را نشان می دهد. کودکان ذاتاً کنجکاوند و از چیزهای جدید لذت می برند. آنان در مرحله ای حساس از تصور و خلاقیت قرار دارند و با استفاده از فرایندهای خلاق، در بازی های تصویری غرق می شوند. خلاقیت، یعنی ایده ها و رفتارهای جدید، کلید رشد ظرفیت کودکان برای صلح است و زمان پرورش آن نیز همین سال های کودکی است. به منظور تصور موقعیتی که در آن جهان سرشار از صلح و آشتی است،

نکته مهم
ایجاد
یک محیط
یادگیری
است که در
آن کودکان
بتوانند
ایده های
خود را
امتحان کنند
و شکست
را به عنوان
بخش مهمی
از یادگیری
تجربه کنند





طبیعت و کودک

حتماً شما هم به خاطر دارید که معلم‌ها و دبیران در دوره‌های تحصیلی مختلف در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ به ما می‌گفتند: «شما آینده‌سازان مملکت هستید...» و امروز همان آینده‌ای است که قرار بود ما بسازیم؛ به نظر شما، دهه‌ی شصتی‌ها با توجه به شیوه‌های آموزشی و نگرش‌های تربیتی که در مدارس زمان آن‌ها وجود داشته است، آیا توانسته‌اند آن‌طور که شایسته بوده تأثیرگذار و سازنده باشند؟

برای پاسخ دادن به این پرسش، نیاز به آمارهای مختلف نیست؛ همین‌که شما یک هفته در خیابان‌های شهر راندگی کنید، چند دفعه به تفرج‌گاه‌های اطراف شهر بروید و به دادگاه‌های خانواده، کلانتری‌ها و... سر بزنید، متوجه انواع ناهنجاری در جامعه می‌شوید. آیا این ناهنجاری‌ها روایتگر افزایش چشمگیر معضلات فرهنگی، محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی نیست؟

آیا این رویه و سیر صعودی ناهنجاری‌های اجتماعی بیانگر آن نیست که باید امروز در شیوه‌های آموزشی خود تجدید نظر کنیم؟ سیستم آموزشی طی سال‌های بعد از انقلاب به کودکان ما چه چیزهایی داده و چه چیزهایی را از آن‌ها گرفته است؟ منطق حکم می‌کند ناکامی کودکان متولد دهه ۱۳۶۰ ریشه‌یابی و بررسی شود تا این رویه به دور باطلی برای کودکان امروز و جامعه تبدیل نشود؛ اما وضعیت کودکان امروز چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: کودک، طبیعت

کودک امروز

یونسکو دوره‌ی کودکی را تا ۱۸ سالگی می‌داند. صحبت ما درباره‌ی تمام کودکان ساکن سرزمین ایران، بدون در نظر گرفتن رنگ پوست، نژاد، زبان، دین و مذهب است. کودک تا هجده سالگی به مراقبت و حمایت‌های جدی و مستمر از طرف خانواده، جامعه، نظام آموزشی، دولت و سازمان‌های حمایتی نیاز جدی دارد. دوره‌ی کودکی زمان طلایی رشد فکری و جسمی، رشد شخصیتی و عاطفی، کشف و شکوفایی استعدادها، تقویت قدرت تصمیم‌گیری و در نهایت افزایش قدرت استقلال و توانمندی در انتخاب است.

اما کودک امروز مجموعه‌ی پیچیده‌ای از نیازها، خواسته‌ها و توقعات است که با فناوری و شرایط روز جامعه پیوند خورده است. فضای عمومی و چیدمان شهری با توان جسمی و نیاز روحی او هماهنگی اندکی دارد. هم‌زیستی او با تبلت و زندگی آپارتمانی، نبود هم‌بازی، فضای نایمن در کوچه و ترجیح والدین بر ساکت و سرگرم بودن کودک در خانه، باعث رشد زندگی سلولی در خانواده‌ها و افزایش مسائلی چون بیش‌فعالی، اضافه وزن، کم‌تحرکی و انزوای طلبی در میان کودکان شده است.

البته در طرف دیگر، پدر و مادر بدون توجه به نیازهای طبیعی فرزندشان در دوره‌ی کودکی توقع دارند که او در آینده حتماً دکتر و دانشمند شود. به همین دلیل، او را از سنین پایین در کلاس‌های فشرده و منسجم متنوعی ثبت‌نام می‌کنند؛ ورود به مدرسه و آغاز ماراتن تحصیلی هم یکی دیگر از نقاط مشترک کودکان امروز است.

نیازهای طبیعی کودک

انسان هزاران سال در دامن طبیعت رشد کرده و با عناصر مختلف طبیعی مأنوس بوده است. شاید امروز طبیعت به عنوان یک نیاز اساسی بشر تنها قلمی باشد که در سبد خائوار جامعه ما جایی ندارد! سبک زندگی و بافت شهرهای امروز کودکان را از حق طبیعی خود محروم ساخته و جایگزین‌هایی مصنوعی برای آن تعریف کرده است. کودکان ناچارند نیاز ذاتی خود به کنج‌کاوی و کاوش بازی و رویاپردازی در طبیعت را از طریق بازی‌های رایانه‌ای، که دارای هیجانات کاذب و مخرب است، رفع کنند. آیا ما بزرگ‌ترها و والدین برای رفع این نیاز طبیعی کودکان تلاشی کرده‌ایم؟ آیا به فرزند خود اجازه می‌دهیم گِل بازی کند، به جای قلم با انگشت نقاشی بکشد و حشرات یا حیوانات را لمس کند؟

تهدیدهای موجود

آیا بستری مناسب برای بازی کودکان وجود دارد؟ جایی که امنیت و سلامت





گل‌بازی کودکان فراهم شده باشد و یا جایی داشته باشد که کودکان بتوانند به دفعات همدیگر را آنجا ببینند و با هم بازی کنند؟ غیر از مدرسی که در طرح مدارس محیط زیستی یا سبز فعالانه کار می‌کنند، چند مدرسه را می‌شناسید که بستری برای کشت و زراعت دانش‌آموزان ایجاد کرده باشند؟ چند مدرسه را می‌شناسید که برای دروسی چون علوم، جغرافی، اجتماعی و تاریخ به کودکان فرصت حضور در طبیعت، کوهستان، سطح جامعه و موزه را بدهند؟ آیا وقت آن نرسیده است که فرصت تجربه و لمس طبیعت را به کودکان بدهیم؟ آیا وقت آن نرسیده است که مدیران مدارس، معلمان و دبیران به روش‌های دیگر هم فکر کنند؟

ایده‌ای جدید و راهکاری مناسب

قاعداً بسیاری از ما دست کم ۱۲ سال روی نیمکت‌های مدرسه نشسته‌ایم، مدتی را پشت کنکور بوده‌ایم و احتمالاً در دانشگاه ادامه تحصیل داده‌ایم؛ برخی با هدف وعده‌ی زیادی هم بی‌هدف و بدون هدایت تحصیلی، آیا در مدارس عادی کسی به دانش‌آموزان مهارت‌های زندگی، حل مسئله، تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری و انتخاب درست را یاد داده است؟ مگر یک فرد بالغ و خودساخته در جامعه، به چیزی غیر از این مهارت‌ها احتیاج دارد؟ در کجا می‌توان به ارتقای چنین مهارت‌هایی به طور طبیعی و خودانگیخته امید داشت؟ ایده‌ی جدید و راهکار مناسب چیست؟ شاید برای پدران و مادرانی که در این نظام آموزشی رشد کرده‌اند و حتی برای معلمانی که ساختار آموزشی کنونی را مقدس می‌دانند، سخت باشد که نیاز حقیقی کودک به بازی و حضور آزادانه او را در طبیعت هضم کنند؛ در حالی که شرایطی فراهم شده است که کودکان ۳ تا ۱۲ ساله بدون ترس از قضاوت و مقایسه شدن با دیگر دانش‌آموزان، نمره و امتحان پایانی، ریاضی و دیگر دروس مدرسه را به کمک حواس پنج‌گانه و در مجاورت عناصر طبیعت به طور غیرمستقیم بیاموزند و درک کنند. مدرسه‌ی طبیعت ایده‌های جدید و راهکاری مناسب است برای هدایت تحصیلی در راستای استعدادهای ذاتی، شناخت جهان هستی، جامعه‌پذیری، رفع مسائل عاطفی ناشی از تک‌فرزند و ده‌ها مورد دیگر.

حال چطور می‌توانیم نسلی را تربیت کنیم و پرورش دهیم که حقیقتاً آینده‌ساز مملکت باشد؟

کودکان در مواجهه با افراد و اشیاء به خطر نیفتد؟ آیا مدارس فعلی غیر از زمان استراحت و کلاس ورزش، فعالیت خلاقانه‌ای دارند که نیاز کودکان به تعامل و کار گروهی را به دور از نمره و درس کلاسی رفع کند؟

شوربختانه طی ماه‌های گذشته اخبار ناخوشایندی از کودک‌ربایی، اذیت و آزار جنسی و حتی قتل کودکان در نقاط مختلف کشور منتشر شده است. بی‌تردید، این اخبار باعث افزایش حساسیت و نگرانی والدین برای فرزندانشان شده است؛ تا جایی که شاید محدودیت‌های سفت و سختی هم برای مرتکبان این جرائم اعمال کنند. در حالی که شاید کودک از برخی تهدیدها هیچ تصویری نداشته باشد و حتی برخی از آن‌ها را بازی و سرگرمی تصور کند. ساده‌ترین نوع تهدید، آسانسور است و البته کودکان آسانسوربازی را خیلی دوست دارند.

نوع دیگر تهدید از جانب فضای مجازی است؛ در حالی که فقر سواد رسانه‌ای در جامعه وجود دارد. برخی از پدر و مادرها هم صرفاً از ساکت و آرام بودن فرزند خود رضایت دارند و از اینکه چه تهدیدهایی در پس فضای مجازی وجود دارد، غافل‌اند.

فرصت‌ها

احتمالاً بوستان‌ها و پارک‌های جنگلی موجود در شهرها یکی از ابتدایی‌ترین فرصت‌ها برای خانواده و حضور کودک در فضایی شبیه به طبیعت است، اما چند پارک را می‌شناسید که در آن‌ها ورود به چمن آزاد باشد یا محلی برای خاک‌بازی و



علل شکستن و خراب کردن اسباب بازی‌ها توسط کودکان

در کودکان، شکستن و خراب کردن اسباب بازی‌ها علل روانی و تربیتی مختلفی دارد که در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم.

- حس کنجکاوی و علاقه به پرسیدن و آگاهی از ابتدای زندگی همراه انسان است. انسان مایل است از ماهیت اشیا مطلع شود، علل ایجاد پدیده‌ها را بداند و به کشف اسرار طبیعت نایل آید.

کودک وقتی چشم به دنیا می‌گشاید از همه چیز بی‌اطلاع است اما از همان روزهای آغازین زندگی، درصدد شناخت اشیا برمی‌آید؛ سعی دارد با هر نگاهی که به اطراف می‌دوزد، هر دقتی که در چهره‌ها می‌کند و هر توجهی که به اشیا مبذول می‌دارد، چیزی بیاموزد و مجهولی را معلوم سازد.

او به اشیا دقیق می‌شود و با دست آن‌ها را لمس می‌کند. به مرور اجسام کوچک را حرکت می‌دهد، بالا و پایین می‌برد، به صداها دقیق می‌شود، رفت و آمدها و حرکات را زیر نظر می‌گیرد و به‌طور خلاصه، می‌خواهد همه چیز را بشناسد. از این‌رو، به‌همه‌جا سر می‌کشد و می‌خواهد از همه چیز سردرآورد، هر صدایی را بشود، هر چیزی را ببیند، لمس کند، بچشد و استشمام کند. راجرز معتقد است: «کودک

کنجکاوی کودکان روش‌های برخورد صحیح والدین با کودکانی که اسباب بازی‌ها را می‌شکنند

مقدمه

واقعیت این است که بزرگسالان برای اشیا ارزش زیادی قائل‌اند؛ در حالی که کودکان این‌گونه نیستند. جای تأسف است که ما بزرگسالان برای اشیا بیشتر از کودکان ارزش قائلیم. در واقع، آن‌چنان به مبل، صندلی، لباس، اسباب بازی‌ها و سایر وسایل وابسته شده‌ایم که وقتی کودکان از آن‌ها مراقبت نمی‌کنند، عصبانی می‌شویم. برای بعضی از والدین، گلدان کریستال، عکس خانوادگی، و اشیای قدیمی دارای چنان ارزشی هستند که گویی بدون آن‌ها نمی‌توان زندگی کرد. در حالی که در بیشتر مواقع بودن این اشیا کوچک‌ترین اثری در خوشبختی خانواده ندارد. برای یک کودک اشیای قیمتی برای بازی کردن با دیگر اشیا هیچ تفاوتی ندارد و او نمی‌تواند توجه خاصی به مواظبت از آن‌ها داشته باشد. عشق به اشیا در عده‌ای از والدین شدیدتر از عشق به کودک است و چون خواست‌های کودکان با خواست‌های بزرگسالان متفاوت است، بین آن‌ها کشمکش به وجود می‌آید!

کلیدواژه‌ها: اسباب بازی، کودکان، والدین، کنجکاوی



در دوران خود این ادراک را دارد که در مورد اشیای مکانیکی و چگونگی کارکرد آن‌ها کنجکاوی داشته باشد. این یک نیاز درونی و شخصی است که کودک به وسیله جدا کردن اسباب‌بازی‌های خود (قطعه‌قطعه کردن اسباب‌بازی‌ها) و اشیای دیگر نظیر رادیو، ضبط‌صوت، چراغ‌قوه و... ابراز می‌دارد. این‌گونه فعالیت‌ها برای کودک بسیار جذاب و ارضاکننده است (زیرا به نیاز خود پاسخ مناسب را می‌دهد).

منظور و نیت کودک از خراب کردن اسباب‌بازی اغلب این است که می‌خواهد از اسرار درون اسباب‌بازی سردر آورد و آگاه شود. می‌خواهد بداند از چه ساخته شده است و چه چیزهایی در درونش دارد. این میل به آگاهی و دانستن است که کودک را تهییج و ترغیب می‌کند تا از درون اسباب‌بازی‌ها سردر آورد.

آ.اس. نیل در این باره می‌نویسد: «کودک سالم و متعادل خیلی از اسباب‌بازی‌هایش را می‌شکند تا درون آن‌ها را کشف کند. کودک مستقل تحت تأثیر «من» طبیعی خود است، نه فشارها و توصیه‌های خارجی». بنابراین، بر والدین است که با بینش، بصیرت و سعه صدر به رفتارهای کودک واکنش مناسب نشان دهند و اگر کودک آن‌ها میل به کشف، کنجکاوی و خراب کردن وسایل نداشت، در سلامت وی دچار شک و تردید شوند و به دنبال علت آن باشند. - میل به خلاقیت، کشف و آشنایی با درون اشیاء و آگاه شدن از طرز کار وسایل از دیگر علل است.

- گاهی هم کودک به منظور جلب توجه، خراب‌کاری می‌کند. این امر نشان می‌دهد که کم‌توجهی اطرافیان او را آزار می‌دهد. در این‌گونه مواقع، باید توجه واقعی خود را به کودک نشان دهید و از نظر محبت او را ارضا کنید.

- کودک وقتی می‌بیند کودک دیگری بیشتر مورد توجه است، حسادت خود را با خراب کردن اسباب‌بازی‌های آن کودک نشان می‌دهد. در این صورت، باید او را از احساس محبت خود مطمئن کنید تا امنیت‌خاطر بیابد. در این‌گونه مواقع، سرزنش کردن

کودک یا وادار کردن او به عذرخواهی کار صحیحی نیست. - گاهی کودک در دوست‌یابی و برقراری ارتباط ضعیف است و از همین‌رو، اسباب‌بازی‌ها و وسایل دیگران را خراب می‌کند. در این مورد، راه‌حل مناسب این است که والدین فرصت‌هایی برای بازی جمعی و معاشرت بیشتر او با سایر کودکان فراهم آورند.

- یکی دیگر از دلایل خراب کردن اسباب‌بازی‌ها و وسایل دیگران، سرکشی کودکان در برابر اقتدار سرکوبگر والدین است.

- اسباب‌بازی‌هایی که برای کودک تهیه می‌کنیم باید متناسب با سطح درک و فهم او باشد؛ زیرا اگر کودک نتواند از اسباب‌بازی استفاده و با آن بازی کند و به لحاظ فکری فشار زیادی بر او وارد شود، ممکن است عصبانی شده، اسباب‌بازی را بشکند.

- گاهی شکستن و خراب کردن وسایل برای سرگرمی و تفریح صورت می‌گیرد. در شکستن و به زمین کوبیدن، پاره کردن یا خط کشیدن روی دیوار نیز، لذتی نهفته است که کودک را ارضا می‌کند.

اگر بزرگ‌ترها هم به فکر ارزش مادی اشیاء نبودند، گاهی این لذت‌ها را برای خود مباح می‌دانستند و از شکستن و خراب کردن لذت می‌بردند. بنابراین، جای ایرادگیری چندانی از کودک نیست و می‌توان کاغذهای باطله، روزنامه‌های کهنه و اسباب و لوازم دورریختنی را در اختیار او گذاشت تا از تارومار کردن آن‌ها لذت ببرد. حتی می‌توان روی یک قسمت از دیوار مقوایی نصب کرد تا هرچه می‌خواهد روی آن خط بکشد و تفریح کند.

روش برخورد صحیح والدین در قبال شکستن اسباب‌بازی توسط کودک

وقتی کودک اسباب‌بازی‌هایش را می‌شکند، در واقع به نیاز خود^۱ پاسخ می‌دهد. اما والدین از این رفتار کودک ناراحت می‌شوند و به صورت کلامی و غیرکلامی (توبه‌ای، رفتار بد است، وقتی این‌طور رفتار می‌کنی نه دوست‌داشتنی هستی و نه ما تو را دوست داریم، و اخم کردن) نارضایتی خویش را ابراز می‌کنند.

وقتی کودک می‌بیند که شکستن اسباب‌بازی پاسخ به نیاز خود است و از طرفی، درمی‌یابد که به‌خاطر پاسخ‌گویی به این نیاز، از توجه مثبت که خواسته‌اساسی تری است و برایش ارزش بسیار زیادی دارد محروم می‌شود، در تعارض و تضاد بین نیاز خود و توجه مثبت قرار می‌گیرد و توجه مثبت را که خواسته‌اساسی تری است، انتخاب می‌کند. در اینجاست که کودک به‌خاطر پذیرش، عشق و محبت والدین، نیاز خود را انکار و منحرف می‌کند. کودک در واقع از نیاز رضایت شخصی خود - یعنی خراب کردن، پیچ‌گوشی در

اگر بزرگ‌ترها هم به فکر ارزش مادی اشیاء نبودند، گاهی این لذت‌ها را برای خود مباح می‌دانستند و از شکستن و خراب کردن لذت می‌بردند. بنابراین، جای ایرادگیری چندانی از کودک نیست



- والدینی که با روحیات و نیازهای کودک آشنا هستند، به خوبی می‌دانند که کنجکاوی و پرسش‌های او طبیعی و غریزی است و نباید این انگیزه را در او خاموش کنند بلکه باید شرایطی فراهم آورند که کودک بیشتر و بهتر به اشیا چشم بدوزد و پرسش کند و آن‌ها را لمس و در صورت لزوم قطعه‌قطعه کند و از درونشان آگاه شود.

- وقتی کودک اسباب‌بازی‌ای را خراب می‌کند، بهتر است والدین اسباب‌بازی نوئی برای او بخرند؛ چون ممکن است افسوس اسباب‌بازی خراب شده را بخورد و دچار دل‌مردگی، احساس گناه و پشیمانی شود. در صورتی که کودک از سر کنجکاوی و به‌طور غیرعمدی این کار را انجام داده است نباید دچار چنین حالت‌هایی شود.

- اسباب‌بازی‌های شکسته شده را کودک باید با راهنمایی والدین تعمیر کند در صورتی که غیرقابل استفاده باشند، والدین آن‌ها را در جعبه‌ای نگهداری کنند و در سال‌های بعد، گاهی آن‌ها را به کودک نشان دهند. این وسایل مرجع خاطرات خوبی برای کودکان خواهد شد.

- بعضی از والدین برای پُر دادن به خانواده‌های دیگر یا به علت امیال سرکوب شده دوران کودکی خویش و اینکه از داشتن بعضی اسباب‌بازی‌ها محروم بوده‌اند، اسباب‌بازی‌های زیادی برای کودک می‌خرند و آن‌ها را در کمد و گنجی و دور از دسترس او نگهداری می‌کنند. از نظر این‌گونه والدین، کودک خوب کودکی است که اسباب‌بازی‌هایش را در کمد یا گنجی، صحتیح و سالم به نمایش بگذارد و اگر کودکی آن‌ها را بشکند، خراب‌کار و بدذات محسوب می‌شود.

پی‌نوشت

1. Self

وقتی کودک اسباب‌بازی‌هایش را می‌شکند، در واقع به نیاز خود پاسخ می‌دهد

درون ضبط کردن و کشف آن - صرف‌نظر کرده، آن را انکار یا منحرف می‌کند تا مورد توجه، پذیرش، محبت، و عشق و علاقه والدین قرار گیرد. در واقع، این نقطه آغازین انحراف از مسیر تربیت طبیعی است؛ چرا که او از میل درونی، طبیعی و شخصی خویش می‌گذرد و بر مبنای تشخیص امیال بزرگسالان عمل می‌کند.

- اگر کودک اسباب‌بازی یا وسیله دیگری را خراب کرد، والدین نباید درباره او قضاوت اخلاقی کنند و به او بگویند: «تو کودکی بد، شیطان، بدذات، کثیف و غیرقابل تحمل هستی.» برای یک کار اشتباه نباید کل شخصیت کودک را زیر سؤال برد بلکه باید برایش توضیح داد که آن کار و رفتار خاصی که از او سر زده، درست نیست و بدین ترتیب، رفتار اشتباه کودک را از کل شخصیت وی منفک کرد.

- وقتی کودک اسباب‌بازی یا وسیله‌ای را می‌شکند، نباید با او به گونه‌ای رفتار کرد که دچار وحشت و نگرانی شود و بکوشد واقعه را از دید والدین مخفی کند یا اینکه به لحاظ روحی و روانی احساس گناه و شرمندگی زیادی در او ایجاد شود.

- والدین آگاه و مسئول همواره زمینه‌ساز رشد روزافزون فرزندان خویش‌اند و با تقویت حس تحقیق و کاوش و جست‌وجو در آنان، راه را برای پیشرفت و سعادتمندان هموار می‌سازند.

منابع

۱. نیل. آ. اس. (۱۳۷۲). کودکتان آزاد و مستقل تربیت کنیم: مترجم: عبدالرضا صرافان. دشتان.
۲. اردکانی، سوسن (۱۳۶۶). بهداشت مادر و کودک. جاویدان
۳. مطهری، محمدرضا (۱۳۹۳). علل شکستن و خراب کردن اسباب‌بازی‌ها توسط کودکان، نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی پیوند.

طرح رویش

گزارش دوره دانش‌افزایی و مهارت‌آموزی مربیان پیش‌دبستان در مجتمع حکمت نبوی(ص) وابسته به آستان مقدس عبدالعظیم حسنی(ع)

دوره پیش‌دبستان از مهم‌ترین مراحل تربیت کودک در نظام آموزش و پرورش کشور محسوب می‌شود. موفقیت کودکان در این دوره حساس در گرو توانمندی و تجربه مربیانی است که با کودکان سروکار دارند، هرچه مربیان آگاه‌تر، توانمندتر و با آمادگی بیشتر در محیط‌های آموزشی و کار با کودک حاضر شوند، در کیفیت فعالیت‌های آموزشی تربیتی و هدایت نوآموزان موفق‌تر خواهند بود. تا آنجا که در تمام نظام‌های تعلیم و تربیت معتبر دنیا مهم‌ترین سرمایه را نیروی انسانی یا همان مربی و معلم می‌دانند.

مجتمع حکمت نبوی(ص) وابسته به آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) در راستای مأموریت و وظایف ذاتی خود اقدام به اجرای «طرح رویش» نموده است.

طرح رویش با رویکرد افزایش توانایی، مهارت‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان پیش‌دبستان و ویژه مربیان شاغل در مراکز مجتمع حکمت نبوی(ص) در تابستان سال جاری برگزار شد.

حسین حاجی‌بابایی، دبیر برگزاری این دوره اهم اهداف این طرح را موارد زیر برشمرد:

- افزایش دانش و مهارت مربیان پیش‌دبستان درباره برنامه و فعالیت استاندارد در دوره پیش‌دبستان
- زمینه‌سازی جهت تغییر نگرش مربیان در خصوص کودکان پیش‌دبستان
- افزایش مهارت‌های عملی و کارگروهی مربیان
- آشنایی و بهره‌گیری مربیان از علوم و فناوری‌های نوین

وی همچنین افزود تصمیم درباره کیفیت برگزاری این طرح توسط کارگروهی ویژه با حضور جمعی از صاحب‌نظران و کارشناسان تعلیم و تربیت، برنامه‌ریزی درسی و اساتید مجرب در خصوص برنامه و فعالیت‌های دوره پیش‌دبستان تشکیل شد.

از آنجا که مجتمع حکمت توجه ویژه به دوره پیش‌دبستان دارد لذا سعی نموده تا با بهره‌مندی از اساتید و کارشناسان مجرب در سرفصل‌های زیر به کیفیت هرچه بیشتر این طرح بیافزاید.

- اصول و مبانی آموزشی و پرورشی دوره پیش‌دبستان
- فعالیت‌های آموزش و پرورش پیش‌دبستان
- کارگاه‌های بازی، خلاقیت و هنر
- روان‌شناسی رشد دوره کودکی اول
- انس کودکان با قرآن در فعالیت‌های پیش‌دبستان





مقاله و مقاله‌نویسی (۱)

حجم مقاله با توجه به خط‌مشی و هدف نشریه‌ای که آن را به چاپ می‌رساند، بین ۲۰۰۰ تا ۶۰۰۰ کلمه است. مقاله‌های کوتاه ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کلمه، مقاله‌های متوسط ۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ کلمه و مقاله‌های مفصل ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰ کلمه‌اند. در صورت زیاد بودن حجم مقاله نویسنده می‌تواند با نظر نشریه آن را به دو یا چند بخش تقسیم کند.

هر مقاله با توجه به هدف و ساختارش از سایر مقالات متمایز می‌شود. مقاله علمی که به آن «مقاله تحقیقی یا پژوهشی» هم می‌گویند، ساختاری مشخص دارد و هدف آن معمولاً ارائه یافته‌های پژوهشی تازه یا تحلیل یافته‌های پیشین است.

«مقاله تحقیقی نوشته‌ای است که محقق در آن جریان و حاصل تحقیق خود را بیان کند و لازمه‌اش آن است که حامل پیام یا نظر و دعوی یا دست‌کم بیان تازه‌ای از آن‌ها باشد» (سمیعی، ۱۳۸۷: ۲۵).

مقاله می‌تواند حاوی یک موضوع علمی باشد یا در حد یک گزارش ساده اقتصادی، سیاسی یا ورزشی جنبه خبری صرف داشته باشد. یزدان منصوریان در کتاب «مبانی نگارش علمی» به نقل از اس. ام. هابوچ تعریفی کلی از مقاله آورده است:

«مقاله علمی نوشته‌ای موجز و منسجم است که در یک زمینه موضوعی مشخص و به زبان رسمی تدوین می‌شود. معمولاً ساختار مقاله چندجزئی و در چارچوب یکی از الگوهای مورد

در میان مقاله‌هایی که برای ویرایش به دستم می‌رسد، گاه و بی‌گاه نوشته‌هایی هست که به‌طور بالفعل «مقاله» نیستند و باید اصلاح شوند و کاستی‌های علمی و مضمونی و مشکلات ساختاری و زبانی‌شان رفع گردد تا به مقاله تبدیل شوند و صد البته، برای رسیدن به این مرحله باید راهی طولانی را بپیمایند.

برای کمک به رفع بخشی از این مشکل، نوشته حاضر در دو قسمت تدوین شده است و در دو شماره این مجله به چاپ می‌رسد، قسمت نخست به کلیاتی درباره مقاله، مقدمات نگارش مقاله و راهکارهایی برای هرچه راحت‌تر و بی‌عیب‌تر نوشتن آن اختصاص دارد. در قسمت دوم (شماره آینده) بخش‌های مختلف یک مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد و در عین حال، شیوه درست ارجاع و استناد، چینش مقاله، فهرست‌نویسی، منابع و... مطرح می‌گردد.

امیدواریم این اطلاعات بتواند یاریگر خوانندگان عزیز مجله در حوزه مقاله و مقاله‌نویسی باشد.

کلیدواژه‌ها: مقاله‌نویسی، چارچوب مقاله، نگارش، زبان معیار، مقاله تحقیقی

مقاله از جمله قالب‌های نوشتاری است که درباره موضوعی خاص فراهم می‌آید و اطلاعاتی را به شکل طبقه‌بندی شده در اختیار مخاطبان می‌گذارد.

مقاله در لغت، مصدر میمی است از ریشه «قول» به معنای سخن، نوشته، کلام، گفتار و قول. «مقاله نوشتاری کوتاه از ۱ تا ۳۰ صفحه یا فصلی از یک کتاب است که نویسنده در آن دیدگاه‌ها، یافته‌ها و تجربه‌های ذهنی خود را درباره یک موضوع به بحث می‌گذارد» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۷۵).

و هدفمند مطالعه کنید و اطلاعات خود را به روز نگه دارید. به حدی که بتوانید با استفاده از اصطلاحات خاص حوزه مورد علاقه تان، حاصل پژوهش یا تحلیل و نقد و بررسی خود را در چارچوبی منطقی بیان کنید.

۳ به منابع اطلاعاتی دسترسی مؤثر داشته باشید تا بتوانید اطلاعات مرتبط با موضوع مقاله خود را جستجو کنید.

۴ برای تدوین پیشینه پژوهش، میان منابع مورد مطالعه و دانسته های قبلی خود پیوند برقرار کنید.

۵ با شیوه های استفاده از منابع، حقوق مؤلفان و موازین اجتماعی و قانونی بهره گیری از آثار دیگران آشنا باشید.

۶ ساختار مقاله علمی را بشناسید.

۷ به زبان معمول و مرسوم حوزه مورد مطالعه خود احاطه کافی داشته باشید.

۸ مناسب ترین نشریه را برای انتشار مقاله خود انتخاب کنید.

از آنجا که شما در طرح مباحث و بیان مطالب در قالب مقاله محدودیت حجم دارید، باید بتوانید چارچوب مقاله خود را مشخص و موضوعتان را محدود کنید؛ زیرا همان طور که می دانید، حوزه های موضوعی و اطلاعات موجود در این حوزه ها بسیار گسترده اند و گاه این خطر وجود دارد که سفره اطلاعات را بیش از حد باز کنید و وسوسه شوید که از همه منابع، اطلاعاتی در نوشته خود بیاورید. در این صورت، جمع کردن و تحلیل مطالب و در نهایت استنتاج از آن ها دشوار می شود. راهکاری که برای جلوگیری از این مشکل می توان داد، نوشتن سناریویی دقیق برای مقاله است. با پیش بینی اندازه مقاله و همه سرفصل ها یا اجزاء آن، می توانید با چشم باز حرکت کنید و اطلاعات مرتبط را به قدر نیاز گرد آورید و از آن استفاده کنید.

می توانید از منابعی که به آن ها مراجعه می کنید، یادداشت بردارید. یادداشت هایتان را روی برگه های کوچک کاغذ یا کاغذهای مخصوص این کار (فیش) بنویسید. بهتر است روی هر برگه فقط یک مطلب نوشته شود. در نهایت، با کنار هم قرار دادن این برگه ها می توانید اطلاعات ارزشمندی از آن ها استخراج کنید.

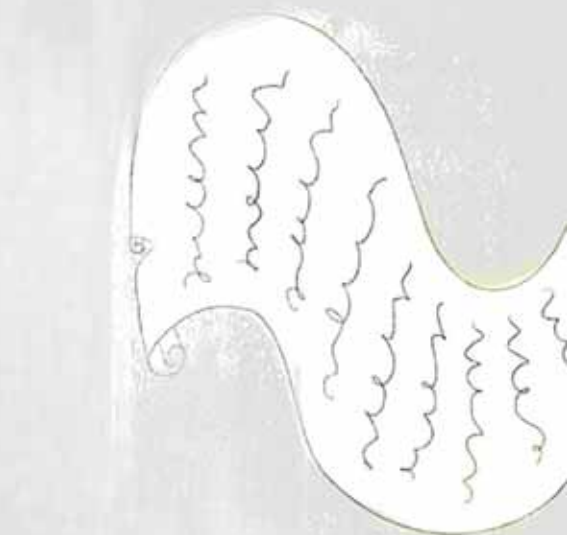
یادداشتان نرود که نقل قول ها را در هر برگه مشخص کنید و منابع دقیق آن ها را بنویسید. هنگام یادداشت برداری (فیش برداری) از کپی کردن اطلاعات مندرج در منبع مورد مراجعه خود بپرهیزید؛ مگر در شرایطی که هدفتان نقل قول مستقیم باشد. در این صورت هم، عین جمله یا بند نقل شده را در گیومه بیاورید و در انتهای جمله یا بند، نام خانوادگی مؤلف، تاریخ نشر منبع و شماره صفحه منبعی را که از آن نقل کرده اید، بنویسید.

پس از مطالعه منابع مورد نظر و یادداشت برداری، مرحله پاک نویسی مقاله آغاز می شود. می توانید به کمک رایانه مقاله خود را از همان آغاز تایپ کنید. به هر حال، چه گردآوری و پاک نویسی اطلاعات را به صورت دستی انجام دهید چه با رایانه، برای تنظیم اطلاعات جمع آوری شده و نگارش مقاله لازم است به موارد زیر توجه کنید.

اصول پایه نگارش مقاله

۱ موازین علمی و اصول بدیهی همچون صداقت کلام، تفکر انتقادی و صراحت بیان را رعایت کنید؛ گردآوری داده ها، تحلیل، استنباط، و استناد و استنتاج و نیز نگارش مقاله باید به دور از موضع گیری های غیرمنصفانه، تعصب و غرض ورزی باشد. در عین حال، تعهد داشته باشید که نام منابع مورد استفاده و افراد دخیل در مقاله خود را در بخش مربوطه در پایان مقاله بیاورید یا در جای مخصوص از آن ها قدردانی کنید. این امر در حکم اذعان شما به مشارکت آن ها در نوشته تان است.

۲ در نگارش بی طرفی را رعایت کنید؛ محتوای مقاله باید بی طرفانه و به دور



تأیید مجامع علمی است. مقاله علمی باید بی ابهام باشد، هدف مشخصی داشته باشد، به پرسش های معینی پاسخ دهد، بیانگر اندیشه ها، یافته ها و دیدگاه های نویسنده یا نویسندگان آن باشد و به نتیجه ای روشن منتهی شود. مقاله از فراگیرترین ابزارهای انتشار نتایج پژوهش های علمی است و جایگاهی ویژه در انعکاس پیشرفت های علمی دارد.

امروزه به روزترین اطلاعات در مقاله ها ارائه می شود و سپس گزیده یا چکیده آن ها به کتاب ها و انواع منابع مرجع راه می یابد. از این رو، یکی از مهم ترین معیارها برای ارتقای درجه دانشگاهی افراد، تعداد و کیفیت مقاله هایی است که می نویسند و چاپ و منتشر می کنند.

برای تهیه مقاله لازم است:

۱ ابتدا موضوع مناسبی برای مطرح کردن پیدا کنید. موضوعی که برای نوشتن انتخاب می کنید، باید:

- مهم باشد و قابلیت طرح در یک مقاله علمی را داشته باشد.
- تا حد ممکن تازه، غیرتکراری، جزئی و تخصصی باشد.
- بستر مناسبی برای بحث های روشنگر بعدی فراهم آورد.
- هدفی جدی و در خور توجه داشته باشد.

۲ از دانش کافی درباره موضوعی که انتخاب کرده اید، برخوردار باشید. بنابراین، به طور منظم



جمله‌ها و عبارت‌ها و نیز بندها و بخش‌های مقاله، پاراگراف‌بندی صحیح، پرهیز از به‌کار بردن واژه‌های مهجور و روشن کردن موضوعات تخصصی مبهم است.

منظور از زبان معیار نیز زبان رسمی و فرهنگی کشور است که تحصیل‌کردگان از آن استفاده می‌کنند.

۶ شفاف بنویسید و از ابهام بپرهیزید؛ از جمله ابهام‌هایی که ممکن است در یک مقاله علمی وجود داشته باشد، ابهام زبانی، ابهام محتوایی و ابهام ساختاری است. ابهام زبانی ناشی از استفاده نادرست یا ناشیانه از عناصر زبانی و ناتوانی در آوردن واژه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌های مناسب و القای مفهوم از طریق آن‌هاست. ابهام محتوایی در نتیجه روشن نبودن موضوع مقاله برای خود نویسنده، به خواننده منتقل می‌شود. البته گاه نویسنده بر موضوع مقاله خویش احاطه کافی دارد اما نمی‌تواند آن را به شکلی مناسب به خواننده القا کند. ابهام ساختاری نیز نتیجه چینش ناصحیح اجزاء مقاله و نداشتن انسجام و یکپارچه نبودن آن است. به هر حال، شما به‌عنوان نویسنده باید در رفع این ابهام‌ها بکوشید.

۷ امانت‌دار باشید و حقوق نسخه‌برداری یا کپی‌رایست را رعایت کنید؛ آثار و منابعی را که در مقاله خود به هر ترتیبی از آن‌ها استفاده کرده‌اید، حتی در حد نقل یک کلمه یا ارجاع غیرمستقیم، حتما معرفی کنید. این امر نه تنها از ارزش کار شما نمی‌کاهد بلکه به سبب احترام به حقوق دیگران، بر قدر شما می‌افزاید.

۸ انتقادپذیر باشید؛ مقاله‌نویسی نوعی تعامل با مخاطبان است و شرط برقراری این تعامل آن است که شما به‌عنوان نویسنده قادر به پذیرش انتقادهای وارد بر اثر خود باشید. تنها با پذیرش منطقی و اصولی این انتقادهای و رفع اشکالات کار خود قادر به اجرای پروژه‌های موفق‌تر در آینده خواهید بود.

۹ در کار مقاله‌نویسی به نوآوری و تازگی مطالب و نیز شادابی و نشاط در بیان توجه داشته باشید.

در شماره آینده درباره قالب یا ساختار ظاهری مقاله، ارجاع و استناد و فهرست منابع با شما سخن می‌گوییم.

منابع

۱. سمعی، احمد. (۱۳۸۷). نگارش و ویرایش. تهران: سمت.
۲. فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی. تهران: سخن.
۳. منصوریان، یزدان. (۱۳۸۹). مبانی نگارش علمی. چاپ اول. یزدان.

از هر گونه سوگیری غیرمنطقی باشد. ادعاهایتان را همواره بر پایه استدلال‌های محکم و یافته‌های معتبر پژوهشی بنا کنید. یادتان باشد که مقاله، محل انعکاس احساسات و عواطف شخصی نیست.

۳ مخاطب مقاله خود را در نظر داشته باشید و برای او بنویسید.

۴ موجز و خلاصه بنویسید؛ از پرگویی بپرهیزید و معانی و مفاهیم مورد نظر خود را با استفاده از کمترین کلمات بیان کنید. البته طوری که به پیام مورد نظر تان لطمه نزنند.

۵ ساده بنویسید و در نوشتن از زبان معیار استفاده کنید؛ حتی اگر موضوع مقاله شما پیچیده است، سعی کنید آن را تا حد ممکن به زبان ساده بنویسید. همان‌گونه که پیش از این گفته‌ایم، یکی از ویژگی‌های زبان علمی، سادگی آن است و از آنجا که شما در نگارش مقاله علمی از این زبان استفاده می‌کنید، به یقین، سادگی و عاری بودن آن از هر نوع پیچیدگی و کژتابی را نیز به خودی خود رعایت خواهید کرد.

از جمله راهکارهای عملی برای رسیدن به زبان ساده، خودداری از نوشتن جمله‌های طولانی، استفاده از عبارت‌ها، جمله‌ها و کلمه‌های ربطی مناسب برای پیوند دادن

**کارنامه ایمان اوجیان**

از سال ۱۳۹۰ تا به امروز: همکاری با گروه مجلات رشد (رشد جوان، رشد ابتدایی، رشد آموزش پیش دبستانی) به عنوان طراح گرافیک

۱۳۹۰-۱۳۹۱: مدیر هنری مجله همشهری

سرنخ

۱۳۹۰: مدیر هنری پروژه «زندگی

زیباست» موسسه فرهنگی هنری شهرداری

تهران

۱۳۸۸-۱۳۹۰: همکاری با روزنامه‌های

اعتماد ملی، همشهری، جوان، وطن امروز

۱۳۸۸: روزنامه خورشید، طراحی گرافیک

صفحات اینفوگرافیک

از سال ۱۳۸۱-۱۳۸۶: همکاری با مجله

همشهری جوان به عنوان طراح گرافیک

قاب جدید مجله شما

همانطور که همه ما با رویکردی جدید و حس و حالی نو به سال تازه تحویل وارد می شویم، مجله رشد آموزش پیش دبستانی هم طبق سنت هرساله اش، با نگاهی تازه چه در محتوا و چه در زمینه طراحی گرافیک سال جدید تحصیلی را شروع کرد. به عنوان طراح گرافیک و همچنین کسی که تازه به گروه تحریریه این مجله اضافه شده‌ام، از همان ابتدا روحیه شادابی و سرزندگی را در سرتاسر کار حس کردم. همین حس و حال دوستانه و صمیمی در طراحی جدید این دوره ایده‌های جدیدی را برای بهتر ارائه شدن مجله به شما همراهان عزیز میسر می‌سازد. در ادامه گوشه‌هایی از این تغییرات برای آشنایی بیشتر آورده شده است.

ایجاد قلمه‌های
تصویری در مجله



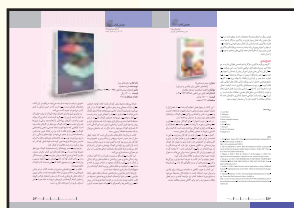
تغییر رویکرد صفحه
یادداشت سردبیر



تعریف نگاهی جدید
در صفحات گفت‌وگو



خاص دیدن
صفحات انتهایی



بازخوانی شیوه چیدمان
مطالب در صفحات پرچم



فراغت در ارتقای رشد کودک

مؤلف: دکتر ژیلای عزیز
ناشر: سادس، سال انتشار ۱۳۹۴
(تلفن: ۰۲۱-۶۱۲۰-۰۲۱)
قیمت: ۱۳۰۰۰۰ ریال
تعداد صفحات: ۱۶۴ صفحه



ارسطو اوقات فراغت را جدی‌ترین مشغله انسان می‌داند؛ چرا که این اوقات هم می‌تواند در جهت رشد و بالندگی انسان باشد و هم در جهت مخالف آن، یعنی زایل شدن وی، قرار گیرد. بنابراین، بهره‌مندی از اوقات فراغت برای همه انسان‌ها، به‌ویژه کودکان، اهمیت خاصی دارد.

اساس تربیت منوط به دوره کودکی است و برای آموزش و تربیت سازنده و مطلوب صرفاً آموزش رسمی کفایت نمی‌کند، بنابراین، آموزش غیررسمی (فعالیت‌های فراغتی یا فوق برنامه) نه تنها لازم است بلکه فعالیت‌های رسمی را نیز تکمیل می‌کند. با توجه به اینکه آموزش رسمی در ایران از پایان ۶ سالگی شروع می‌شود، آموزش‌های دوره پیش از دبستان که به‌طور غیرمستقیم و جذاب (در قالب بازی، قصه، نقاشی و پانتومیم، کارتون و مانند آن‌ها) ولی هدفمند، لذت‌بخش و داوطلبانه‌اند، بسیار حائز اهمیت می‌باشند. اوقات فراغت برای هر گروه سنی تصویری خاص دارد و از دلپذیرترین لحظات برای هر فرد به‌شمار می‌آید، اگر از همان دوره کودکی برنامه‌ریزی دقیق و متناسب با شرایط سنی، توانایی‌های جسمانی و فکری انجام گیرد و اهمیت اوقات فراغت برای کودکان ملموس گردد، قطعاً «اوقات فراغت جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کند. لازم به ذکر است که اهمیت فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت نه تنها کمتر از دوره رسمی نیست بلکه به همان اندازه و اگر اغراق نباشد بیشتر از آن، ارزشمند است.

در این کتاب، به دوره حساس کودکی یعنی دوره پیش از دبستان، دوره دبستان، و نیز به فعالیت‌هایی که در رشد همه‌جانبه کودکان در هر دوره سنی تأثیر می‌گذارند، پرداخته شده است. لذا باید کودکان را در هر دوره سنی بشناسیم و با توجه به نیاز، میل و رغبت و توانایی آن‌ها عمل کنیم.

اصول کاربردی مدیریت رفتار والدین کودکان بیش‌فعال

نویسنده: اعظم فاضلی
ناشر: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)
(تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۰۰۳۲۴-۹)
سال انتشار: ۱۳۹۴
قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال
تعداد صفحات: ۱۵۶ صفحه



اختلال نقص توجه - بیش‌فعالی شایع‌ترین اختلال رفتاری دوران کودکی است که می‌تواند درازمدت باشد و تا بزرگسالی ادامه پیدا کند. به نظر می‌رسد که رفتار کودک بیش‌فعال یکنواخت نیست؛ گاهی رفتار درستی دارد و در برخی مواقع کنترل‌ناپذیر است. این

یکی از جنبه‌های این اختلال است که والدین را تا حدی دلسرد می‌کند و این سؤال برایشان ایجاد می‌شود که اگر او می‌تواند در بعضی مواقع درست رفتار کند، پس چرا همیشه این‌گونه نیست؟

تعداد زیادی از دانش‌آموزان، به‌خصوص در دوره ابتدایی، با این مشکل مواجه‌اند و ناآگاهی والدین در این زمینه باعث بروز مشکلات ثانویه برای خود آن‌ها و فرزندانشان می‌شود (افسردگی، اضطراب، احساس بی‌کفایتی در تربیت فرزند و سرزنش دیگران برای والدین و اعتمادبه‌نفس پایین، روابط بین‌فردی ضعیف، طرد شدن از سوی همسالان و...). آگاهی از این اختلال و شیوه مدیریت و کنترل رفتارهای نامناسب این کودکان می‌تواند تا حد زیادی از پیامدهای منفی و نامطلوب آن جلوگیری کند.

این کتاب سه بخش دارد؛ در بخش اول، مؤلف به تعریف اختلال نقص توجه - بیش‌فعالی، مسائل و مشکلات مربوط به آن، علت‌یابی، تشخیص و راهبردهای درمانی پرداخته و در بخش دوم به راهکارهای افزایش رفتارهای مطلوب اشاره کرده است. بخش سوم به معرفی راهکارهایی برای کاهش رفتارهای نامطلوب اختصاص دارد. اصول مطرح شده در این کتاب می‌تواند برای والدین، معلمان، مشاوران و مربیان تربیتی کاربرد مناسبی داشته باشد.

مجموعه پنج جلدی کتاب‌های دعوا نکنیم... گفت‌وگو کنیم!

مؤلف: سیلوی ژیرارده

مترجم: فرزانه مهدی

انتشارات: بافرزندان، (تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۳۹۵۸۰)

سال انتشار: ۱۳۹۶

قیمت هر جلد: ۲۰۰۰۰ ریال

تعداد صفحات هر جلد: ۱۲ صفحه

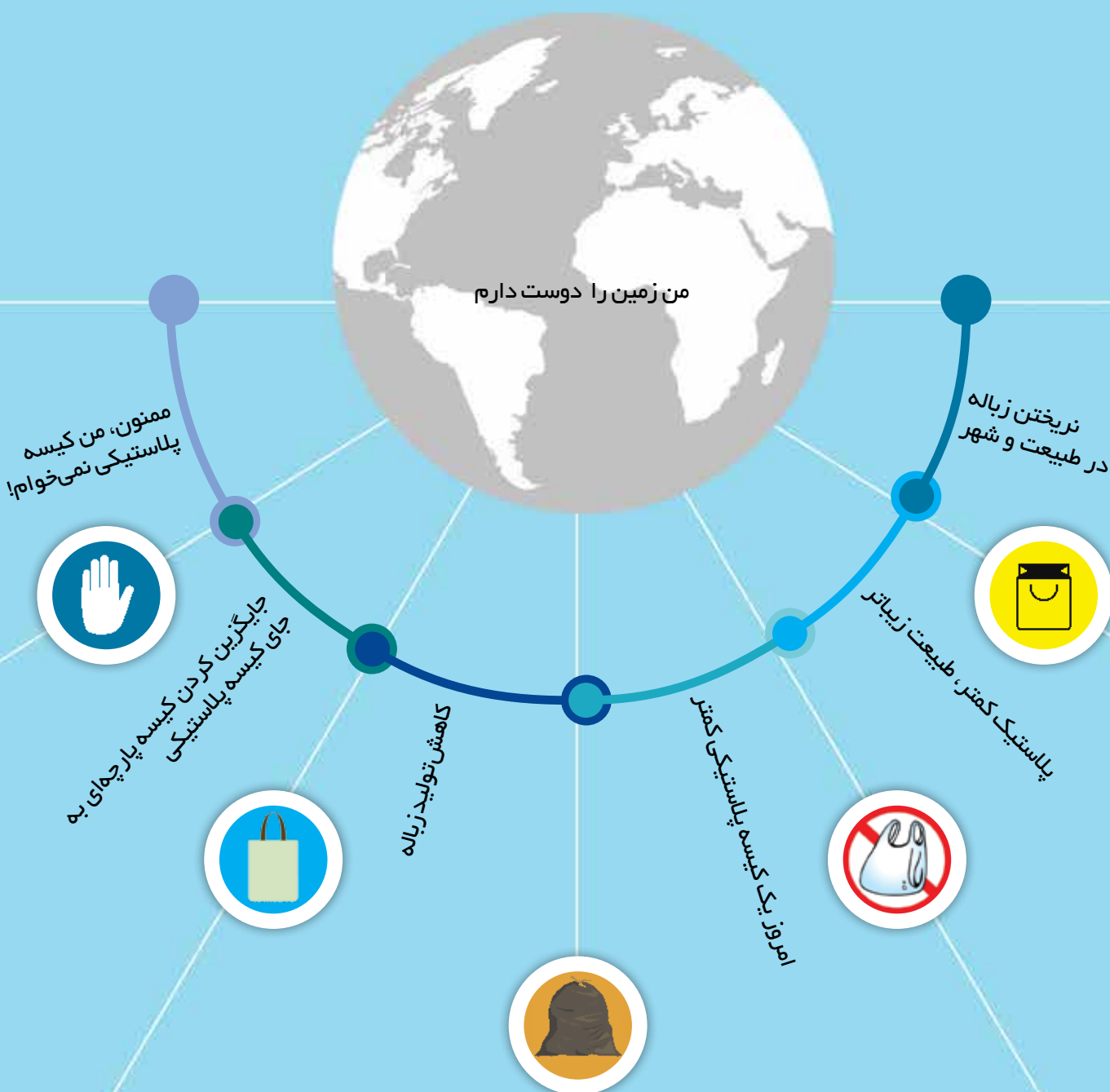
سیلوی ژیرارده و پوئینگ روزادو با همکاری یکدیگر آثاری بسیار جالب را خلق کرده‌اند. سیلوی ژیرارده برای بچه‌ها کتاب آموزشی و فرهنگی می‌نویسد و پوئینگ روزادو برای کتاب‌های او نقاشی می‌کشد. آن‌ها چندین بار آثارشان را در نمایشگاه‌های پاریس به نمایش گذاشته‌اند و هر بار با استقبال بچه‌های پاریسی روبه‌رو شده‌اند. به همین دلیل، وقتی «بنیاد فرانسه» تصمیم گرفت کتاب‌هایی دربارهٔ صلح و گفت‌وگو به جای جنگ و دعوا منتشر کند، آثار سیلوی ژیرارده و پوئینگ روزادو را انتخاب کرد. ... و چنین بود که مجموعه کتاب‌های «دعوا نکنیم، گفت‌وگو کنیم!» با همکاری بنیاد فرانسه منتشر شد.

چگونگی حل اختلاف از راه‌های متفاوتی همچون جنگ، گفت‌وگو و سازش و سرانجام رسیدن به صلح است. موضوع این کتاب، سازگاری و احترام به حقوق دیگران است. نویسنده با ساختاری داستانی و زبانی ساده، به شکل غیرمستقیم، اهمیت و ضرورت احترام به حقوق دیگران را به خواننده می‌شناساند. تصویرهای کتاب با رنگ‌های جذاب، همراه با متن حرکت می‌کنند. کیفیت ارائه کتاب مناسب موضوع است. نویسنده و مجموعه‌ای که این کتاب یکی از آن‌هاست، در پایان کتاب معرفی شده است. ترتیب دادن بحث جمعی دربارهٔ موضوع کتاب، اجرای نمایش، نقاشی با موضوع احترام به حقوق دیگران و صلح و هم‌زیستی، خواندن شعرهایی دربارهٔ این موضوع، در درک بهتر خواننده از کتاب و موضوع، تأثیرگذار خواهد بود.

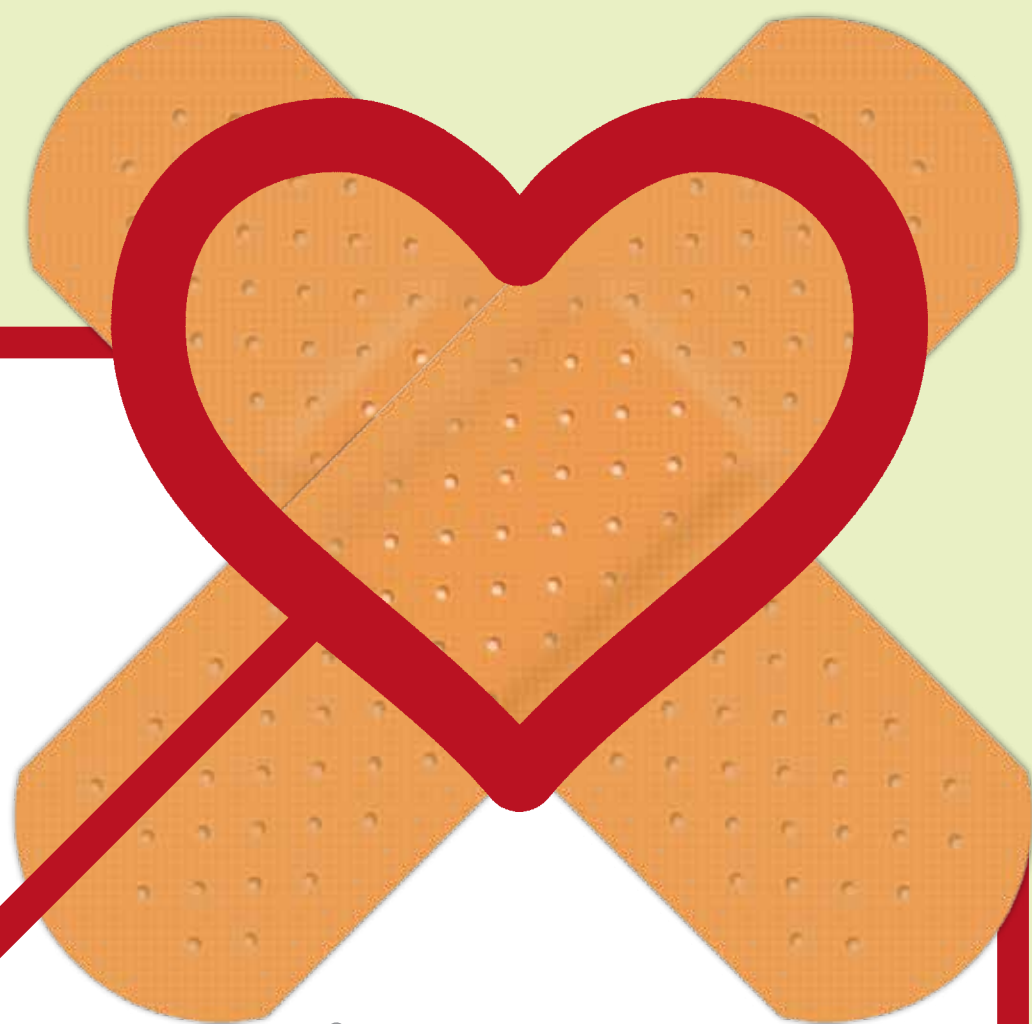
این مجموعه کتاب برگزیدهٔ دورهٔ نخست جشنوارهٔ «کتاب مناسب ۱۳۸۴» انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان بوده است.



کودکان را از دورهٔ پیش دبستان به حفظ محیط زیست و تمیزی آن عادت دهیم.



با مصرف يك کیسه پلاستیکی کمتر و نریختن آن در طبیعت، در تضمین سلامت کودکان و تأمین زیبایی طبیعت سرزمین خویش بکوشیم.



۲۵ دی ماه
ولادت حضرت زینب (س) و

روز مبارک



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و توسعه آموزشی
مجله رشد آموزش و پرورش

اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال

رشد برای رشد

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه راه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۸۸۴۹۰۲۳۳۳ لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد: ♦ میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

♦ تلفن بازگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

Email: Eshtarak@roshdmag.ir

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و توسعه آموزشی
مجله رشد آموزش و پرورش

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی

♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی

♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا

♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک

♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه

♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir